

فهرست
۰۷۹۳۳۳۶۱۶۶ شیرین شاه

فصل اول

۱	مقدمه.....
۲	یگانگی بشری
۲	زنان همسان وهم ردیف مردان اند.....
۲	۱- مساوات میان مردوزن در حقوق ومسولیتها
۲	۲- مساوات میان آنان در عرصه عقاید واحکام
۳	۳- مساوات میان مرد وزن در اهلیت
۳	۴- منزلت مردوزن یکسان است
۴	حقوق شوهر.....

فصل دوم

۴	۱- اطاعت مشروع.....
۵	۲- توانایی جسمی.....
۶	۳- منزل محوری.....
۷	۴- محافظت از ثروت وحیثیت.....
۷	۵- کاردر منزل.....
۷	۶- آرایش وآراستگی.....
۸	۷- سکونت در خانه شوهر.....

فصل سوم

۸	جایگاه زن از دیدگاه قرآن و حدیث.....
۸	قرآن:.....
۹	احادیث:.....
۹	حقوق مالی زن:.....
۹	اول حق مهر:.....
۱۰	دوم حق نفقه:.....
۱۱	سوم حق ارث:.....
۱۲	نکته ها:.....
۱۲	۱- ارث یک حق طبیعی است:.....
۱۲	۲- تحول تدریجی ارث:.....
۱۳	چهارم- حق دیه زن:.....
۱۴	پنجم- حق زن در تصرف اموال:.....
۱۴	ششم- حق کار زن:.....

فصل چهارم

۱۵	حقوق غیر مالی.....
۱۵	اول: حق تعلیم و تحصیل زن.....
۱۷	دوم: حق کرامت انسانی زن.....
۱۸	سوم حق ازدواج.....
۱۸	الف: قران کریم.....
۱۸	ب: حدیث:.....
۱۹	زن در انتخاب اختیار دارد:.....

۲۰.....	چهارم: حق حیات زن:.....
۲۱.....	پنجم: حق سیاسی زن:.....
۲۲.....	ششم: حق حسن معاشرت بازن:.....

فصل پنجم

۲۳.....	قانون اساسی.....
۲۳.....	ماده ی.....
۲۳.....	ماده ی ۷.....
۲۳.....	ماده ی ۲۰.....
۲۴.....	ماده ی ۲۴.....
۲۴.....	ماده ی ۳۳.....
۲۴.....	ماده ی ۴۳.....
۲۴.....	ماده ی ۴۴.....
۲۵.....	ماده ی ۵۲.....
۲۵.....	ماده ی ۵۴.....
۲۵.....	ماده ی ۵۳.....
۲۵.....	قانون مدنی افغانستان.....
۲۵.....	ماده ی ۳۶.....
۲۵.....	ماده ی ۳۹.....
۲۶.....	ماده ی ۴۵.....
۲۶.....	ماده ی ۵۱.....
۲۶.....	ماده ی ۶۰.....
۲۶.....	ماده ی ۶۴.....
۲۶.....	ماده ی ۶۹.....
۲۷.....	ماده ی ۷۷.....
۲۷.....	ماده ی ۱۱۷.....
۲۷.....	ماده ی ۱۱۹.....
۲۷.....	ماده ی ۱۲۰.....
۲۷.....	تفريق جدایِ بينِ زن و مرد.....
۲۸.....	خُلع.....
۲۸.....	تفريق.....
۲۸.....	• تفريق به سببِ عيب.....
۲۸.....	• تفريق به سببِ ضرر.....
۲۸.....	• تفريق به سببِ عدمِ انفاق.....
۲۹.....	• تفريق به سببِ غيابت.....
۲۹.....	قانونِ منعِ خشونتِ عليه زن.....
۲۹.....	خشونت.....
۳۱.....	فصل ششم.....
۳۱.....	کنوانسیونِ رفعِ کليه تبعيضِ عليه زنان.....
۳۱.....	کنوانسیونِ رفعِ کليه تبعيضِ عليه زنان.....
۳۱.....	کنوانسیونِ رفعِ هر گونه تبعيضِ عليه زنان.....
۳۲.....	بخش اول.....

۳۳	بخش دوم.....
۳۴	بخش سوم.....
۳۴	بخش چهارم.....
۳۶	بخش پنجم.....
۳۷	بخش ششم.....
۳۸	فصل هفتم.....
۳۸	خشونت های فامیلی در افغانستان.....
۳۸	خشونت چیست؟.....
۳۸	انواع خشونت های فامیلی.....
۳۹	• خشونت فیزیکی.....
۳۹	• خشونت جنسی.....
۳۹	• خشونت روانی.....
۳۹	• خشونت معدنی.....
۳۹	• خشونت فرهنگی.....
۳۹	• خشونت اجتماعی.....
۴۰	• خشونت اقتصادی.....
۴۰	قربانیان اصلی خشونت های فامیلی کی ها اند؟.....
۴۰	خشونت های فامیلی در جامعه چه اثرات را بجا خواهد گذاشت؟.....
۴۰	عوامل خشونت های فامیلی کدام ها اند؟.....
۴۰	• مصاب بودن شخص به امراض روانی:.....
۴۰	• عدم اعتماد بین فامیل مخصوصاً زن و شوهر.....
۴۰	• تعدد زوجات:.....
۴۱	• ازدواج های اجباری:.....
۴۱	• ازدواج های قبل از وقت:.....
۴۱	• بیکاری و فقر اقتصادی:.....
۴۱	• عدم احترام به حق ملکیت زن:.....
۴۱	• تفاوت سنی بین زن و شوهر:.....
۴۱	• استبداد پیشه گی اعضای فامیل:.....
۴۱	• سطح پایین آگاهی عامه.....
۴۱	• ساختار سالم از گانه های تطبیق کنندهء قانون:.....
۴۱	• بی خبری از قانون:.....
۴۱	موادات شریعت در برابر خشونت علیه زنان.....
۴۱	• برابری زن و مرد در کرامت انسانی:.....
۴۲	• توصیه اسلام به رفتار نیکو با زنان.....
۴۳	• مادهء ۴۴۲ قانون جزا.....
فصل هشتم	
۴۳	بد دادن.....
۴۳	اثرات منفی بد.....
۴۴	بد دادن دختران یکی از عنعنات ناپسند افغانها است.....
۴۵	منبع و ماخذ.....

مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلوه والسلام على سيد الانبياء والمرسلين
سپاس و ستایش خدا را که با آفریدن و پروراندن جهانیان خود را رب العالمین و با دمیدن روح خود در آدم احسن
الخالقین نامید. و درود بی پایان به ناجی بشریت محمد مصطفی(ص).

اسلام به عنوان دین جامع و جهان شمول، احکام و مقررات فراوانی را به منظور تبیین وظایف انسان در رابطه با خداوند
و تنظیم روابط او با هم نوعان اش بیان نموده است. احکام ناظر به روابط انسان با هم نوعان او، به صورت مجموعه ای
از حقوق و تکالیف است، حقوق انسان در برابر دیگران از آن برخوردار است و تکالیف وظایف که خود در مقابل آنان
برعهده دارد. از جمله این مقررات حقوق وظایفی است که اعضاء یک خانواده، به ویژه زن و شوهر از آن برخوردار اند.
اسلام برای خانواده اهمیت ویژه ای قایل است و برای سلامت خانواده و پیش گیری از تزلزل آن، دستورات فراوانی در
قرآن و روایات وجود دارد.

از میان اعضاء خانواده زن بیش از دیگران مورد توجه قرار گرفته است. حقوق و وظایف زن، به عنوان فرزند، همسر یا
مادر، بخش وسیعی از روایات را به خود اختصاص داده است. به جرات میتوان ادعا کرد هیچ مکتبی به اندازه مکتب
اسلام به جنس زن توجه نکرده و برای او ارزش و اعتبار قایل نشده است.

اسلام دین فطرت خداوند (ج) در اکثر مواضع کلام مجید خویش انسان ها را با کلمات یا ایهاالناس و یا ایهاالذین امنوا،
بدون امتیاز جنس مخاطب ساخته و این خود میرساند که خداوند (ج) به حکمت بالغه خویش مرد و زن را لازم و ملزوم
یک دیگر آفریده است و موافق ساختار جسمی و روانی شان آنها را مکلف ساخته است و به هر کدام وجایب و مسولیت
های خاصی سپرده است و زمینه های رشد و کمال را مطابق فطرت، برای شان مهیا ساخته است.

اما در جوامع قبل از اسلام بر عکس قانون فطرت زن از اکثر این حقوق خدا داد محروم بوده است تا این که با ظهور
اسلام دوباره حقوق فطری و طبیعی زن به وی اعاده و داده شده چنانچه در آیه های قرآن و احادیث شریف که پیامبر
(ص) در آخرین و بزرگترین خطبه خویش در محفل بزرگ حجه الوداع در جمع کثیر صحابه ایراد کرد این نکته اثبات
میگردد، اما این که حالا در بعض جوامع و کشور های اسلامی خصوصا کشور عزیز ما افغانستان برخوردی که با زنان
صورت میگردد اکثرا تحت تاثیر عوامل بومی و محیطی و یا تحمیل ها و فشار های عنعنوی به وجود می آید که نباید آن
را به گردن اسلام بیندازیم.

این کتاب آموزشی که از طرف موسسه کلمپ تهیه و آماده شده مقام حقیقی و واقعی زن را از دید گاه قرآن و حدیث و
قوانین نافذه کشور و کنوانسیون های بین المللی مورد مذاقه و بحث قرار داده است.

در این کتاب سعی و کوشش صورت گرفته تا تمام عناوین آن دارای آیت و حدیث و قانون وجود داشته باشد تا که مردم
ما بدانند برخورد که همراي زنان در جامعه ما صورت میگیرد برخورد بر خاسته از میان خود مردم است و در اسلام هیچ
جایگاهی ندارد مثل مسله بد و بدل و

بدین لحاظ موسسه کلمپ از همه برادران و خواهران میخواهد تا در این راستا با برداشت از احکام قرآنی و ارشادات نبوی
به مردم آگاهی داده تا این پدیده منفور و زشت از جامعه ما دور گردد و هیچ کس به سرنوشت و حیات دیگری بازی
نکنند با جامعه ای به دور از رسم و رواج های خلاف شرع داشته باشیم .

و من الله التوفيق

یگانگی بشری :

آفرینش بشریت از وحدت انسانی کاملی در ساختار جسمی ، سرشت احساسات ، عواطف ، رویکرد ها، رنجها ، آروزها ، نیازمندیها و ضروریات برخوردار است و بر مبنای همین نگرش برای گرایشهای نژادپرستانه و اختلاف در رنگ پوست ، سلسله خانواده گی ، تفاوت میان مردوزن و تمایلات ملی مسلکی و مذهبی و دیگر تمایزها هیچ گونه بهانه و توجیهی وجود ندارد . لازمه وحدت آفرینش انسان از جانب خداوند پایبندی به اصول و ارزشهای مساوات ، آزادی ، برادری و عدالت در چهارچوب خانواده و عرصه های دیگر و همکاری و تفاهم سازنده میان مرد و زن برای به حرکت انداختن چرخ زنده گی به سوی خیر و سعادت و قوت و کرامت و افتخار و آرامش و الفت و مودت و آسایش روحی است .

اساس ارتباط میان مردوزن در اسلام بر مبنای مساوات کامل در آفرینش و وحدت خلقت وجود قرار گرفته است و خداوند متعال این موضوع را در قرآن این گونه بیان کرده است : **يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَّاحِدَةٍ وَّخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيْرًا وَّنِسَاءً وَاَتَقُوا لِلّٰهِ الَّذِي نَسَاۗءُ لُوْنٍ بِهِ وَاَلْاَرْحَامُ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلَيْكُم رَقِيْبًا** ﴿سوره نساء آیه ۱﴾

ترجمه : ای مردم ! از پروردگارتان که شمارا از نفس واحدی آفرید و جفتش را نیز از او پدید آورد و از آن دومردان و زنان بسیاری را در سرزمین پراکنده نمود ، برسید و از خدای که به نام او از هم دیگر درخواست میکنید بترسید زیرا خداوند بر شما نظارت دارد .

پیامبرگرمی اسلام می فرماید : زنان همسان و هم ردیف مردان اند :

این مساوات میان مرد و زن عامل بقای نسل بشروا زدیاد فرزندان پسر و دختر و درهم آمیختن مجموع های بشری در میان جامعه ها گردیده است تا جای که این جمعیت بشری که تعداد آن به حدود تقریباً پنج میلیارد و سیصد میلیون نفر می رسد ، در همه گوشه و کنار کره زمین زنده گی میکنند و از ثروتها و خیرات آن برای تحقق امنیت و سلامت در همه زمینه ها استفاده می نمایند . لازمه این مساوات وجود روابط برادری انسانی میان همه قشرهای مردم است تا انسان ها در کنار یکدیگر بر اساس اخوت و الفت راه سعادت را در پیش گیرند و یکدیگر را رفیق راه زنده گی به شمار بیاورند .

اخوت و برادری از کرامت انسانی که اصلی اساسی به شمار میرود و هیچ گونه برتری میان مردوزن را نمی پذیرد ، سرچشمه گرفته است . خداوند متعال در این باره فرموده است : **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ** ﴿سوره اسراء آیه ۷۰﴾

ترجمه : به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشته ایم .

همچنین لازمه برادری انسانی تعاون و همکاری برای رویا رویی با مشکلات سخت و متنوع و مستمر زنده گی است ، زیرا تعاون یکی از مظاهر بارز رشد و تمدن بوده و مردوزن هر دو در ارتباط با آن مسئولیت دارند .

تعاون و همکاری بر اساس وجود پدیده محبت ، دلسوزی و احساس همدردی قرار گرفته است و عرصه های زنده گی تنها به بهره گیری از این احساس و عاطفه پاک میان مردان و زنان که راه درست خود را در پیش می گیرند .

و در راستای اظهار حقایق مساوات برادری ، آزادی و عدالت در جهان بوده است که رسول خدادار حجه الوداع رهنمود ها و ارزشهای ماندگاری را فرراه فعالیت های بشری قرار داده است .

(ای مردم : پروردگار شما یکی است و پدرتان نیز یکی بوده است . بدانید عرب بر عجم سرخ پوست بر سیاه پوست ، سیاه پوست بر سرخ پوست جزبه وسیله پرهیزگاری - هیچ گونه فضیلت و برتری ندارند گرمی ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین تان است . آیا پیام رارسانیدم صحابه گفتند آری یا رسول الله سپس فرمود : کسانی که در اینجا حضور داشته اند آن را به آنها ی که غایب بوده اند ، برسانند) تصویر وحدت انسانی با توجه به مفهوم فراگیر و مشترک آن از نظر اسلام ، ادامه همان تلاش و نگرش دیگر پیامبران برای تحقق روند تکاملی رسالت همه آنان و تاکید دیگر بر جهانی بودن رسالت اسلام در آخرین صورت آن از طریق پیامبر همه انسانها حضرت محمد "ص" بن عبدالله است .

اعتراف به اصل وحدت انسانی و سالیلی مانند مساوات کامل میان مردوزن و انسان بودند زن که از آن متشعب میشود موارد زیر را می طلبد :

۱- مساوات میان مردوزن در حقوق و مسولیتها :

در ارتباط با اندیشه و اهلیت و مسولیت های که دین خداوند فرراه انسانها قرار داده زنان دست کمی از مردان ندارند و در حقوق و مسولیتها همسان میباشند .

۲- مساوات میان آنان در عرصه عقاید و احکام :

همان انتظاری که از مرد برای برخورداری از عقیده ای صحیح و ادای مسولیت‌های شرعی می‌رود همان انتظار از آن نیز وجود دارد و در استحقاق دست یابی به درجات اخروی و کسب ثواب مردوزن در یک ردیف قرار دارند و مبنای مساوات با عمل صالحی است که هر دو انجام می دهند .

مساوات میان مردوزن در ارتباط با حقوق و مسولیت‌های اخروی در تکالیف دینی برگرفته از قرآن و سنت ، پدیده ای عمومی است . خداوند متعال می فرماید : إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِتِينَ وَالصَّامِتَاتِ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿سوره احزاب آیه ۳۵﴾

مردان و زنان مسلمان مردان و زنان باایمان و مردان و زنان عبارت پلیشه مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکبیا مردان و زنان فروتن مردان و زنان صدقه دهنده مردان و زنان روزه دار مردان و زنان پاکدامن مردان و زنان که خداوند رافراوان یاد می کنند خداوند برای همه آنها آموزش و پاداش بزرگی رافراهم ساخته است . هم چنین می فرماید : هر کس در گرو عمل کرد خویش است . می فرماید : وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْفَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿سوره نساء آیه ۱۲۴﴾ کسانی که کارهای شایسته می کنند مرد باشند یا زن در حالی که مومن باشند به بهشت می روند و به اندازه گودی پشت هسته خرما می خورد ستم قرار نمی گیرند . هم چنین در زمینه زنده گی مادی و روابط همسری و قیام به مسولیت‌های معیشتی ، قرآن با صراحت تمام اصل مساوات در مسائل زنده گی خانواده گی را بیان و مقرر نموده است . خداوند متعال درین باره می فرماید : وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَىٰ عَنَانٍ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿سوره بقره آیه ۲۲۸﴾ و همانند وظایفی که برعهده زنان است به صورتی شایسته به نفع آنان برعهده مردان نیز هست و در ادای مسولیت ها مردان بر زنان برتری دارند و خدا غالب و استوار است.

۳- مساوات میان مرد و زن در اهلیت :

دراهلیتها و شایستگیهای اجتماعی و اقتصادی زنان نیز همه چون مردانند ، زیرا مبنای مسولیت برخورداری از عقل است و زنان نیز همانند مردان عاقل و رشید میباشند و برای مثال در مورد ازدواج شان رضایت شان شرط صحت آن است زیرا رسول خدا می فرماید : بدون اطلاع از تصمیم زن بیوه و بدون رضایت دختر ، آنان رابه نکاح کسی در نیاورند . زنان دارای مسولیت‌های مالی جدا از مسولیت‌های مالی دیگر اعضای خانواده هستند هر چیزی را که بخواهد می تواند به مالکیت خود در آورد و هر گونه خواست در داری خود دخل و تصرف بنماید و در این مورد اموالی را که از طریق ارث ، بخشش ، کار و غیره بدست آورده فرقی باهم ندارند . خداوند متعال در این باره می فرماید : لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرًا نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿سوره نساء آیه ۷﴾

برای مردان از آنچه پدر ، مادر و خویشاوندان آنان برجای گذاشته اند سهمی وجود دارد و برای زنان نیز از آنچه پدر ، مادر و خویشاوندان آنان برجای گذاشته اند سهمی خواهد بود خواه آن مال کم باشد یا زیاد و سهم هر کس واجب و معین شده است .

لازم به یادآوری است که براساس ماده ۲۱۷ قانون مدنی فرانسه حقوق مالی زن در حقوق و اختیارات شوهرش ذوب میشود و بدون موافقت شوهر ، زن حق هیچ گونه دخل و تصرفی رادراموال خویش ندارد .

۴- منزلت مردوزن یکسان است :

زیرا زن نیز هم چون مرد ، انسان به شمار میرود و خداوند همه انسانها را گرامی و محترم شمرده است و می فرماید : وَوَضَعْنَا الْإِنْسَانَ يَوْمَ الْبَدِيهِ حَمَلَتُهُ أُمَّهُ وَهَنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَضَلَهُ فِي عَامَتَيْنِ أَنْ أَشْكُرِي وَأَيُّ الْبَصِيرَةِ ﴿سوره لقمان آیه ۱۴﴾
ترجمه : براستی ما فرزندان آدم را گرامی داشته ایم زنان در مقابل مادر فرزند همسر ، و خواهر هم چون مردان دارای اکرام و احترام میباشند خداوند متعال درین باره می فرماید : به انسان سفارش کرده ایم که با پدر و مادرش به نیکی رفتار کند مادرش همراه با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل سختی او را به دنیا آورد و باردار شدن مادر و از شیر گرفته شدن اوسی ماه طول کشیده است .
در مورد مسولیت اکرام و احترام مادران سه درجه برپدران برتری دارند زیرا امام بخاری و مسلم از ابوهریره روایت می نمایند که مردی به حضور رسول خدا رسید و گفت چی کسی بیشتر بر من حق دارد که با او به خوبی رفتار نمایم ؟ رسول خدا فرمود مادرت گفت پس

از او گفت مادرت باز گفت پس از او گفت مادرت و در مرتبه سوم فرمود پدرت . خداوند راجع به ضرورت رعایت اکرام و احترام زنان در مقام همسری می فرماید : وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ ﴿سوره روم آیه ۲۱﴾ ترجمه و برخی از نشانه های دانش و حکمت خداوند این است که از نوع خود همسرانی را برایتان آفرید تا در کنار آنها آرامش پیدا کنید و در میان شما دوستی ، مهربانی و دلسوزی را قرار داد در این راه برای کسانی که می اندیشند نشانه ای است .

حقوق شوهر

مردی که به همه مسوولیت های اخلاقی و مادی خود در ارتباط با خانواده مانند : تامین هزینه و مخارج خوراک ، لباس و مسکن عمل می نماید ، دارای حقوقی ششگانه است که عبارتند از :

۱ اطاعت مشروع

مرد سرپرست و صاحب خانه است و مسوولیت اداره و رهبری حکیمانه خانواده را برعهده دارد . در جهت حفظ عزت ، کرامت ، سعادت خانواده و تحقیق اهداف آن برنامه ریزی و تلاش می نماید و کانون آن را در مقابل سختیها ، گرفتاریها ، فساد و تباهی مورد حمایت قرار می دهد و وسایه امنیت ، آرامش و استقرار را بر آن گسترش میبخشد . اما این مصالح و اهداف در هیچ جامعه ای بجز در پرتو اطاعت ، التزام و نظم تحقق نمی یابد . فرمانبرداری زن از شوهر و فرزندان از پدر و مادر است که زمینه سرو سامان یافتن جامعه کوچک خانواده و همچنین اداره صحیح آن را فراهم می نماید و چنین اطاعتی موجب رضایت و خشنودی خداوند میگردد .

همچنین رسول خدا "ص" می فرماید :

(رضایت پدر نزدیک ترین راه به سوی بهشت است)

و فرموده است

(بهشت زیر پای مادران قرار دارد)

هرگاه پدر فوت کند یا به دلایلی مفقود الاثر شود ، پسر بزرگ خانواده باید بار مسوولیت اداره خانواده را بردوش بگیرد : زیرا رسول خدا "ص" می فرماید :

(برادر بزرگتر منزلتت مانند پدر است)

اولین حقوق همسری ، فرمانبرداری مشروع زن از شوهر است : زیرا رسول خدا "ص" فرموده اند :

(از هیچ مخلوقی نباید به گونه ای اطاعت کرد که موجب نارضایتی خالق بشود)

همچنین فرموده است :

(هیچکس را نباید در کاری که خداوند به آن خشنود نیست فرمانبرداری کرد . اطاعت تنها در امور خیر و رواست)

اساس این فرمانبرداری و اطاعت مشروع به قیومیتی برمی گردد که خداوند آن را برای پدر خانواده در نظر گرفته است که در واقع به معنی ریاست ، اداره و رهبری است ، زیرا خداوند متعال فرموده اند : وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّيْلِ جَالِعِينَ دَرَجَةً وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿سوره بقره آیه ۲۲۸﴾

ترجمه : برای همسران (حقوق و مسوولیت های) است (که باید شوهران اداء کنند) همانگونه که بر آنان (حقوق و واجباتی) است (که همسران باید اداء کنند) به گونه ای شایسته و مردان را بر زنان (در مسوولیت های خانواده گی) برتریهایی است . و خداوند با عزت و حکمت است)

همچنین فرموده است : الرَّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالضَّلِحْتُ قَبِيحٌ حُفِظَتْ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّيْلِ تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا ﴿سوره نساء آیه ۳۴﴾

ترجمه : مردان (در برابر زنان دارای مسوولیت های بسیاری میباشند) و حق سرپرستی را بر آنها دارند بدین خاطر که خداوند (به خاطر نظم اجتماع مردان را در برخی صفات بر زنان برتری بخشیده) و بدین علت که مردان از دارایی خویش خرج و هزینه را تامین میکنند)

خداوند در آیه اول مسوولیت و منزلت بیشتری را که همان مسوولیت اداره و سرپرستی خانواده است مقرر نموده و در آیه دوم حق (قیومیت) یا ریاست حکیمانه را برای او در نظر گرفته است . اما ریاستی همراه با احساس مسوولیت و به دور از استبداد و حق کشی و بی عدالتی و خودخواهی . و این دو حق همراه با مسوولیت از آن جهت است که اگر مرد یکی از آن دور از دست داد ، از حقوق دومی

برخوردار باشد . برای مثال اگر مرد به دلایلی توانایی تامین هزینه خانواده را نداشت از حق سرپرستی و اداره حکیمانه ، همچنان برخوردار خواهد بود . این حقوق به دو علت و سبب خاص برمی گردد:

اول توانایی جسمی : خداوند مرد را قویتر و بااراده تر از زنان آفریده است و از طرف دیگر مهارت و تجارب آنها در مورد امرزنده گی برآنان برتری دارد و زنان معمولاً از نظر جسمی ضعیف و از نظر تصمیم گیری و اراده غالباً دچار تردید و دودلی می شوند و جنبه عاطفی شان بر آنها غلبه دارد . و این مدعا مدعایی غیرواقعی موضوعی تجربه شده و ملموس است .

تردیدی در این نیست که صدور فرمان مطلوب به عقلانیت ، دوراندیشی ، حکمت و بررسی همه جانبه تری احتیاج دارد . و درای عرصه عقلانیت بر مسائل عاطفی برتری دارد ، به ویژه اگر در کنار عقلانیت توشه های بسیاری از تجربه و خبرگی وجود داشته باشد . اما خانمها با توجه به آفرینش ویژه جسمی و عاطفی شان و عشق به فرزندان ، غالباً برای حل مشکلات خانوادگی به راه حل های جزئی و موقتی متوسل میشوند و به همین خاطر مصلحت زن ، مرد و خانواده ایجاب می نماید که بار مسئولیت تصمیم گیری های مهم و تحمل عواقب آن بردوش مرد گذاشته شود .

در واقع (قیومیت) اساساً نوعی مسئولیت و تکلیف است ، نه ریاست و فضیلت ویژه و در ذات خود کرامت و منزلتی به شمار نمی رود . زیرا رسول خدا "ص" می فرماید :

(همه شما مسئول هستید و در مقابل مردم مسئولیت دارید . رهبر نسبت به مردم مسئولیت دارد مرد خانواده نیز در برابر اعضای آن دارای مسئولیت است و زن در خانواده مسئولیت نگهداری از حرمت و ثروت آن را بردوش دارد .)

همچنان که ملاحظه میکنید در این حدیث منزلت مرد خانواده پس از منزلت رهبری حکومت قرار گرفته و از طرف دیگر پس از مرد ، زن نیز در مورد امور خانواده دارای مسوولیت میباشد و باید نسبت به سروسامان دادن ، مرتب نمودن ، تربیت ، تهیه مایحتاج ، محافظت و حفظ سلامت آن ، احساس مسئولیت بنماید .

دوم : مسئولیت مادی : مسئولیت های مختلف مادی مانند : پرداخت مهریه و هزینه های ازدواج و تامین نفقه اعم از تهیه خورا ک ، لباس ، مسکن و .. بر عهده مرد قرار دارد و عملاً مرد خدمتگزار خانواده میباشد و بر اساس همین خدمتکاری است که استحقاق ریاست همراه با حکمت و مشورت را پیدا نموده است .

به همین خاطر هرگاه مرد همه امکانات زنده گی را در حد توان و امکان برای همسرش فراهم نماید ، برای اداره صحیح امور خانواده و پاتوجه به اینکه مرد با علم و آگاهی از دخل ، درآمد و تجارب اقتصادی و اجتماعی بهتری میتواند پس از مشورت با اعضای خانواده ، مصالح آنها را مراعات کند ، زن نیز باید از او فرمانبرداری کند . اما اگر مرد به مسئولیت های قوامت و سرپرستی خود عمل نکند ، نباید انتظار داشته باشد که همسرش مطیع و گوش به فرمان او باشد . اما اگر بدون عذر و دلیل از شوهرش اطاعت ننماید ، زنی سرکش و ناشزه به شمار می آید و حقوق او نسبت به شوهر ساقط میشود .

سنت است که مرد در امور زندگی با همسر خویش مشورت نماید و در این مورد رسول خدا "ص" را سرمشق خویش قرار دهد . او مدام با اصحاب و همسران خود مشورت می فرمود زیرا خداوند متعال به او دستور داده بود که **﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ﴾** (سوره آل عمران آیه ۱۵۹) ﴿

ترجمه : در امور با آنان مشورت کن .

و در مورد صفات اهل ایمان خداوند فرموده است : **﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾** (سوره شوری آیه ۳۸) ﴿

ترجمه : آنها امورشان را با مشورت حل و فصل می نمایند .

سنت رسول خدا "ص" به صراحت به زنان دستوری دهد که در راستای انتظام امور خانواده ، تحقق مصالح ، جلوگیری از مفاسد ، تامین خیر و دفع شر و زیان از همسرانشان اطاعت نمایند . رسول خدا "ص" می فرماید :

هرگاه خانمی نمازهای روزانه اش را بخواند و ماه رمضان را روزه بگیرد و ناموس خویش را حفظ نماید و از شوهرش اطاعت کند ، قطعاً به بهشت می رود .

و در حدیث دیگری می فرماید :

هرگاه مرگ به سراغ زنی بیاید و شوهرش از او راضی بوده باشد ، وارد بهشت میشود

معمولاً زنان عاقل ، اندیشمند ، با شرافت و با کرامت که عقل ، حکمت و فرهنگشان بر نادانی ، سطحی نگری و ناآگاهیهای برتری دارد ، در امور مشروع و صحیح و بخاطر حفظ نظم و اداره خانواده و مصلحت آن از شوهران خود اطاعت می نمایند و فرزندان خود را به خوبی

تربیت می کنند و به رضایت خداوند و جنت او نائل می گردند .

زنی که بدون عذر و دلیل از شوهرش اطاعت نمی نماید خود را در معرض خشم و نفرین خداوند قرار می دهد . رسول خدا "ص" می فرماید :

هرگاه مردی زن خود را به بسترش فرا بخواند (وزن بدون معذوریت) او را اطاعت ننماید و مرد از او خشمگین شود ، تاصبح که میشود ملائک او را نفرین میکنند .

۲- منزل محوری

معمولاً مردان نسبت به همسران خود اهل غیرت اند و به هیچ وجه راضی نیستند که دیگران با چشم طمع به آنان نگاه کنند و از همه توان خود برای حمایت او در مقابل بدکاران و بدخواهان بهره میگیرند و از طرف دیگر مسئولیتهای فراوان اداره منزل و از همه مهم تر تربیت و نگهداری فرزندان و اداره اموال منزل و پرداختن به نظافت و پخت و پز و .. ایجاب می نماید که زنان بجز در موارد لازم و ضروری منزل را ترک ننمایند .

شاید این سخن به مزاح عده ای ناآگاه که کورکورانه از فرهنگ غیر اسلامی پیروی می نمایند ، خوش نیاید و آن را توهین به زنان و زیرپانهادن کرامت و آزادی زنان به شمار بیاورند . باید به اینگونه آدمها گفت که : در مورد آزادی و کرامت انسانها در اشتباه بزرگی قرار دارید ، زیرا حفظ کرامت و حریت انسان در آزادی اندیشه ، اخلاق و فرهنگ از اسارت بردگی و تقلید بیگانگان است و پرکردن مجالس و محافل از سخنان پوچ و بیبوده در واقع زمینه ساز فساد و تباهی اند و حضور زنان در مجالس غیر علمی و رفت و آمدهای غیر ضروری ، زیان آلود است که منزلت و حریتشان زیر پا نهاده میشود و در معرض طمع و تهدید بدخواهان قرار می گیرد از طرف دیگر همچنان که گفته شد کارها و مسئولیتهای منزل به اندازه ای زیاد است که گاهی زنان در شبانه روز ، مشکل از عهده آن برمی آیند .

خداوند متعال خطاب به زنان می فرماید : وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَكَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ﴿۳۳﴾

ترجمه : (ای خانمها) در خانه های خود بمانید (و جز برای کارهای ضروری از آن خارج نشوید) و همچون جاهلیت پیشین (در میان مردان) ظاهر نگردید بر پیا دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمان بر داری خدا و رسول او کنید. جز این نیست که می خواهد خدا تا دور کند از شما پلیدی را ای اهل بیت تا پاک کند شمارا پاک کردنی

این آیه هر چند خطاب به همسران رسول خدا نازل گردیده ، اما زنان مسلمان دیگر در هر عصر و زمانی باید راه و رسم آنها را در پیش گیرند و الگوی خویش قرار دهند و همچنین لازم است زنان به مسئولیت خود عمل کنند و بدون اطلاع مرد و بدون ضرورت از منزل خارج نشوید . هر چند شوهر حق ندارد از سرکشی هفته ای یک بار او به پدر و مادر و عیادت آنان جلوگیری نماید . اما به خاطر حفظ صفا و صمیمیت و جلوگیری از بی سروسامانی منزل ، زن باید با اجازه و اطلاع شوهر از منزل خارج شود . البته چنانچه مرد مانع از سرکشی زن به پدر و مادرش بشود ، به خاطر آنکه قطع صلح و محبت خویشاوندی است حرام میباشد وزن را به نافرمانی شوهر و اداری نماید . مواردی مانند : کمک به مداوای پدر و مادر ، عیادت از آنها ، بردن آنها پیش پزشک و مانند در کنار آنها در بیمارستان - چنانچه بغیر از او کس دیگری نباشد یا نتواند آن کارها را انجام بدهد - جزو ضروریات به شمار میرود در این موارد بهتر است از شوهر اجازه بخواهد و چنانچه شوهر اجازه ندهد ، زن میتواند این فرمان همسرش را نادیده بگیرد و به خدمت پدر و مادر بشتابد .

همچنین زنان میتوانند بدون اجازه شوهر برای ادای فریضه حج به مکه بروند به شرط آنکه در رفت و برگشت محرمی همراه آنها باشد . روزه گرفتن ماه رمضان نیاز به اجازه شوهر ندارد ، اما برای روزه مستحب از شوهر باید اجازه گرفت ، زیرا رسول خدا "ص" فرموده اند : روزه گرفتن زنی که همسرش حضور دارد بدون اجازه او جایز نیست .

بسیاری از زنان که برای کار ضروری از منزل خارج میشوند ، برای حفظ کرامت و حیثیت خویش و جلوگیری از فساد و فتنه ، حجاب و متانت کافی را مراعات می نمایند . اما متأسفانه تعدادی از زنان و دختران هم بدون توجه به عواقب ایمانی ، اجتماعی ، خانوادگی و شخصی آن با سرویدن نیمه عریان وارد کوچه ، بازار ، معاشر و اماکن عمومی میشوند . (و متوجه نیستند که خود نمایی و بی حجابی نوعی بیماری است و معمولاً آدمهایی که از هیچ هنردانیشی برای جلب توجه دیگران بهره مند نیستند ، از طریق نمایاندن سر ، سینه و بدن خود میخواهند توجه دیگران را به خود جلب کنند و بسیاری بر این باورند که انسانها در آغاز زنده گی خود از نظر آگاهی ، اندیشه ، اخلاق و فرهنگ در حالتی خام و ابتدایی به سر برده است و هر چه آگاهی ، اندیشه ، فرهنگ او بیشتر رشد نموده به همان اندازه بیشتر به پوشانیدن جسم خویش توجه کرده است . و تنها در چهل - پنجاه سال قبل محافل و شهوت پرست در راستای رسیدن به اهداف سیاسی ، اقتصادی و حیوانی خود ، پدیده بی حجابی را از طریق برخی روزنامه ، مجلات ، نوار ویدئو ، تلویزیون و ترویج نموده و متأسفانه

بسیاری ازدختران و زنان میمون صفت و کم مایه ، از فرهنگ کهنه و ارتجاعی عریان نمودن بدن تقلید کرده اند .

۳- محافظت از ثروت و حیثیت

لازم است زنان از حرمت منزل خانوادگی محافظت کنند و در غیاب همسراز ثروت و ناموس او پاسداری نمایند و بجز با اجازه شوهر کسی رابه منزل راه ندهند زیرا رسول خدا "ص" می فرماید : (زنان نگهبان خانه شوهرشان هستند و در مقابل محافظت از آن دارای مسئولیت هستند .)

زنان امانت دار اموال خانواده گی هستند و بدون اطلاع شوهر نباید در آن دخل تصرف بنمایند و زنان پاک ، پرهیزگار و صالحه زانی هستند که هرگاه مردنشان آنها را می بینند شادمان میشوند و هرگاه به آنها دستوری بدهند ، اطاعت میکنند و چون به مسافرت بروند از ثروت و حرمت خانوادگی محافظت می نمایند.

در روز حجه الوداع بود که رسول خدا ضمن وصیت و سفارش به همه مسلمانان فرمودند: (شما برزانتان حقوق دارید و همچنین آنها نیز بر شما دارای حقوق هستند ، حقی که شما بر آنان دارد ، این است به آنهایی که شما از ایشان بدتان می آید اجازه ورود به منزلتان راندهند و با آنان معاشرت نداشته باشند ، و حق آنها بر شما این است که به بهترین شیوه با آنها معاشرت کنید و لباس و غذای آنها رافراهم نمایید .

رعایت و محافظت از ثروت خانوادگی در این است که بدون اطلاع و رضایت شوهر چیزی رابه دیگران ندهند زیرا ترمذی نقل می نماید که : رسول خدا "ص" فرموده است (زن نباید بدون اجازه شوهرش چیزی از اموال او رابه دیگران بیخشد .) در خدمت رسول خدا "ص" گفته شد : حتی اجازه ندارد مواد غذایی رابه دیگران بدهد؟ فرمود : بهترین دارایی انسان مواد غذایی است .

۴- کار در منزل

زن از نظر دینی و اخلاقی - نه به عنوان حکم شرعی و قانونی - لازم است کارهای مربوط به منزل مانند : تهیه غذا ، نظافت منزل ، مرتب نمودن وسایل ، شستشوی لباسها و .. انجام بدهد . اما اگر توانایی لازم رانداشت و شوهر می توانست خادمی رابرای انجام دادن کارهای منزل استخدام نماید - چنانچه نگران تربیت فرزندان و فتنه و فساد نباشد - چنین کاری را انجام بدهد . اما بهتر آن است که حتی الامکان خانم خانواده خود مسئولتهای مربوط به منزل را انجام بدهد . زیرا وجود زن خدمتگارد در منزل گاهی بر روی تربیت فرزندان اثر نامطلوب رادری دارد و گاهی هم ممکن است زمینه گناه و خلوت و فتنه رابرای شوهر او فراهم نماید .

دلیل این درخواست از زنان برای پرداختن به امور منزل آن است که رسول خدا "ص" کار و مسئولیتهای خانوادگی رامیان حضرت علی و حضرت فاطمه "س" تقسیم فرمود زیرا آنها در این مورد مشکلاتی داشتند و در نتیجه کارهای داخل منزل رابه حضرت فاطمه و کارهای خارج از منزل رابه حضرت علی واگذار فرمودند.

اما از نظر حکمی و قضاوت شرعی زن مکلف به انجام دادن کارهای منزل نیست . این قدامه مقدسی می گوید : (امام احمد بر این باور است که زن مجبور نیست کارهایی مانند آشپزی و پخت نان و امثال آن را انجام بدهد .)

۵- آرایش و آراستگی

آرایش و آراستگی همسران برای یکدیگر مطلوب است و شوهر حق دارد از زنش بخواهد که پوشش و لباس مورد علاقه او را برتن کند وزن نیز حق دارد چنین انتظاری را از شوهرش داشته باشد زیرا توجه به علاقه و خواست متقابل ، محبت و تفاهم بیشتری رادر کانون خانواده به وجود می آورد و از توجه زن و شوهر به مردان و زنان دیگر پیشگیری می نماید . در حدیثی که امام مسلم و بخاری و امام احمد از جابر روایت نموده اند ، آمده است که : جابر گفته است : در یکی از غزوه ها مادر حضور رسول خدا "ص" بودیم و پس از بازگشت در نزدیکیهای مدینه رسول خدا "ص" فرمود: پیش از رفتن به منزل موهایتان راشانه کنید و آنرا روغن بزیند و موهای زائد بدن را بردارید .

همچنان که گفته شد ، مرد نیز باید به خواست و علاقه همسرش حداقل در محیط خانه خود را بیاراند و لباس و آراستگی مورد نظر او را مراعات کند ، ابن عباس می فرماید : همچنان که همسر من خود را برای من آرایش میکند من نیز برای او همین کار را میکنم زیرا خداوند سرچشمه زیباییهاست و زیبایی رادوست می دارد.

۶- سکونت در خانه شوهر

شوهر وظیفه دارد که مسکن مناسبی را برای همسرش فراهم نماید و وضع مسکن با وضع مالی شوهر باید متناسب باشد و لازم نیست خود را در تنگنا قرار دهد زن مجبور نیست که با اقربا و خویشاوندان شوهرش در یک خانه زنده گی کند .

اگر شوهر مسکن مناسبی را برای همسر تهیه ننماید مثلاً مسکنی را فراهم نموده باشد که بخاطر دوری از خانه های دیگر آرامش خاطر لازم رانداشته باشد ، یا خانه امکانات آب ، برق ، فاضلاب و را دار نباشد یا همسایه نااهلی داشته باشد شوهر وظیفه دارد که منزل دیگری را برای زندگی خانوادگی فراهم نماید و همچنان که گفته شد : مرد در حد توان مالی خود موظف به این کار است زیرا خداوند متعال می فرماید: ﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكُنْتُمْ﴾ (سوره طلاق آیه ۶)

ترجمه : آنها را در جایی مسکن دهید که خودتان در آنجا زندگی میکنید.

زن نیز لازم است در حد امکان و توان با شرایط زندگی شوهر خود را تطبیق دهد و توانایی مالی و اقتصادی او را مورد توجه قرار دهد و توقع و انتظار بیش از حد را از او نداشته باشد .

چنانچه شوهر مسکن مناسبی را برای زندگی با همسرش فراهم نماید ، اما زن حاضر به زندگی در آن نشود.

شوهر میتواند پس از کار ساز نبودن اندرز و نصیحت خود و نزدیکان به محکمه و دادگاه مراجعه نماید . اما به هر صورت اسلام با اجبار و اکراه موافق نیست و در صورت امتناع زن از زنده گی در خانه ای مناسب که شوهر برای او تهیه نموده ، حق نفقه او در مدتی که از سکونت در آن خانه امتناع می نماید ، ساقط میشود وضعیت او به صورت معلق در میآید ، یعنی نه طلاق داده شده است و نه ، وضعیت زن شوهر دار است.

۷- یکی از ضروری ترین نیازهای زندگی خانوادگی ، پرستاری و مراقبت زن از شوهر بیمار خویش است . در وضعیت بیماری ، حودت و ... است که شوهر بیش از هر زمانی به محبت و مراقبت همسرش نیاز پیدای نماید زیرا زن نزدیکترین انسان به اوست و به اسرار و پنهانی شوهرش آگاهی بیشتری دارد و بهتر از هر کسی میتواند غذا و داروی مناسب را برای شوهرش فراهم نماید و از او مراقبت کند و این مسولیت را میتوان از سنت رسول خدا «ص» فهمید . از عایشه "رض" روایت است که رسول خدا "ص" در حالت بیماری سوال می فرمود که : فردا را من باید در خانه کدامیک از شما باشم ؟ و همه همسران ایشان اجازه فرمودند که در خانه حضرت عایشه قرار داشته باشد زیرا حضرت عایشه بیشتر از هر کسی از او مراقبت مینمود رسول خدا "ص" تا زمان رحلت همچنان در خانه وی (حضرت عایشه) باقی ماند .

جایگاه زن از دیدگاه قرآن و حدیث

۱- قرآن:

خداوند متعال در آیه سیزدهم سوره حجرات می فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. (حجرات، آیه 13)

ترجمه: ای مردم! بی شک ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی ترین شما نزد الله پرهیزگار ترین شماست، بی گمان الله دانای آگاه است.

در این آیت معیار برتری انسان به انسان دیگر فقط تقوی است و بس، نه جنیست، نه قوم، نه نژاد، نه زبان و نه رنگ. هیچ چیزی انسان را از انسان دیگر برتر نمی سازد چه زن باشد چه مرد باشد مگر تقوی و پرهیزگاری.

ادعا هایی که در کتب مذهبی دیگر وجود دارد که گفته شده زن از مایه پست تر از مایه مرد آفریده شده و یا اینکه به زن جنبه طفیلی داده اند، قرآن کاملاً این ادعا ها را رد میکند و می فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ (آیه ۱ سوره النساء). ای مردم از پروردگار تان بترسید، آن کسی که شما را از یک نفس آفرید. در این آیه گرچه نامی از زن برده نشده اما فرموده الناس. ناس در عربی به معنی مردم است که شامل مرد و زن میشود. قرآن وقتی در جزیره العرب آمد که زنان قدر و منزلت خود را از دست داده بودند، زنده در گور میشدند، از آنان به عنوان برده استفاده میشد و از میراث محروم بودند. قرآن آمد حیثیت و هویت از دست رفته ایشان را به آنها باز گردانید.

از محتوای آیات قرآن کریم چنین برمی آید که زن و مرد نزد خداوند دارای مقام و منزلت یکسان است. از جانب دیگر اگر در جایگاه زن در قرآن بیشتر تعمق کنیم، در می یابیم که بیش از ۴۰۰ بار کلمه زن در قرآن به نیکی ذکر است و نام بسیاری از زنان در قرآن به صراحت وجود دارد. یکی از زنانی که از وی نام برده شده مریم بنت عمران است و همچنان داستان مادر و خواهر موسی و همسر فرعون که زنان مومن و پاک طینت بودند.

احادیث:

عن ابی هریره قال قال رسول الله استوصوا بالنساء خيراً متفق علیه ترجمه: از ابوهریره (رضی الله) روایت است که رسول گرامی اسلام فرمودند: خواهان رفتار نیک با زنان شوید. تمام احادیثی که از پیامبر بزرگوار اسلام نقل است یکسره گذشت و سهل انگاری و رفتار نیک با زنان را توصیه و سفارش میکند زیرا زن در جامعه اسلامی مادر است، خواهر است، دختر و همسر است، پس شخصیت او عزیز و گرامی است. در صدر اسلام زنان دوشادوش مردان در تمام کارهای نیک شریک بودند. ام ورقه دختر عبدالله بن حارث انصاری یکی از زنان با فضیلتی بودند و در جنگ بدر خدمت پیامبر عرض کرد: اجازه دهید برای مداوای مجروحان در جنگ شرکت کنیم شاید خداوند شهادت را نصیبم گرداند. پیامبر فرمود تو در خانه بمان تو شهیده ای. او قرآن را جمع آوری میکرد. برکه دختر ثعلبه از اولین زنانی بود که هجرت نمود، این بانوی بزرگوار در جنگهای حنین، احد و خیبر حضور داشت و سپاهیان اسلام را آب میداد. ام حبیب از زنان مجاهد عصر پیامبر بود که مصاحبت آن حضرت را درک کرد و در واقعه ی یرموک حضور داشت و مردان را به نبرد تشویق می کرد. هنگامی که رومیان حمله آوردند و عمرو بن عاص و یارانش را متفرق ساخته پیش روی می کردند جمعی از زنان بادر دست داشتن عمودهای آهنین از بلندی ها پائین آمدند و بر دشمن حمله کردند. سمیه اولین زن شهید در اسلام او و همسرش به جرم اسلام آوردن آنقدر تازیانه خوردند که شهید شدند. در مورد مقام و منزلت و حقوق زن احادیث متعدد از رسول الله روایت شده است که هر کدام مبین جایگاه والای زن در دین اسلام است.

حقوق مالی زن:

حقوق مالی عبارت از آن نوع حقوق است که قابلیت تقویم با تقدیر و سنجش به پول را داشته باشد.

اول حق مهر:

مهر یکی از عمده ترین حقوق زن می باشد که بعد از ازدواج بالای شوهر لازم میگردد و مهر عبارت از مالی است که زوجه به دلیل ازدواج با زوجه، مکلف به پرداخت آن به زوجه می باشد.

دلایل حق مهر از آیات و احادیث

آیت: خداوند متعال در آیه ۴ سوره نساء می فرماید: **وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِنْهُنَّ فَاكُولَهُ هِنِئًا مَّرِيئًا.** ترجمه: و مهریه زنان را به عنوان هدیه و فریضه الهی با طیب خاطر به آنان بدهید.

یکی از سنن بسیار کهن و دیرینه در روابط خانوادگی بشری این است که مرد هنگام ازدواج برای زن مهر قایل می شده است، چیزی از مال خود را به زن می پرداخته است و به علاوه در تمام مدت ازدواج عهده دار مخارج زن و فرزندان خویش بوده است. این مرحله همان است که اسلام آنرا پذیرفته و زناشویی را بر این اساس بنیان نهاده است. در قرآن کریم آیات زیادی هست در باره اینکه مهر زن به خود زن تعلق دارد نه به دیگری مرد باید در تمام مدت زناشویی عهده دار تامین مخارج زندگی زن شود و در عین حال در آمدی که زن تحصیل می کند و نتیجه کار او به خودش تعلق دارد نه به دیگری پدر یا شوهر. اما متأسفانه یکی از رسوم و عنعنات زشتی که در کشور مان افغانستان در بعضی مناطق البته وجود دارد این است که مهر را مربوط پدرزن میدانند و زن را هیچ حقی قایل نیستند، این همان چیزی است که اسلام آنرا رسوم جاهلیت خوانده که در آن وقت زن مانند یک برده به خانه شوهر می رفت و شوهر او را استثمار می کرد. قرآن کاملاً این پدیده شوم را رد میکند و آنرا در تضاد با اصول اساسی اسلام میدانند. در عصر جاهلیت نظر به اینکه برای زنان ارزشی قائل نبودند، غالباً مهر را که حق مسلم زن بوده در اختیار اولیای آنها قرار میدادند و آن را ملک مسلم آنها می دانستند.

گاهی نیز مهر یک زن را ازدواج زن دیگری قرار میدادند، به این گونه که مثلاً برادری خواهر خود را به ازدواج دیگری در می آورد که او هم در مقابل خواهر خود را به ازدواج وی در آورد و مهر این دو زن همین بود که البته امروز در کشور رمان در بعضی مناطق همین رسم زشت وجود دارد. اسلام بر این رسوم ظالمانه خط بطلان کشیده و مهر را به عنوان یک حق مسلم به زن اختصاص داده است، رسول معظم می فرماید: لا شغار فی الاسلام. در دین اسلام شغار که همی نوع نکاح است که از آن به نام سربدلی یاد میکند جایگاهی ندارد و در آیات قرآن کراراً مردان را به رعایت کامل این توصیه کرده است. در اسلام برای مهر مقدار معینی تعیین نشده و وابسته

به توافق دو همسر است، اگر چه در روایات فراوانی تاکید شده که مهر را سنگین قرار ندهند، ولی این یک حکم الزامی نیست، بلکه مستحب است. پس نتیجه چنین بدست می آید: مهر جنبه جبران خسارت و پشتوانه ای برای احترام به حقوق زن دارد نه قیمت و بها که در آیت قرآن تعبیر به نحله به معنی عطیه شده است اشاره به همین مطلب است.

احادیث: عن سهل بن سعد، ان النبی قال لرجل تزوج و لو نجاتم من حدید. رواه البخاری.

از سهل روایت است که پیامبر (ص) برای شخصی گفت مهر را بپردازد اگر چه یک انگشتر آهنی هم باشد. طبرانی در کتاب وسیط نقل میکند که: هر مردی که با زنی ازدواج نماید و مهریه ای کم یا زیاد برای او معین کند و قصد پرداخت آن را نداشته باشد به عنوان زنا کار نزد خداوند مورد محاسبه قرار میگیرد. پیامبر بزرگوار اسلام با هیچ یک از زوجات گرامی شان بدون مهر نکاح نکرده است. پرداخت مهر توسط رسول الله برای همه زوجات گرامی شان به معنی به رسمیت شناختن این حق در سنت رسول الله می باشد بخاطری که سنت تنها حاوی اقوال نبی کریم نیست بل افعال جناب شان نیز احتوا می کند. بنابر این رعایت مواردی که در عمل توسط رسول الله (ص) رعایت شده، برای امت مسلمه چون اقوال شان الزامی می باشد. یکی از این موارد پرداخت مهریه توسط رسول الله برای زوجات گرامی شان می باشد.

دوم حق نفقه:

هر فامیل برای امرار حیات ضرورت به نفقه دارد، نفقه طبق دستور شریعت اسلامی بدوش مرد می باشد. این امر مکرراً در شریعت اسلامی ذکر گردیده است. نفقه عبارت از یکی از حقوق مالی زوجه بالای زوج می باشد که شامل غذا، مسکن و تداوی مناسب مطابق با توان مالی زوج است.

دلایلی از قرآن: خداوند متعال میفرماید (أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ) (طلاق، آیه ۶).

ترجمه: زنان را در جای مسکن دهید که خود ساکن هستید و در توان دارید.

این آیه هرچند موضوع وجوب تامین نفقه زنی را که در حال عده طلاق قرار دارد بیان می نماید، اما به طریق اولی شامل زنانی هم میشود که طلاق داده نشده و در حال عده به سر نمی برند.

از طرف دیگر خداوند دستور میدهد که زنان مسلمان باید اعدال و میانه روی را در خرج و هزینه رعایت کنند و از مصرف بیجا خود داری نمایند. خداوند متعال می فرماید:

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا. (اسراء، آیه ۲۹).

ترجمه: دست خویش را بر گردنت بسته مدار و از کمک به دیگران خودداری مکن و بخیل مباش و بیش از حد هم گشاده دست مباش که سبب شود از کار بمانی و مورد ملامت این و آن قرار بگیری و غمناک بگردی.

رعایت اعتدال در خرج و هزینه بر مرد هم واجب است زیرا در حدیثی آمده است: خرج کردن آرام و مناسب نشانه آگاهی و درایت مرد است.

پس خلاصه اینکه در شش مورد نفقه زن بر شوهرش لازم است.

۱- آرد و گندم: که مقدار و نوع آن با توجه به میزان درآمد مرد و شرایط اقتصادی جامعه و سرزمین و منطقه فرق میکند.

اینکه مواد غذایی را در اختیار قرار دهد یا وجه نقد و بهای آنرا به او بدهد بستگی به خواست و مصلحت زن دارد.

۲- مواد غذایی: مانند نخود، لوبیا، روغن، برنج، گوشت و غیره مواد سوختی مانند چوب، نفت، وسایل پخت و پز مانند اجاق گاز و ... وسایل گرم کننده مانند بخاری و آب برای آشامیدن که تمام اینها بدوش مرد می باشد.

۳- خدمتکار: در کتاب جواهر الثمنیه آمده است که پخت و پز و شست و شو و دیگر کار های منزل بر همسر واجب نیست. به یژه زنی که توانائی کار های منزل را ندارد شوهر نباید او را مجبور نماید یا زن را مجبور نماید که خادمی را برای کار منزل استخدام نماید و خود زن حقوقش را بپردازد.

۴- لباس: همچنان که فقهای مالکیه می گویند: بر مرد واجب است لباس و پوشش متناسب با شخصیت زن و عرف محل را که بدن او را بپوشاند و از گرمای تابستان و سرمای زمستان مصئون بدارد تهیه کند.

۵- وسایل بهداشت: بر مرد لازم است به اندازه کافی برای استحمام، شستشوی لباس و ظروف ... صابون و مواد شوینده را در اختیار همسرش قرار دهد. از همه مهم تر این است که به هنگام بیماری زن، شوهر او را باید به پزشک ببرد و هزینه دارو و درمان او را بپردازد و مراقبت لازم را از او به عمل آورد.

۶- مسکن: فقهای اسلام رای شان بر این است که شوهر در حد توانائی باید محل سکونتی را به صورت خرید، ساخت و یا اجاره برای همسرش فراهم سازد.

۲. احادیث: عن ابی مسعود الانصاری عن النبی (ص) قال ادا انفق المسلم نفقه علی اهله و هو یحتسبها کانت له صدقه. رواه البخاری. **ترجمه:** از ابو مسعود انصاری روایت است که رسول معظم اسلام فرمودند: وقتی که شخص مسلمان نفقه همسرش را می پردازد به هدف ثواب آن نفقه برایش صدقه حساب می شود.

همچنان رسول گرامی اسلام می فرماید: اتقوا الله فی النساء ... و لهن علیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف.

ترجمه: ای مردم درباره حق زنان از خداوند متعال بترسید و از ایشان بر شما روزی و لباس مناسب به وجه پسندیده لازم است. در احادیث بسیاری از سنت رسول خدا (ص) به وجوب تامین ما یحتاج ضروری زنان اشاره شده است. از جمله ابوداود از معاویه قشیری نقل نموده که گفته است: به خدمت رسول خدا رسیدم و پرسیدم رای تو در مورد همسران ما چیست؟ فرمود: از همان غذائی که می خورید به آنها بدهید و از همان پارچه ای که لباس خود را تهیه می کنید، لباس آنها را هم تهیه نمائید، آنان را مورد ضرب و شتم قرار ندهید و با کردار و رفتار زشت و ناپسند با آنها رفتار ننمائید.

امام بخاری و امام مسلم از عایشه (رض) روایت نموده اند که: هند همسر ابوسفیان به حضور رسول خدا رسید و گفت: یا رسول الله: ابوسفیان آدم ممسکی است و مخارج کافی من و بچه ام را نمی پردازد و من مجبور می شوم گاهی مخفیانه چیزی را دور از چشم او بردارم. رسول خدا فرمود: به میزان احتیاج خود و فرزندت بردار.

همچنین اما مسلم نقل می نماید که: رسول خدا در حجه الوداع فرمود: تهیه مخارج زندگی و لباس زنان بر عهده شماست. در اسلام سه نوع نفقه وجود دارد: نوع اول: نفقه ای که مالک باید صرف مملوک خود بکند. مخارجی که مالک حیوانان برای آنها می کند، ازین قبیل است: ملاک این نوع نفقه مالکیت و مملوکیت است.

نوع دوم: نفقه ای است که انسان باید صرف خود در حالی که صغیر و یا فقیرند و یا صرف پدر و مادر خود که فقیرند بنمایند. ملاک این نوع نفقه مالکیت و مملوکیت نیست، بلکه حقوقی است که طبیعتاً فرزندان بر به وجود آورندگان خود پیدا می کنند و حقوقی است که پدر و مادر به حکم شرکت در ایجاد فرزند و به حکم زحماتی که در دوره کودکی فرزند خود متحمل شده اند بر فرزند پیدا می کنند. شرط این نوع از نفقه ناتوان بودن شخص واجب النفقه است.

نوع سوم: نفقه ای است که مرد در مورد زن صرف میکند. ملاک این نوع از نفقه نه مالکیت و مملوکیت است و نه حق طبیعی به مفهومی که در نوع دوم گفته شد و نه عاجز بودن و ناتوان بودن و فقیر بودن زن. زن فرضاً میلیونر و دارای در آمد سرشار می باشد و مرد ثروت و در آمد کمی داشته باشد باز هم مرد باید بودجه خانوادگی و از آنجمله بودجه شخصی زن را تامین کند. فرق دیگری که این نوع از نفقه با نوع اول و دوم دارد این است که در نوع اول و دوم اگر شخص از زیر بار وظیفه شانه خالی کند و نفقه ندهد گناهکار است اما تخلف وظیفه به صورت یک دین قابل مطالبه و استیفاء در نمی آید یعنی جنبه حقوقی ندارد. ولی در نوع سوم اگر از زیر بار وظیفه شانه خالی کند، زن حق دارد به صورت یک امر حقوقی اقامه دعوا کند و در صورت اثبات از مرد بگیرد. سوم حق ارث:

زن مانند مرد دارای حق ارث از اقارب متوفی خود می باشد ولی مقدار حق و ارث زن نسبت به حق ارث مرد کمتر می باشد که این هم از خود دلیل و منطقی دارد که بعداً بیان خواهد شد.

حق ارث زن عبارت از بخش مال موروثه اقارب متوفی زن میباشد که بعد از فوت متوفی باقی مانده و زن مطابق به احکام شریعت مستحق آن پنداشته می شود. در مال موروثه امکان دارد که اشخاص متعدد مستحق باشند که یکی از این اشخاص عبارت از زن میباشد.

مبنی حق ارث زن:

الف- آیت: خداوند متعال می فرماید (وَلَهُنَّ الرُّبُوعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ یَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِیَّتِهِ تَوْصُونَ بِهَا أَوْ كَلَّیْهِ) (نساء آیه ۱۲).

ترجمه: و همسران شما یک چهارم دارائی شما را می گیرند به عنوان میراث اگر فرزندی از آنان یا زنان دیگر نداشته باشید و اگر شما دارای فرزند بودید سهمیه همسرانتان یک هشتم است پس از انجام وصیتی که کرده اید یا پرداخت بدهکاریتان به آنها داده میشود.

نکته ها:

۱- ارث یک حق طبیعی است:

باید بسیاری تصور کنند بهتر آن است به هنگام فوت کسی، اموال او جزء اموال عمومی گردد و در اختیار بیت المال قرار گیرد تا صرف تلاش های اقتصادی جامعه گردد، ولی با دقت روشن میشود این کار کاملاً دور از عدالت است، زیرا وراثت ک امر کاملاً طبیعی و منطقی است، چرا که پدر و مادر قسمتی از صفات جسمی و روحی خود را طبق قانون وراثت طبیعی به نسل های بعد منتقل می کنند، چرا اموال آنها از این قانون مستثنی باشد و به نسل های آینده منتقل نشود؟ بر علاوه، اموال مشروع هر کس نتیجه زحمات، کوشش ها و تلاش های اوست و در حقیقت نیروهای متراکم شده او را نشان می دهد، و به همین جهت ما هر کس را مالک طبیعی دسترنج خود می شناسیم، این یک حکم فطری است. بنا بر این به هنگام که دست انسان از اموالش کوتاه می گردد عادلانه ترین راه این است که این اموال به کسانی تعلق گیرد که نزدیکترین افراد به اوست و در واقع هستی آن اشخاص ادامه هستی آن شخص محسوب می شود. روی همین جهت بسیاری از مردم با این سرمایه کافی برای زندگی خود تا پایان عمر دارند دست از تلاش و کوشش برای کار و تولید بیشتر، بر نمی دارند و هدفشان تامین آینده فرزندان شان است. یعنی قانون ارث می تواند تحرک و جنبش بیشتری به خرچ های اقتصادی یک کشور بدهد و اگر اموال بعد از مرگ به کلی از بریده شود و جزء اموال عمومی گردد ممکن است قسمت مهمی از فعالیت های اقتصادی خاموش شود.

۲- تحول تدریجی ارث:

این شیوه نیز مثل سایر سنن اجتماع انسانی از دستبرد دست تکامل و تغییر و تبدیل زمان سالم نمانده منتهی دست یافتن به تحول منظم آن در طول تاریخ مدت های متوحش بطوریکه اطمینان بخش باشد بدان سبب که در یک وضع منظمی نبوده اند و دشوار می باشد. آنچه مسلم است آن است که زنان و ناتوانان را از ارث محروم مینموده اند و ارث فقط به زورمندان شان اختصاص داشته سببش هم آن است که با زنان و ضعفا معامله بردگان و بچه ها و حیوانات یا جنس مخالف و متاع (که فقط این خاصیت را دارند که انسان از آنها استفاده کند نه اینکه از انسان، و نمی تواند از مال خود یا حقوق اجتماعی مخصوص نوع انسان بهره مند شوند) میکردند.

با وجود این معنا و مصداق زورمند و قوی نیز اختلاف تدریجی یافته، گاهی مصداق آن رئیس قبیله بوده و گاهی رئیس خانه و خانواده این سمت را داشته و گاهی دلاور قبیله و جنگاور آن از این موهبت استفاده مینمودند. این تغییر باعث شده که حقیقت ارث هم طبعاً دگرگون شود.

این شیوه های معمول چون دارای خواسته فطری انسانی یعنی سعادت، نبودند، تغییر و تبدیل زور در آنها راه یافته حتی ملتهای متمدنی چون روم و یونان که قوانین و سنن ملی بر آنان حکم فرما بوده نیز این تغییر و تبدیلیها پیدا شده است و هیچ قانونی از قوانین ارث که در بین ملتها رواج داشته تا امروز مثل قانون ارث اسلام که نزدیک به چهارده قرن از اول ظهورش تا به امروز میگذرد و در بین مسلمانان حکم فرما است- دوام و عمر نکرده است.

ب: احادیث:

حدیثی از رسول گرامی اسلام نقل شده: که گفته است شش صفت را برای من تعهد کنید تا بهشت را برای شما تعهد کنم. هنگام تقسیم ارث به یگدیگر ستم نکنید، با مردم به انصاف رفتار کنید و هنگام جنگ با دشمن ترسان نباشید و در غنایم خیانت نکنید و ظالم را از مظلوم دفع کنید. درین حدیث یکی از صفاتی که پیامد در قبال آن تعهد جنت را می کند عبارت از تقسیم ارث است که بر علاوه مرد، زن هم میراث میگیرد و باید که در زمان تقسیم میراث حق ارث زن نیز در نظر گرفته و کسی که زن را از میراث محروم میکند از تعهد پیامبر مبنی بر تعهد جنت بی فیض خواهد ماند.

سعد بین ابی وقاص می فرماید: هنگامی که مریض بودم رسول خدا (ص) برای عیادت من آمد و من گفتم یا رسول الله تو حالت را مشاهده می کنی که بد است و من مال دارم از من کسی ورثه نیست غیر یک دختر، آیا تمام مال را به عنوان صدقه در راه الله

وصیت کنیم؟ رسول خدا فرمود نه گفتم اگر نصف مالم را؟ گفت نه. گفتم ثلث مالم را؟ فرمود بلی ولی ثلث هم زیاد است. اینکه بعد از تو وارثین از مالت استفاده کننده بهتر از این است. تو مال ات را صدقه کنی و وارثین نزد مردم به عنوان کمک دست دراز کنند. در دور جاهلیت قبل از اسلام زنان از میراث محروم بودند و علت آن این بود که جلوگیری از انتقال ثروت خانواده ای به خانواده دیگر بوده است. طبق عقاید قدیمی مادر در تولید فرزند ضعیف است، مادران فقط ظرفی هستند که در آن ظرفها نطفه مردان پرورش می یابد و فرزند به وجود می آید. محرومیت زن از ارث علل دیگر نیز داشته است، از آن جمله ضعف قدرت سربازی زن آنجا که ارزشها بر اساس قهرمانیها و پهلوانیها بود و یک مرد جنگی را به از صد هزار آدم ناتوان می دانستند، زن را به خاطر عدم توانایی بر انجام عملیات دفاعی و سربازی از ارث محروم میکردند. اما آیات قرآن آمد این عقاید مزخرف و این باور نادرست کاملاً از بین برد و برای زنان هم میراث تعیین کرد اما اینکه چرا میراث مرد نسبت به میراث زن بیشتر است؟ جواب با کمی دقت کردن روی این مسئله دیده میشود که از یک نظر ارث زنان دو برابر مردان می باشد و این به خاطر حمایتی است که اسلام از حقوق زن کرده است. بطور مثال اسلام وظایفی را به عهده مردان گذارده است که با توجه به آن، نیمی از درآمد مردان عملاً خرج زنان میشود در حالی که به عهده زنان چیزی گذاشته نشده است. مرد باید هزینه زندگی همسر خود را طبق نیازمندی او از مسکن، خوراک، پوشاک، و سایر لوازم بپردازد و هزینه زندگی فرزندان خرد سال نیز به عهده اوست در حالی که زنان از هرگونه پرداخت هزینه ای حتی برای خودشان معاف هستند. بنابر این یک زن میتواند تمام سهم ارث خود را پس انداز کند در حالی که مرد ناچار است آن را برای خود و همسر و فرزندان خرج کند و نتیجه آن عملاً چنین می شود که نیمی از درآمد مرد برای زن خرج میشود و نیمی برای خودش، در حالی که سهم زن همچنان به حال خود باقی است.

برای توضیح بیشتر به این مثال توجه کنید: فرضاً مجموع ثروت های یک مرد سی لک افغانی باشد که از طریق ارث تدریجاً در میان دختر و پسرش تقسیم شود که طبق حق شان ۲۰ لک افغانی برای پسر و ده لک افغانی برای دختر میرسد. طبق معمول زنان ازدواج می کنند و هزینه زندگی آنها به دوش مردان خواهد بود و حق خود را پس انداز کنند عملاً در سهم مردان شریک خواهند بود زیرا در مورد آنها و فرزندان شان مصرف میشود. بنا بر این در واقع نیمی از سهم مردان که ۱۰ لک میشود صرف زنان خواهد شد و با اضافه کردن این مبلغ همراهی پولی که ذخیره کرده بودند سهم شان دو برابر سهم مردان خواهد شد.

چهارم حق دیه زن:

جامعه بشری عاری از جرم نبوده، نیست و نخواهد بود. گاهی جرایم فقط در بین یک جنس محدود نشده بلکه در بعضی موارد امکان دارد که یک زن توسط یک مرد به قتل برسد یا برعکس. البته مطابق به فقه احناف دیه زن و مرد برابر بوده مرد در مقابل زن و زن هم در مقابل مرد قصاص میشود ولی مطابق به جعفری اثنا عشریه دیه مرد و زن برابر نبوده بل دیه مرد دوچند دیه زن میباشد و به همین دلیل هم زن در مقابل مرد قصاص نمی شود. هر دو دیدگاه فقهی از خود دلایل دارد که خارج موضوع مورد بحث بوده از آن صرف نظر میشود.

حق دیه یا خون بها عبارت از مالی میباشد که در عوض حق قصاص اولیای زن از طرف بر آنها پرداخته میشود.

مبنای حق دیه زن:

الف: آیت، خداوند متعال در اول سوره نساء مهربانی می فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ** ترجمه: ای مردم بترسید از ذاتی که شما را از یک نفس واحد آفرید.

از این آیت و آیات دیگر قرآن مساوی بودن حقوق زن و مرد در بعض مسایل موجود است که از آن جمله فقهای اسلام میگویند که حق دیه زن و مرد مساوی است.

ب: حدیث: عن ابی مالک ان النبی قتل یهودیا بجاریة قتلها. رواه البخاری

ترجمه: از انس بن مالک روایت است که فرمود رسول معظم اسلام یهودی را که دختری به قتل رسانیده بود قصاص کرد. در مورد مقدار دیه زن حدیثی از علی و ابوبکر نقل شده که پیامبر فرمود دیه زن مثل دیه مرد است و در این حدیث پیامبر به طور مطلق فرموده است دیه نفس مومن صد شتر است البته تفاوت بین دیه زن و مرد قایل نشده است.

پنجم حق زن در تصرف اموال:

در این بخش در مورد استقلال مالی زن بحث صورت خواهد گرفت.

حق زن در تصرف اموال عبارت از آن نوع حق زن میباشد که زن مستقلاً بر اموال خود تصرف نموده و هیچ کس مانع استفاده آن نگردد.

مبنای حق زن در تصرف اموال:

الف: آیت: در دین مبین الام زنان مانند مردان دارای حق تصرف در اموال می باشد و می توانند از استقلال اقتصادی برخوردار بوده و دارای اموال مستقل و کاملاً جدا از اموال شوهر باشند مانند مردان خرید و فروش نموده و تجارت نمایند که خدیجه همسر پیامبر یکی از زنان تجارت پیشه مشهور در تاریخ اسلام می باشد و امروز هم زنان فعال در عرصه اقتصادی در جهان اسلام می باشد. خداوند متعال می فرماید (لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ) (نساء ۸).

ترجمه: مردان را از آنچه کسب می کنند و نیز زنان را از آنچه بدست می آورند بهره است. مفاد آیه فوق چنین خواهد بود که هر یک از زن و مرد آنچه را که بدست می آورند خواه اختیاری باشد مانند کسب در آمد یا غیر اختیاری مانند ارث، به خودشان اختصاص دارد و حق استفاده و بهره برداری را به طور مستقل خواهند داشت.

ششم حق کار زن:

کار و تلاش هم برای زن و هم برای مرد مطلوب و سازنده است. برخی از جامعه شناسان گفته اند که: هرگاه می خواهی کسی را نیست و نابود و بد بخت نمائی او را همراه با بی کاری رها کن.

از طرف دیگر خداوند متعال انسان بیکار و بی اراده را دوست نمی دارد، زیرا خداوند این می خواهد که بندگان از طریق کار و تلاش وجود و شخصیت خود را اثبات نمایند سستی و بیکاری و کنار نهادن مسئولیت های زندگی را برای آنها نمی پسندد.

مقتضی عدالت اسلامی این است که کارها و مسئولیتهای روز مره زندگی بر اساس فطرت، طبیعت و توانائی خاص هر یک میان آنها تقسیم شود. در همین رابطه است که کارهای خارج از منزل را به مردان و کارهای داخل خانه را به زنان سپرده است و این را از عمل کرد و سنت رسول خدا در مورد حضرت علی و حضرت فاطمه الزهرا میت توان فهمید. عرصه کار و تلاش در محیط خانه و منزل برای زنان عرصه گسترده و متنوعی است و همه امور مربوط به تهیه غذا، نظافت، شستشو، خیاطی، مرتب نمودن خانه و را شامل میشود. همچنین مسایل مربوط به دانش و آموزش قرآن و احداث رسول خدا و آشنائی با احکام شریعت، فقه، اخلاق و غیره را در بر میگیرد.

با این همه از نظر شریعت اسلام کار کردن زن در محیط خارج از محیط خانه حق مشروع آنها است و آنان می توانند کارهای مانند کشاورزی، تجارت، و کارهای صنعتی و اشتغال در ادارات حکومتی به ویژه در عرصه آموزش و پرورش، بیمارستا و درمانگاه های ویژه خانم ها با مراعات شروط و موازین زیر انجام بدهند.

۱- حفظ پوشش اسلامی:

زنانی که به هر دلیل لازم است در خارج از منزل کار کنند باید حتی الامکان در محیطی باشند که ناچار نشوند با مردان بیگانه و نا محرم در اطاق و محل خلوت کار کنند و در حضور مردان بیگانه به جز دست و صورت چیز دیگری از بدن آنها نمایان نباشد زیرا حفظ حجاب از کرامت و حرمت و شخصیت آنان محافظت می نماید و از بازیچه قرار گرفتن آنها توسط آدمهای هوس باز و هرزه جلوگیری می نماید و از کانون خانواده و ادامه زندگی سالم و طبیعی پاسداری می کند.

۲- اجازه ولی یا شوهر:

زمانی دختران و خانمهای می توانند در خارج از منزل به کار مشغول شوند که اولیا و سرپرستان آنها مانند پدر، پدرکلان، یا شوهر این کار را به خیر و مصلحت آنها تشخیص دهند و محیط کار را مایه گرفتاری و پدید آمدن مشکلاتی برای او تشخیص ندهند.

خداوند متعال درین باره می فرماید: الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ (نساء ۳۴)

مردان بر زنان حق سرپرستی و در یک جامعه کوچک خانواده حق مدیریت و مسئولیت مشورت را دارند.

۳- ضرورت کار کردن:

اصل و قاعده در شریعت اسلام این است که زنان در مقابل هزینه و مخارج زندگی خود و خانواده در مقام مادر، همسر، دختر یا خواهر بودن مسئولیتی بر دوش ندارند، بلکه ولی یا شوهر آنها مسئول تامین نیازهای زندگی شان می باشند، اما هرگاه بخاطر فوت پدر یا شوهر یا ناکافی بودن نفقه ای که به او می دهند، یا به خاطر نداشتن شوهر، فرزند و غیره به سرگرمی و مشغولیتی نیازمند بوده می تواند در خارج از منزل به کاری مشروع و مباح با حفظ موازین اخلاقی و ایمانی بپردازد. زیرا ضرورتها ناپذیرفتنی ها را پذیرفتنی می نماید و نیازمندی عمومی یا فردی به منزله ضرورت است و هر ضرورتی د حد خود مورد سنجش قرار میگیرد و همین ضرورت است که سبب عدول از اصل بودن زنان در کانون خانواده و منزل می شود زیرا خداوند متعال فرموده اند: و قرن فی بیوتکن (احزاب ۳۳) یعنی در خانه های خویش مستقر شوید.

مواردی مانند رفتن به دنبال تحصیل، تجارت، شهادت در دادگاه، مراجعه به پزشک و امثال آن را می توان جزو ضرورتهای خارج شدن زنان از منزل شمرد، اما لازمه دین بودن و کار کردن در خارج از منزل این است که نباید مرد و زن بیگانه و نا محرم در یک اتاق به کار اداری مشغول باشند.

لازم به یاد آوری است که جایز نیست زنان و دختران در خانه ای به تنهایی زندگی کنند، زیرا احتمال دچار شدن به هرگونه مشکل و ناهنجاری و ترس و اضطراب برای آنها وجود دارد.

۴- کار مشروع:

هم چنان که گفته شد: از نظر شرعی پرداختن زنان به کار های تجارتي، کشاورزی، اداری و آموزشی هیچ مانعی ندارد و در هر یک از آن اعمال آنچه بر خانم ها واجب است مراعات اصول و موازین شرعی در آن کار ها و حفظ اصول و ارزشهای اخلاقی و پاسداری از حرمت و کرامت خود و خانواده است.

۵- کار متناسب: لازم است کار خارج از منزل خانم ها با سرشت و طبیعت زن بودن آنها متناسب باشد، برای مثال کار های مانند بنائی، آهنگری، کار در معادن، رانندگی، ماشین های سنگین، جارو کردن کوچه و خیابان، حمالی، مهندسی، صنایع سنگین، مهندسی، کشاورزی و غیره برای آنان مناسب نیست، زیرا این گونه کار ها به توانائی جسمی و شرایط ویژه مردان نیازمند است. مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان میگوید: اگر مرد و یا زن از راه عمل چیزی بدست می آورد خاص خود اوست و خدای تعالی نمی خواهد به بندگان خود ستم کند از اینجا روشن می شود که مراد از اکتساب در آیه نوعی حیادت و اختصاص دادن به خویش است اعم از این که این اختصاص دادن به وسیله عمل اختیاری باشد نظیر اکتساب از راه صنعت و یا حرفه یا عمل غیر اختیاری باشد لیکن بالاخره منتهی می شود به صفتی که داشتن آن صفت باعث این اختصاص شده باشد و معلوم است که هر کس هر چیزی را کسب کند از آن بهره ای خواهد داشت و هر کسی هر بهره دارد بخاطر اکتسابی است که کرده است.

احادیث: اشتغال زنان در عصر پیامبر به شکل گسترده به چشم می خورد و در تمامی شغل های رایج آن زمان زنان حضور داشتند. زنان در این دوره به مشاغلی از قبیل پزشکی، تجارت و صنایع دستی اشتغال داشتند که بارزترین مثال آن حضرت خدیجه بود که یکی از ثروتمندان مکه بود که بعداً دارایی اش را در راه ترویج اسلام به مصرف رسانید.

چنانچه از پیامبر روایت شده که فرموده لا یحل مال امرء مسلم الا بطیب نفسه. حلال نیست استفاده مال هیچ شخصی مگر به رضا و اجازه آن شخص بدین معنی است که تصرف در مال شخص مسلمان بدون رضایت او جایز نیست و نیز عمومات متعدد دیگری که در آیات و روایات به یں مضمون وارد شده است.

حقوق غیر مالی:

حقوق غیر مالی عبارت از صلاحیت و امتیازی است کچه هدف از آن رفع نیازمندی های عاطفی و اخلاقی انسان بوده، ارزش داد و ستد را نداشته و قابلیت تقویم به پول و مبادله به مال را ندارد.

اول حق تعلیم و تحصیل زن

گفته اگر علم در دورترین نقطه جهان باشد باید آنرا آموخت، علم است که تنها راه نجات انسان از جهل فقر بی دینی و ... است. آموختن علم تنها برای مردان نیست بلکه زنان هم علم را کسب نمایند.

حق تعلیم و تحصیل زن یکی از اساسی ترین حقوق بشری زن میباشد که در تمام منابع شرعی تسجیل گردیده است.

مبنی حق تعلیم و تحصیل:

الف: آیت: آیات متعددی در قرآن وجود دارد که به تشویق کسب علم اشاره می کند که در آن آیات تفاوت بین زن و مرد قابل نشده است. از آن جمله خداوند متعال می فرماید: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَكْفُرُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (زمر ۹).

ترجمه: آیا کسانی که علم دارند با کسانی که علم ندارند برابر هستند؟ نخیر برابر نیستند. و نیز می فرماید: تَمَّا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ~ ترجمه: از میان بندگان خداوند فقط دانشوران از او خوف و وحشت دارند. نخستین آیاتی که بر پیامبر نازل شده حاوی کلماتی در بزرگداشت علم و گرامی داشت آن به عنوان یکی از بزرگترین و نخستین نعمت های الهی بر انسان بود. (اَقْرَأْ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ). ترجمه: بخوان و پروردگار تو بس گرامی است همان که انسان را آموزش داد و به انسان چیزی را که نمی دانست آموخت.

قابل تذکر است که تحصیل علم خاص برای مردان نبوده بلکه زن و مرد هر دو یکسان دارای حق تعلیم و تحصیل اند و واجب است تا زن و مرد هر دو به طلب علم بپردازند.

ب: حدیث: رسول اکرم (ص) فرموده طلب العلم فریضه علی کل مسلم. فراگیری علم بالای هر مرد وزن مسلمان فرض است. همچنان رسول اکرم فرموده است: من التمس طریقاً یلتمس فیہ عملها سهل الله له طریق الی الجنة:

ترجمه: کسی که آرزو میکند طریق را که علم است خداوند متعال آسان میسازد برای او راه جنت را هم چنان پیامبر اکرم در مورد تحصیل کنیزان تاکید ویژه ای داشته است می فرماید: هر مرد مسلمانی که کنیزی در اختیار داشته باشد و او را بخوبی آموزش دهد و ادب نماید سپس آزادش نماید و به او ازدواج کند از دو اجر و پاداش بر خوردار خواهد بود. شواهد تاریخی و روایی بسیاری در دست است که نشان میدهد زنان عرب از آغاز دوران تمدن اسلامی از فضای خوب برای فراگیری علوم برخوردار بوده اند. لذا در رشته های مختلف همانند علوم قرآن، حدیث، فقه و بسیاری دیگر از معارف و دانش ها درخشیدند و حتی بسیاری از شخصیت های مرد و زن نزد پیامبر آموزش دیده اند. اما ظلم بسیار بزرگ است که ما زنان را از تعلیم و تحصیل باز بدریم و از این نعمت الهی آنها را بی بهره نمائیم و ربط دهیم آن را به مظاهر فساد و بی بند و باری یعنی بگوئیم تعلیم و تحصیل زنان باعث فساد در جامعه میشود اما نه تحصیل علم چیزی است و فساد چیز دیگر. اگر تحصیل علم سبب فساد در جامعه گردد باید مردان هم از کسب محروم شوند چونکه محیط یکسان بالای مرد و زن تاثیر می بخشد.

در عوض اینکه ما فضای تحصیل علم درست بسازیم شاگردان را از تحصیل باز می داریم. این راه علاج نیست ما به حیث امت وسط مسئولیت داریم تا محیط و اجتماع خود را سلام و صالح بگردانیم نه اینکه مانع تحصیل علم گردیم و بالاخره ما چرا بین دختر و پسر خود فرق می آوریم، به یکی حق تعلیم و تحصیل میدهیم و دیگری را مانع می شویم.

اگر تاریخ صحابه دیده شود که این خدیجه همان زنی است که قبل از همه مردان رسالت پیامبر را تصدیق میکنند، ام عامر است که در مطلع اسلام به شهادت میرسید و این زنان بودند همراهِ پیامبر بیعت کردند، مهاجرت نمودند و در معرکه ها سهم گرفتند، هیچ کس در آن وقت مانع نمی شد.

جای تعجب است برخی ادعا می کنند که تعلیم برای زن حرام است و دلیل آنها روی فساد محیط اتکاء می کند و یا عدم حاجت زن را به علم وانمود میکنند که این خود از آثار جاهلیت قرن بیستم است که جایگزین افکار اسلامی گردیده است. چرا زنان تحصیل نکنند؟ آیا زنان به طبیب ضرورت ندارند؟ آیا زنان به معلمه ضرورت حس نمی کنند؟ آیا رضایت میدهند تا معالجات نساء برای مرد باشد؟ همه میدانند مجموعه از زنان در روایت حدیث از رسول خدا شهرت به سزایی دارند، ام المومنین عایشه مقام استادی را بر صحابه کرام داشتند. زینب دختر عبدالرحمن در علوم فقه و حدیث بحیث دانشمندی از کبار صحابه حدیث روایت میکردند. رسول معظم اسلام زنان را به تحصیل علم تشویق نمودند چنانچه میفرماید: بهترین زنان، زنان انصار اند که حتی حیا آنها را از فقاقت در دین مانع نگردیده است. بالاخره زنان مسلمان چنین نبودند که در بین چهار دیواری خانه محصور می بودند و در مجتمع اسلامی زن مسلمان همکار و بازوی توانائی مرد و شریک زندگی آنها شناخته میشدند.

شواهد تاریخی این را هم ثابت می سازد چنانچه ابن خطاکا نقل کرده است که سیده بانوی صاحب نام و مقام در مصر بود و جلسه ورسی و علمی با شکوهی داشت که امام شافعی نیز در مجلس او شرکت می جست و از او حدیث می آموخت، ابوحیان نیز از میان اساتید خود به نام دو زن اشاره کرده مونسه ایوبه برادرزاده صلاح الدین ایوبی پس در طور تاریخ زنان مسلمان پیشتازان رشته های مختلف علوم اعم از قرآن، حدیث، فقه، ادبیات و بسیاری دیگر از معارف و فنون بوده اند.

دوم حق کرامت انسانی زن:

انسان دارای کرامت و عزت است، عزت و کرامت انسان باید حفظ شود. کرامت انسانی عبارت است از اینکه انسان فی نفسه عزیز و شریف و ارجمند است، انسان منحصراً انسان بودنش کریم و عزیز است نه معیارهای چون زن و مرد، رنگ، نژاد، زبان، جغرافیا، طبقات اجتماعی و غیره.

مبنی حق کرامت انسانی زن:

خداوند متعال میفرماید: و لقد کرمتنا بنی آدم (اسراء ۷۰). ترجمه: به تحقیق ما کرامت دادیم بنی آدم را. از آنجا که یکی از طرق تربیت و هدایت همان دادن شخصیت به افراد است، قرآن مجید به دنبال بیان شخصیت والای نوع بشر، و مواهب الهی نسبت به او می پردازد تا با توجه به این ارزش فوق العاده به آسانی گوهر خود را نیالاید و خویش را به بهای ناچیزی نفروشد. در زندگی خانوادگی زن و مرد شخصیت یکدیگر را کامل می نماید و هر چیزی که کرامت و شخصیت یکی از آنها را حفظ نماید یا آن را خدشه دار بکند بر روی دیگر تاثیر مستقیم دارد. از آنجا که مرد نسبت به زن معمولاً از توانائی جسمی و ارادی بیشتر برخوردار است، لازم است از حرمت و کرامت زن و شریک زندگی خویش پاسداری کند و با هر چیزی ممکن است موجب زیان و آزار به منزلت خانواده بشود مقابله نماید. غیرت نسبت به همسر خود پدیده فطری و طبیعی است. روزی سعد بن عباده از رسول الله پرسید: اگر مردی را همراه با همسرم ببینم اجازه دارم با نوک شمشیر شکم او را پاره نمایم؟ رسول خدا خطاب به اطرافیان فرمود، ممکن است از غیرت سعد در شگفت شده باشید اما من به احترامی که خداوند برای حرمت آنها قایل شده است از او بیشتر حساسیت دارم زیرا خداوند اعمال زشت پنهان و آشکار را حرام گردانیده است. مرد موظف است به زن خود احترام بگذارد و از هرگونه گفتار و کرداری که موجب ناراحتی او میشود پرهیز نماید. زیرا زنان هم انسانهای با حرمت و کرامت اند و نباید همچون برده خدمتگاران با آنها برخورد شود این آدمهای نا اهل و نا آگاه اند که با زنان با بی حرمتی و توهین و استهزاء برخورد می کنند. خداوند متعال می فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات آیه ۳).

ترجمه: ای مردم! بی شک ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی شما نزد الله پرهیزگارترین شماست، بی گمان الله دانای آگاه است. امروز دیگران انگشت انتقاد را مبنی بر عدم رعایت کرامت زن در اسلام به طرف اسلام نشانه گرفته و نسبت به دین مبین اسلام شبهات را روا میدارند که یکی از جمله شبهاتی که در زمینه حقوق زن و مرد مطرح می کنند این است که اسلام حقوق زن و مرد را به طور مساوی مطرح نکرده است، اسلام در چهارده قرن قبل زنجیره اسارت را از دست و پای زن گسست. اسلام برای زن حق مالکیت قایل شده و زن میتواند مالک اشیای منقول و غیر منقول باشد. حق خرید و فروش و واگذاری اموال خود را دارد و میتواند به آن گونه ای که بخواهد وصیت نماید. اسلام همه حقوق مدنی و سیاسی را که به مردان داده به زن نیز بخشیده است، زن حق کار شرافتمندانه دارد، حق انتخاب دارد، زن نیز مانند مرد آزادی های دارد، البته آزادی انسان در درون حدود و مقررات الهی و چوکات شریعت میباشد چونکه مالک همه چیز خداوند است.

ب: حدیث: حدیثی از رسول اله (ص) روایت شده است که همه در نزد خداوند مانند دانه های شانه برابر اند و هیچ عربی بر عجمی، سیاه پوست بر سفید پوست یا سفید پوست بر سیاه پوست برتری ندارد. معیار برتری نزد خداوند تقوی است و آدم نیز از خاک آفریده شده است. این حدیث مکرراً بر کرامت انسانها اشاره نموده و معیار کرامت آن را فقط یک چیز که عبارت از تقوی باشد قرارداد است. در آیات قرآن کریم در مورد کرامت انسانی خداوند متعال فرموده بنی آدم که هر دو طبقه را شامل میشود هم زن و هم مرد را هیچ موردی تفاوت در میان زن و مرد در قرآن وجود ندارد.

در سوره اعراف از آیات ۱۹ تا ۲۷ چندین مرتبه آدم و حوا مورد خطاب قرار گرفته و هر دو از خدای خویش بخشش خواسته اند و خداوند نیز هر دو را مغفرت نموده است.

در آیات متعدد قرآن وقتی نیکی کردن به پدر و مادر ذکر میشود خداوند متعال نیکی کردن به هر دو را لازم گردانیده است.

در آیه ۳۵ سوره احزاب فرایض اخلاقی و روحانی زن و مرد یکسان است، هر دو به ایمان آوردن، ادا کردن نماز، گرفتن روزه و دادن زکات ملکف اند. بلکه اسلام برای زنها بعضی مراعاتی هم در نظر گرفته چنانچه در ایام عادت ماهوار (حیض) نمازش معاف است و روزه را هم بعداً قضایی می گیرد. هم چنان در ایام ولادت نیز نمازش معاف است که قضای آن برایش لازم نیست. با در نظر داشت مطالب فوق چنین حقایق واضح و روشن می شود که اسلام مراعاتی را برای زنان قایل شده که از بسیاری آنان مردان محروم اند.

در شریعت اسلام حدی بنام قذف موجود است که هدف آن حفاظت از عزت و کرامت انسان است از تهمت های ناروا با وجودیکه قذف میتواند در حق مرد و زن جاری گردد اما آنچه که واقعیت های جامعه بیان میکند حاکی از جاری شدن بیشتر این جرم بر زنان

سوم حق ازدواج:

ازدواج عقدی است که معاشرت بین زن و مرد را به مقصد تشکیل خانواده مشروع گردانیده و حقوق واجبات طرفین را به وجود می آورد.

مبنای حق ازدواج:

الف: آیت: خداوند متعال می فرماید: **وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.** (دوم، ۲۱).

ترجمه: کی از نشانه های دلالت کننده بر عظمت و حکمت خداوند این است که از جنس خود تان همسرانی را برایتان آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت قرارداد بدون شک درین امور نشانه ها و دلایلی است برای کسانی که می اندیشند.

توضیح:

قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکون و آرامش قرار داده است. واقعاً وجود همسران برای انسان ها که مایه آرامش زندگی آنهاست، یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می شود. این آرامش از اینجا ناشی می شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شگوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می باشند، بطوری که هریک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او، چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد.

بنیان ازدواج رضایت متقابل زن و مرد است. به هیچ وجه نباید اجبار و اکراهی در کار باشد زیرا تنها در سایه محبت و رضایت طرفین است که پیمان ازدواج و کانون گرم خانواده ادامه پیدا میکند و تلاش برای برپای خانواده ای که براساس عفت و پاکدامنی و حسن معاشرت استوار باشد بدون محبت متقابل و رضایت طرفین ثمر بخش نخواهد بود.

خداوند منزلت ازدواج را بسیار بالا برده و آنرا پیمان و میثاق استوار نامیده است که بر اساس وفاداری پایبندی و روش مطلوب ادامه یابد. شریعت اسلام مردم را به ازدواج ترغیب نموده و آنرا برای تامین حیات اب کرامت و ادامه نسل بشریت لازم شمرده و وسیله حفظ عفت و حرمت و تامین غریزه طبیعی گردانیده و آن را راهی برای کسب سعادت و رسیدن به آرامش و استقرار و ایجاد ارتباط میان افراد خانواده و تقویت پایه های محبت میان مردم بر شمرده است.

ب: حدیث:

روی البخاری عن ابی عبدالرحمن قال النبی (ص) یا معشر الشبات من استطاع منکم الباءة فلیتزوج، و من لم یستطع فعلیه بالصوم فانه له و جاء - متفق علیه

ترجمه: رسول کرامی اسلام می فرماید: ای جوانان! هریک از شما که می تواند مخارج زندگی زناشویی را تامین کند ازدواج نماید زیرا ازدواج سبب سربه زیری و پاکدامنی بیشتر است و هریک از شما که نمی تواند باید روزه بگیرد زیرا روزه باعث مصئونیت است. روزی سه نفر نزد ازواج مطهرات آمدند و از عبادت روستل معظم اسلام جويا شدند، ازواج مطهرات عبادت پیامبر را برایشان توضیح دادند گویا خود را نظر به عبادت پیامبر بسیار پائین فکر کردند گفتند ما کجا و پیامبر کجا در حالی که تمام گناهان پیامبر بخشیده شده است هرکدام شان به کاری تصمیم گرفتند کی از آنها گفت من همیشه تمام شب را نماز می خوانم و هیچ خواب نمی شوم و دوم شان گفت من تمام عمر خود را روزه میگیرم و دیگر گفت من از زنان کناره گیری می کنم و هیچ ازدواج نمی کنم. رسول اکرم آمد از تصمیم شان خبر شد گفت آیا شما این تصمیم را گرفتید؟ گفتند بلی اما من از شما بیشتر به عبادت خداوند علاقه دارم ولی من روزه میگیرم و میخورم و نمای می خوانم و خواب می شوم و ازدواج میکنم این سنت و طریقه من است کس از راه و روش من اعراض میکند از امت نیست.

در این حدیث خود داری به بهانه گوشه گیری برای عبات از جمله رهبانیتی حساب شده که در دین مسیحیت بود که اسلام آنرا رد کرده است.

هدف ازدواج به صحنه زندگی آمدن نسلی پاک و خدمتگزار و جلوگیری از آمیخته شدن نسل و فرزندان، احترام به زنان و جلوگیری از آله دست قرار گرفتن توسط مردان فاسد و هرزه و رویا رویی با بی بند و باری است که نشانه توحش و بی تمدنی و زمینه ساز بسیاری از ناهنجاری ها و مشکلات و عداوتها و شیوع انواع بیماریها و نابودی نسل بشری می گردد.

هم چنان رسول اکرم می فرماید هرگاه بنده مسلمان ازدواج نماید نصف ایمانش را تکمیل کرده است و برای تکمیل نصف دیگرش باید تقوا و خدا ترسی را پیشه خود سازد بنا بر این هم مرد و هم زن از این حق متقابل برخوردار بوده و تا زمانی که مردی با زنی ازدواج نکند ایمانش کامل نیست و برای تکمیل ایمان عقد ازدواج ضروری است.

توضیح:

زن در انتخاب اختیار دارد:

اسلام بزرگترین خدمتها را نسبت به جنس زن انجام داده خدمت اسلام به زن تنها در ناحیه سلب اختیار داری مطلق پدران نبوده بطور کلی به او حریت داد، شخصیت داد، استقلال فکر و نظر داد، حقوق طبیعی او را به رسمیت شناخت. اما گامی که اسلام در طریق حقوق زن برداشت با آنچه دیگران از آنها تقلید میکنند دو تفاوت اساسی دارد:

اول در ناحیه روان شناسی زن و مرد، اسلام در این زمینه اعجاز کرده است.

تفاوت دوم در این است که اسلام در عین آنکه زنان را به حقوق انسانی شان آشنا کرد و به آنها شخصیت و حریت و استقلال داد، هرگز آنها به تمرد و عصیان و طغیان و بد بینی نسبت به جنس مرد وادار نکرد. احترام پدران را نزد دختران و احترام شوهران را نزد زنان از میان نبرد، اساس خانواده ها را متزلزل نکرده زنان را به شوهر داری و مادری و تربیت فرزندان بد بین نکرده برای مردان مجرد و شکارچی اجتماع که دنبال شکار مفت می گردند وسیله درست نکرد، زنان را از آغوش پاک شوهران و دختران را از دامن پر مهر پدران و مادران تحویل صاحبان پست دارایی و پول داران نداد، کاری نکرد که از آن سوی اقیانوس ها ناله به آسمان بلند شود که ای وای کانون مقدس خانواده متلاشی شد، اطمینان پدری از میان رفت، با اینهمه فساد چه کنیم. اسلام آمد به زن عزت و جایگاه بخشید و صاحب اختیار خود قرار داد.

امروز متأسفانه در میان مسلمانان و خصوصاً در کشور ما افغانستان بعضی رواج های غلط و نادرستی وجود دارد که اسلام کاملاً همرا آن مخالف بوده است. همین بیراهه رفتن مسلمانان باعث شده که بسیاری از انواع بدبختی ها در میان جامعه ایجاد شود و از طرف دیگر سبب مخدوش ساختن فرامین اسلام در میان دیگران شود و باعث شود که دیگران انگشت انتقاد خود را بطرف اسلام نشانه رفته و نسبت بدبینی اسلام نزد آنان شود این جفایی است که ما مسلمانان در حق خود و در حق اسلام مرتکب شده ایم.

ما درین بحث خود به دو نمونه ازین رواج های نادرست اشاره می کنیم تا شود مسلمانان راه مستقیم و ناب اسلامی را اختیار کنند تا که سبب نجات شان از این فاجعه ها و بدبختی ها شود.

۱- ازدواج های اجباری

۲- بد دادن دختران

ازدواج های اجباری:

ازدواج اجباری یکی از عمده ترین مشکلاتی است که جامعه ما امروز به آن روبرو است. در بعض موارد به ویژه در اطراف و قریه های کشور بدون اینکه دختر اطلاعی داشته باشد، به ازدواج داده میشود، این در حالی است از نگاه شریعت چنین ازدواج ها کاملاً غیر قانونی است.

زن و مرد هم چون دو ارابه به هر دو طرف کاری برابر و موزون هستند اگر یکی بزرگ و دیگری کوچک باشد این توازن بر هم می خورد و چرخ زندگی از حرکت باز می ایستد. خداوند متعال می فرماید:

اَلَيْسَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِالْحَيْلِ لَكُمْ اَنْ تَرْتُوْا النِّسَاءَ كَرْهًا. (النساء آیه ۱۹).

ترجمه: ای مومنان حلال نیست بر شما اینکه میراث گیرید زنان را به زور و ایشان نخواهند.

مطلب آیه این است که با هیچ زنی به جبر و زور نکاح کردن حایز نیست و در ازدواج رضامندی زن و مرد یکسان ضروری است تا حدی که برای پدر نیز اجازه نیست که دختر خود را به زور برخلاف رضایت وی به شوهر بدهد. در صحیح بخاری در باب ۴۲ حدیث ۶۹ آمده است: کسی دختر خویش را بدون رضایتش به شوهر داد و دختر شکایت خویش را به حضور پیامبر (ص) تقدیم کرد و رسول اکرم (ص) این ازدواج را فسخ کرد. دخترک نگران و هراسان آمد نزد رسول اکرم از پدرش شکایت میکرد رسول اکرم فرمود پدرت با تو چه کرده است، دخترک گفت پدرم برادر زاده ای دارد و بدون آنکه قبلاً نظر مرا بخواهد مرا به عقد او در آورده است، رسول گفت

حالا که این کار شده تو هم مخالفت نکن و زن پسر عمویت باش، دختر گفت یا رسول الله من پسر عمویم را نمی خواهم، رسول اکرم (ص) گفت اگر او را نمی خواهی اختیار با خودت است برو هر کی را که می خواهی انتخاب کن. دخترک گفت نه من از او راضی هستم اما چون پدرم بدون آنکه نظر مرا بخواهد این کار کرده عمداً آدمم با شما سوال و جواب کنم. تا از شما این جمله را بشنوم و به همه زنان اعلام کنم ازین پس پدران حق ندارند سر خود هر تصمیمی که بخواهند شوهر دهند.

در جاهلیت عرب پدران خود را اختیار دارد مطلق دختران و خواهران خود می دانستند و برای آنها در انتخاب شوهر اراده و اختیاری قایل نبودند تصمیم گرفتن حق مطلق پدر یا برادر بود. کار این اختیارداری به آنجا کشیده بود که پدران به خود حق می دادند دخترانی را که هنوز از مادر تولد نشده اند، پیش از پیش به عقد مرد دیگری در آورند که هر وقت متولد شد و بزرگ شد آن مرد حق داشته باشد آن دختر را برای خود ببرد.

در آخرین حجتی که پیامبر انجام داد یک روز در حالی که سوار بود و تازیانه در دست داشت مردی راه آن حضرت را گرفت و گفت: شکایتی دارم گفت بگو، گفت: در سالهای پیش در دوران جاهلیت من و طارق بن مرقد در یکی از جنگها شرکت کرده بودیم، طارق احتیاج به نیزه ای پیدا کرد فریاد بر آورد: کیست که نیزه ای به من برساند و پاداش آن را از من بگیرد؟ من جلو رفتم و گفتم چه پاداش می دهی گفت قول می دهم اولین دختری که پیدا کنم برای تو بزرگ کنم، من قبول کردم و نیزه خود را به او دادم. قضیه گذشت سالها سپری شد اخیراً به فکر افتادم و اطلاع پیدا کردم او دختر دار شده رفتم وقصه را به یاد او آوردم و دین خود را مطالبه کردم اما او می خواهد مهر خود را مجدداً از من بگیرد، اکنون آمده ام پیش تو ببینم آیا حق با من است یا با او. پیامبر گفت دختر در چه سنی است؟ آن مرد گفت بزرگ شده موی سفید هم در سرش پیدا شده، پیامبر گفت اگر از من می پرسی حق نه با توست نه با طارق، برو دنبال کارت و دختر بیچاره را به حال خود بگذار.

آن شخص غرق حیرت شد. مدتی به پیامبر خیره شدو نگاه کرد در اندیشه فرو رفته بود که این چه قسم قضاوتی آیا پدر اختیار دار دختر خود نیست؟ پیامبر (ص) فرمود مطمئن باش به این ترتیب که من گفتم نه تو گنهکار می شوی و نه رفیقت طارق. از اینکه پدر اختیار دار مطلق او نیست و نمی تواند بدون میل و رغبت او، او را به هرکس که دلش بخواهد شوهر بدهد حرفی نیست. چنانچه دیدیم پیامبر اکرم صریحاً در جواب دختری که پدرش بدون اطلاع و نظر او، او را شوهر داده بود فرمود: اگر مایل نیستی می توانی با دیگری ازدواج کنی.

یک مطلب دیگر نیز مسلم و قطعی است که اگر پدران بدون جهت از موافقت با ازدواج دختران خود امتناع کنند، حق آنها ساقط می شود و دختران درین صورت به اتفاق همه فقهای اسلام در انتخاب شوهر آزادی مطلق دارند.

راجع به اینکه آیا موافقت پدر شرط است یا نه، چنانچه که گفتیم میان فقها اختلاف است و شاید اکثریت فقها خصوصاً فقهای متأخر موافقت پدر را شرط نیم دانند ولی عده ای هم آن را شرط می دانند و قانون مدنی ما هم از دسته دوم - که فتوی آنها مطابق احتیاط است پیروی کرده است.

چهارم حق حیات زن:

حق حیات یکی از عمده ترین حقوق طبیعی انسان می باشد و این حق در تمام منابع مورد استناد تسجیل گردیده است. حق حیات همیشه و در تمام ادوار تاریخ به شکلی مورد حمایت جامعه بوده و مرتکب قتل آن به شدید ترین مجازات محکوم گردیده است.

مبنای حق حیات: الف آیت:

همه انسانها به حکم اینکه خداوند به آنها حیات مادی و معنوی داده است حق زندگی دارند. نه خود انسان و نه دیگران حق گرفتن آن را دارد. خدائیکه به انسان حیات داده است به هیچ عنوان از خون انسان نمی گذرد. دلایلی را می توان با استفاده از آیات و روایات برای حرمت کشتن انسان بیان کرد. چند چیز است که به طور اختصار به یک از آنها اشاره میشود:

خداوند متعال می فرماید: **فَأَنْظِرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُبْحَبِي الْمَوْقُوتِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.**

ترجمه: به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می کند آن کس که زمین مرده را زنده کرد، زنده کننده مردگان در قیامت است و او بر همه چیز تواناست.

حیات رحمت است، رحمت بودن حیات. به این معناست که خداوند با دمیدن روح انسان را مشمول رحمت خود ساخت و هم باید از آن برخوردار باشند.

وقتی حیات گیاهان و جانداران دیگر رحمت است حیوان انسان بطریق اولی رحمت است و هر انسانی حق برخوردار از آن را دارد،

رمز رابطه حرمت قتل و رحمت بودن حیات در آیه ۲۹ سوره نساء بیان شده است. خداوند متعال می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید اموال یکدیگر را به باطل نخورید مگر اینکه تجارتي باشد که با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید خداوند نسبت به شما بسیار مهربان است.

و همچنان نابودی انسان به معنی نابودی تجلی انوار حق است، انسان مظهر تجلی حق است، آئینه ای است که حضرت باری تعالی خود را در آن می بیند. بنابراین تیر مرگی که یک فرد کسی را با آن نشانه می رود همه آن آئینه را در هم می شکند. خداوند متعال می فرماید: (مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَكُسْرٌ فَوَن) (المائدة ۳۲)

ترجمه: به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر کردیم که هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد چنان است که گوئی همه انسانها را کشته و کسی که انسانی را از مرگ رهای بخشد چنان است که گوئی همه مردم را زنده کرده و رسولان ما با دلایلی روشن به سوی بنی اسرائیل آمدند اما بسیاری از آنها تعدی و اسراف در روی زمین کردند.

پس در تمام آیات قرآن وقتی قتل مورد توبیخ قرار گرفته همه انسان ها چه زن و چه مرد کدام تفاوتی میان آنها وجود ندارد.

ب: حدیث: عن جریر بن عبدالله (رض) قال قال رسول الله (ص) من لا یرحم الناس لا یرحمه الله، متفق علیه

ترجمه: از جریر پسر عبدالله روایت است که پیامبر فرمود کسی که بر مردم رحم نمی کند خداوند بالای او رحم نمی کند.

دلیل منع قتل انسان چه زن باشد چه مرد عبارت از آفریده شدن انسان به صورت حق است، اگر انسان از بعد هستی شناسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد ویژگی مهمی دارد که باعث کرامت ذاتی انسان شده و آن آفریده شدن انسان به صورت حق است که در حدیث نبوی آمده است (ان الله خلق آدم علی صورته) آفریده شده است انسان به صورت حق، به این معنی است که انسان یگانه موجودی است که اسما و صفات الهی در او متجلی است.

پنجم حق سیاسی زن:

حقوق سیاسی حقی است که در آن دولت وقتی تابعیت آن را به دست آورده میتواند که در کار های آن دولت سهیم گردد. در دولت اسلامی مبنای اسلام بودن چه مرد باشد چه زن، هر کدام اینها آئین اسلام را بپذیرند از شهروندان، ساکنان و منتسبان آن به شمار می آیند و در نتیجه تابعیت این سرزمین یعنی ملیت اسلامی را پذیرفته و حق دارد که شغل عمومی مناسبی در این سرزمین داشته باشد.

آیات متعددی از قرآن به این مطلب اشاره می کند از جمله:

وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ (بقره ۲۲۸)

ترجمه: و برای زنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست حقوق شایسته ای قرار داده شده است.

در دین مبین اسلام زن از کلیه حقوق فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برخوردار است. پایه تعلیمات اسلام در مورد زن همان است که در آیت مورد بحث می خوانیم (و لهن مثل الذی... یعنی زن همان اندازه ای که در اجتماع وظایف سنگینی دارد حقوق قابل توجهی را نیز دارا است، اسلام زن را مانند مرد بر خوردار از روح کامل انسانی و اراده و اختیار دانسته و او را در مسیر تکامل که هدف خلقت است می بیند، لذا هر دو را در یک صف قرار داده و با خطاب های (یا ایها الناس) و (یا ایها الذین آمنوا) مخاطب ساخته است. برنامه های تربیتی، اخلاقی و علمی را برای آنها لازم کرده است و با آیاتی مثل (وَمَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ) (غافر ۴۰) کسی که عمل نیک انجام دهد چه مرد باشد چه زن در حالیکه مومن باشند پس آنها داخل جنت میشوند.

و وعده برخوردار شدن از سعادت کامل به هردو جنس داده می گوید: هر گدام از زن و مرد می توانند به دنبال انجام برنامه های اسلام ووظایف الهی به تکامل معنوی و مادی برسند و به حیاتی طیب و پاکیزه که سراسر سعادت و نور است گام نهند.

اسلام زن را مانند مرد به تمام معنی مستقل و آزاد می داند و قرآن با آیاتی مثل: مَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا - این آزادی را برای عموم افراد اعم از زن و مرد بیان میدارد.

از طرفی چون استقلال لازمه اراده و اختیار است لذا اسلام این استقلال را در کلیه حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می آورد. خلاصه اینکه زن در اسلام یک رکن اساسی اجتماع به شمار میرود و هرگز نباید با او معامله یک موجود فاقد اراده، وابسته و نیازمند به قیم نمود.

احادیث:

عن ام هانی قال قلت یا رسول الله (ص) زعم ابن امی علی بن ابی طالب انه قاتل رجلا فلان بن هبیره فقال رسول الله قد اجرنا من اجرت یا ام هانی. مسل (۲/۱۵۷)

ترجمه: ام هانی خواهر حضر علی گفت در روز فتح مکه یکی از مشرکین را که حضرت علی می خواست او را بکشد پناه دادم در آن گاه پیامبر فرمودند: ای ام هانی کسی را که تو پناه دادن ما نیز پناه می دهیم. حق پناه دادن عنصر اساسی در حقوق سیاسی شمرده میشود اثبات حق پناه داده به فردی توسط زن، این را افاده می کند که وی دارای حقوق سیاسی همچو قیادت و رهبری اجتماعی را نیز دارا می باشد.

بیعت زنان با رسول الله در عقبه دوم و دیگر امور زندگی به این مفهوم است که زنان با بیعت خود تعهد سیاسی را انجام داده اند و این را پذیرفته اند که از اسلام و پیامبر به هرگونه دفاع می کنند و این محمل به معنی اشتراک در امور سیاسی اتمام می گردد. در صلح حدیبیه رسول الله به مشوره خانم خود (ام سلمه) عمل کرد و از یکی مشکل بزرگ صحابه کرام به گونه اعتراض به امر رسول الله در مورد حلال شدن از احرام را به تعویق می انداختند که با آن روبرو بود، با موفقیت بیرون آمد معاهده صلح پذیرفته شد و امر رسول الله تطبیق گردید این واقعه دلیل خوبی است که زنان در امور سیاسی میتوانند نقش مثبتی را ادا نمایند و سهم گرفتن در سیاست حق مسلم آن ها است.

در تفسیر قرطبی نقل شده است که خوله دختر ثعلبه عمر (رض) را در حال که گروه بی شماری همراه او بودند نگه داشت و سخن را با او به درازا کشاند و او را پند و اندرز داد. از سخنانی که به حضرت عمر گفت این بود: ای عمر! تقوای خدا داشته باش هرکس به حساب و کتاب قیامت ایمان داشته باشد از عذاب می ترسد. عمر هم چنان ایستاده بود و به سخنانش گوش می داد تا اینکه همراهانش به او گفتند: یا امیر المومنین! آیا به سبب پیرزنی این همه می ایستی؟ عمر گفت: اگر این پیرزن مرا از آغاز روز تا آخر آن نگه دارد جز برای نماز های فرض هم چنان به سخنانش گوش فرا می دهم. آیا می دانید این پیرزن کیست؟ او خوله دختر ثعلبه است که خداوند از بالای هفت آسمان صدایش را شنید، آیا خداوند وقتی سخنان او را گوش مید دهد عمر به سخنان او گوش فرا ندهد!!! ذکر این داستان برای این است که بیان شود خوله دختر ثعلبه عمر بن خطاب را پند و اندرز داد، در حالیکه خلیفه مسلمانان بود و گوش دادن و سکوت عمر برای شنیدن سخنان یک پیرزن، نشان میدهد که زن می تواند درباره مسایل دولت رای خویش را پیش روی خلیفه بیان نماید و واجباتی را که خلیفه نسبت به مردم بر عهده دارد به او یادآوری نماید.

حق حسن معاشرت بازن:

برخورد نیکو با زن یکی از وجایب سایرین می باشد. زن نیز مستحق است که باید از حسن معاشرت دیگران فیض ببرد و با برخورد شریف سایرین استقبال گردد. یکی از حقوق مسلم زن عبارت از حسن معاشرت با زن می باشد یعنی زن به عنوان یک انسان دیده شده و با او مانند مردان برخورد گردد و در اجتماع از جایگاهی که در شان زن است مستحق گردد. البته این حق بیشتر در خانواده ها قابل مکث است و رعایت این حق هم بیشتر متوجه شوهران زنان می باشد بخاطریکه زن به حسن معاشرت شوهر نسبت به رفتار سایرین بیشتر ضرورت دارد. حسن معاشرت از یک سو باعث دوام و قوام زندگی مشترک و شیرین شدن آن برای هر یک از زن و شوهر خواهد شد، از سوی دیگر موجب شگوفا شدن استعداد های زن مسلمان می شود و عاملی برای پیشرفت او در زندگی می گردد. خداوند متعال باربار در قرآن کریم تاکید بر حسن معاشرت با زن دارد چنانچه می فرماید: **وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً. روم ۲۱**

ترجمه: از علامه های قدرت خداوند این است که از خود تان همراهی برای شما آفرید تا اینکه آرامش یابید و بین شما و همسران تان دوستی و مهربانی و رحمت قرار داد. درین آیه خداوند متعال می فرماید که همسران تان را از جنس خود تان به هدف آرامش شما خلق کرده ام و باید که بین شما دوستی و مهربانی بر قرار باشد که طبعاً دوستی و مهربانی بین همسر و شوهر بدون حسن معاشرت ممکن نیست.

و همچنان خداوند متعال در سوره مبارکه نساء می فرماید: **وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (نساء ۱۹)**
ترجمه: با زنان به روشی پسندیده معاشرت کنید. بدین معناست که با زنها به شایستگی رفتار کنید و هدف از رفتار شایسته همانا حسن معاشرت با زنان است.

احادیث: عن ابی هریره قال قال رسول الله (ص) اکمل المومنین ایمانا احسنهم خلقا و خیارکم خیارکم لنسائهم . الترمذی
ترجمه: از ابوهریره روایت است که رسول الله فرمود کامل ترین مومنان از روی ایمان کس است که اخلاقش بهتر باشد و بهترین شما آن هایی اند که با زنان شان رویه نیکو دارند.

همچنین رسول خدا فرموده اند هیچ مردی نباید با همسرش دشمنی کند و او را آزار دهد اگر یکی از اخلاق او را نپسندد ممکن است از اخلاق دیگر او راضی باشد.

حسن معاشرت و رفتار خوب این است که: مرد در رفتار با همسرش از بهترین کلمات و پسندیده ترین کردارها استفاده نماید و به هیچ وجه با گفتار و رفتار خود او را مورد اذیت و آزار قرار ندهد و به کرامت و شخصیت و منزلت او بی احترامی ننماید و خشم و خشونت با او برخورد نکند و در مورد مخارج زندگی او را در حد توان راضی نگه دارد و از بخل پرهیز کند. حسن رفتار و معاشرت مطلوب هنگامی که مرد دارای چند همسر باشد بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است. در مسایل مادی و معاشرت باید عدالت و دادگری را مراعات نماید که تک همسری اساس و محور تشکیل یک خانواده است و خداوند متعال مردان را به اکتفا به یک همسر زمانی که نگران عدم مراعات عدالت باشند دستور داده است.

اما مساوات در محبت و تمایل قلبی چون خارج از اراده و توان انسان است به شرطی که در اخلاق و رفتار و عمل به زیان دیگر تمام نشود مانعی ندارد.

بعضی از مصادیق حسن معاشرت:

- ۱- حسن خلق
- ۲- اکرام و احترام به زن
- ۳- محبت و اظهار آن
- ۴- پوشانیدن عیوب همسر
- ۵- عفو و گذشت
- ۶- مدارا کردن
- ۷- مشورت و تبادل نظر

فصل پنجم

قانون اساسی

در مواد متعدد قانون اساسی افغانستان از زنان و حقوق آنها حمایت شده است که ذیلاً آنها را تحریر نموده و پیرامون هر مواد تبصره مینماییم:

ماده ی ۴: حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که بطور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می کنند. ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارند...

تبصره:

ذکر کلمه ی ملت در برگیرنده ی زن و مرد است. به این اساس حاکمیت ملی به زنان تبعه ی افغانستان اند نیز تعلق دارد. زنان میتوانند برای اعمال حاکمیت ملی خودشان بصورت مستقیم نقش داشته و یا با استفاده از حق رأی نماینده انتخاب کنند.

ماده ی ۷: دولت منشور ملل متحد، میثاق های بین المللی، معاهدات بین الدول را که با آن ارتباط دارد و اعلامیه ی جهانی حقوق بشر را رعایت میکند.

تبصره:

افغانستان به عنوان یک کشور مستقل عضوی جامعه ی جهانی بوده و از نقطه نظر حقوقی مکلف به رعایت مباحث مندرج این ماده و سایر معاهدات میباشد که آنها را پذیرفته و یا به آنها الحاق شده است. یکی از مباحث عمده و اساسی اعلامیه ی جهانی حقوق بشر میباشد. در این اعلامیه به صراحت از حقوق زنان حمایت و به مکلفیت دولت های عضو در راستای تأمین مساوات بین زن و

مرد بطور ذیل تأکید شده است:

حقوق زنان بخش مهمی از حقوق بشر محسوب میگردد. بر اساس میثاق بین المللی (جلوگیری از هرگونه تبعیض در برابر زنان) دولت های عضو موظف هستند تا به منظور تساوی زن و مرد در اصول قبول شده، تمام امکانات عملی را در جامعه آماده سازند. بر

اساس این میثاق زنان برای سهم گیری در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با مردان دارای حقوق مساوی بوده و از تمام امتیازات حقوقی مادی و معنوی در جامعه برخوردار میگردند....

ماده ی ۲۰: هر گونه تبعیض و امتیاز در بین اتباع افغانستان منع میباشد. اتباع افغانستان در برابر قانون حقوق و وجایب مساوی دارند.

تبصره:

از متن و محتوای این ماده به صراحت استنباط میشود که هیچ نوع تبعیض بین اتباع که در حقیقت زن و مرد میباشند جایز نمیباشد. یا بعباره ی دیگر مردان از نقطه نظر تفاوت جنسی با زنان امتیاز اضافی و یا برتری نداشته و زنان بنابر تفاوت جنسی با مردان کمبود نداشته و از حقوق خویش محروم نمیباشند. این ماده در حقیقت برخواسته از آیه ۱۳ سوره حجرات قرآنکریم میباشد. در آیه مبارک به عدم تبعیض میان زن و مرد چنین تأکید شده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰ كُمْ. ترجمه: ای مردمان! هر آینه ما آفریدیم شما را از یک مرد و از یک زن، و گردانیدیم شمارانژاد و قبيله ها، تا باهم شنا سا شوید. به تحقیق گرامی ترین شما نزد الله (ج) پرهیزگار ترین شما ست.

ماده ی ۲۴: آزادی حق طبیعی انسان است. این حق بدون آزادی دیگران و مصالح عامه که از طریق قانون تنظیم میگردد، حدود ندارد.

آزادی و کرامت انسان از تجاوز مصئون است.

دولت مکلف به رعایت و محافظت آزادی و کرامت انسانی میباشد.

تبصره:

در این ماده بصورت عموم آزادی حق طبیعی انسان دانسته شده است. یعنی این حق فقط به یک جنس و یا طبقه ی خاص اختصاص داده نشده است. در اینصورت زنان نیز انسان بوده و از حق آزادی برخوردار میباشند. حق آزادی فقط در برابر آزادی دیگران و مصلحت عامه محدود گردیده است. یعنی فقط در برابر این دو اصل آزادی اعم از زن و مرد محدود است در غیر آن به هیچ عنوان دیگر مانند تفاوت جنسی نمیتوان به حق آزادی حد و مرز قایل شده و مالک آنرا از آن محروم کرد.

ماده ی ۳۳: اتباع افغانستان حق انتخاب نمودن و حق انتخاب شدن را دارا میباشند.

تبصره:

حقوق مندرج این ماده یعنی حق انتخاب نمودن و حق انتخاب شدن، شامل حقوق سیاسی میباشند. ذکر کلمه ی اتباع در برگرنده ی زن و مرد بوده و برای زنان نیز به رسمیت شناخته شده اند. در پرتو ی این ماده زنان کشور ما نیز حق دارند در انتخابات شرکت کرده و با استفاده از حق رأی سرنوشت سیاسی خویش را تعیین نمایند. همچنان آنها میتوانند برای رسیدن به مقامات مهم سیاسی مانند ریاست جمهوری، عضویت در شورای ملی "پارلمان" شورا های ولایتی و سائر پست های انتخابی، کاندید کرده و قدرت به دست آورند. مطابق این قانون هیچ محدودیت و ممانعت در راستای رسیدن زنان به مقامات سیاسی و اجتماعی وجود ندارد.

ماده ی ۴۳: تعلیم و تربیه حق تمام اتباع افغانستان است که الی تعلیمات ثانوی بطور رایگان بوده و از طرف دولت تأمین میگردد. دولت مکلف است تا در تمام افغانستان برای عام ساختن معارف متوازن جهت تأمین تعلیمات متوسط اجباری، برنامه ی مؤثر را وضع و تطبیق نماید و برای تدریس زبان مادری در مناطق مربوطه راه را هموار ساخته و تسهیلاتی را فراهم نماید.

تبصره:

تعلیم یا آموختن علم یکی از حقوق اساسی انسانها بوده و حتی مکلفیت محسوب میشود. خداوند علیم و دانا در اولین پیام خویش در سوره ی العلق برای حضرت محمد "ص" او را تأکید به خواندن کرد. این پیام جنبه ی عمومی داشته و همه ی انسانها اعم از زن و مرد را مکلف به خواندن و آموختن کرده است. یعنی زنان نیز مشمول این پیام اند.

همچنان حضرت محمد "ص" در حدیث شریف آموختن علم را برای مرد و زن فرض دانسته و چنین تأکید کرده است: طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة.

ترجمه: طلب علم برای مرد و زن فرض است.

با توجه به پیام های فوق الذکر و موضوعات مندرج این ماده، زنان کشور ما حق دارند، به تعلیم و تربیه مبادرت ورزیده و با استفاده از حق خویش ظرفیت های علمی خویش را توسعه بدهند.

ماده ی ۴۴: دولت مکلف است تا برای توازن و توسعه ی آموزش زنان ، بهتر شدن آموزش کوچی ها و از بین بردن بیسوادی در کشور برنامه های مؤثر را وضع و تطبیق نماید.

تبصره:

در این ماده نیز به مکلفیت دولت در راستای توسعه ی آموزش برای زنان و همچنان وضع برنامه های مؤثر به منظور از بین بردن بیسوادی تأکید شده است. منظور اینست که دولت بر علاوه ی فراهم ساختن تسهیلات در مکاتب ، باید برای زنانیکه بنابر عوامل مختلف از نعمت سواد محروم شده اند و در وقت و سن معین نتوانسته اند به تعلیم و تربیه بپردازند، برنامه های سواد آموزی را مساعد بسازد. یعنی زنانی بزرگ سال نیز حق آموزش و پرورش دارند.

ماده ی ۵۲: دولت برای تمام اتباع افغانستان بخاطر جلوگیری از امراض وسایل تداوی و سهولت های صحتی را مطابق با احکام قانون تأمین مینماید.

تبصره:

در این ماده نیز با ذکر کلمه ی اتباع زنان از حق برخوردای از سهولت هاو و سایل صحتی بهر مند شده اند. در پرتوی این ماده ادراک صحتی بالاخص وزارت صحت عامه مکلف است که برای تداوی و معالجه ی زنان که اکثراً به مشکلات ولادی و نسائی مواجه بوده و در نتیجه ی فقر و فعالیت های شاقه به امراض زیاد مبتلا اند سهولت ها و یا مراکز معالجه را ایجاد نماید.

ماده ی ۵۳: دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده و برای کهن سالان ، زنان بی سرپرست و یتیمان مطابق با احکام قانون کمک های لازم را فراهم میسازد.

تبصره:

در این ماده به یکی از مکلفیت و مسؤلیت های عمده ی دولت در رابطه به تهیه ی کمک های لازم به زنان بی سرپرست و یتیمان تأکید شده است. طوریکه به همگان هویدا است، در طول جنگ های متداوم زنان افغان بطور گسترده صدمه دیده و اکثریت آنها در نتیجه ی از دست دادن شوهران و فرزندان خویش بی سرپرست شده و از هر نقطه به مشکلات مواجه اند. دولت در این ماده مکلف شده است که برای آنها سرپناه و زمینه ی کار و مشاغل را مساعد سازد. به یقین ایجاد اشتغال در عرصه های مختلف مشکلات کمبودی های زنان را کاهش داده و آنها را بعنوان اعضای فعال و مؤثر در جامعه مطرح میسازد.

ماده ی ۵۴: خانواده بخش اساسی جامعه را تشکیل میدهد و تحت حمایت دولت قرار دارد. دولت برای تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده ها بالخصوص مادر و طفل ، پرورش اطفال و از بین بردن رسوم مغایر احکام اسلامی تدابیر لازم را اتخاذ مینماید.

تبصره:

خانواده متشکل از زن ، مرد و فرزندان آنها بوده و مطابق این ماده تمام آنها تحت حمایت دولت قرار دارند. دولت مکلف شده است که در جهت سلامت جسمی و روحی مادران و پرورش اطفال تدابیر لازم را اختیار کرده و عرف و عادات مغایر احکام اسلامی را از بین ببرد. طوریکه همه ی ما شاهد هستیم، در اکثریت خانواده ها بنابر موجودیت عرف و عادات ناپسند، زنان و فرزندان آنها تحت فشار قرار داشته و از نقطه نظر سلامت جسمی و روحی به مشکلات مواجه اند. باور به برتری های جنسی سبب شده است که در بعضی از خانواده ها زنان حتی از حق دسترسی به داکتر و معالجه محروم شوند. هرگاه زن که در حقیقت مادر و زیربنای خانواده است، در نتیجه ی رسوم ناپسند از حقوق خویش محروم شود، محرومیت های او در تربیه ی فرزندان تأثیر مستقیم کرده ، سبب تقدیم افراد ناسالم به جامعه گردیده و بلاخره جامعه را ناسالم و بیمار میسازد. ما بعنوان پیروان دین اسلام و اتباع افغانستان باید در سلامت جسمی و روحی زنان و اطفال تلاش کرده و بسوی جامعه ی سالم و مترقی و آسوده گام برداریم.

در مباحث فوق حقوق زنان در قانون اساسی افغانستان طرح شده و تا اندازه ی پیرامون آنها توضیح ارائه گردید. چون قوانین عادی که در تحت قانون اساسی قرار داشته و در مطابقت به آن حقوق و وجایب اتباع را تنظیم میکنند، در ذیل به ترتیب مواد مربوط به حقوق زنان در قوانین عادی را تذکر داده و در زمینه تبصره صورت میگیرد.

قانون مدنی افغانستان

قانون مدنی حقوق و وجایب اتباع یک کشور را در برابر یکدیگر تنظیم کرده و حقوق خصوصی آنها را در بخش های مختلف تنظیم و تعیین مینماید. در قانون مدنی افغانستان حقوق زنان در مباحث میراث ، ازدواج ، طلاق ، نفقه ، مسکن ، رضاعت ، مالکیت... به تفصیل تبیین گردیده اند. ذیلاً در هر زمینه مواد مربوط تحریر شده و در باره ی آن تبصره صورت میگیرد.

ماده ی ۳۶: شخصیت انسان با ولادت کامل وی به شرط زنده بودن آغاز و با وفات انجام میآید.

تبصره :

در این ماده شخصیت انسان را فقط منحصر به زنده متولد شدن نموده است نه به جنسیت. یعنی انسان اعم از زن و مرد به محض تولد صاحب شخصیت شده و همزمان حقوق و امتیازات برای او مرتب میشود. از محتوای این ماده به صورت واضح استنباط میشود که تفاوت های جنسی میان زن و مرد در شخصیت آنها تأثیر نداشته و هر دو یکسان و مساوی و دارای یک سرشت تلقی شده اند ماده ی ۳۹ : سن رشد هیجده سال مکمل شمسی میباشد. شخص رشید در حالت صحت عقل در اجرای معاملات، دارای اهلیت حقوق کامل شناخته میشود.

تبصره :

ذکر کلمه ی شخص رشید در این ماده بصورت عموم بوده و در بر گیرنده ی زن و مرد رشید "شخصیکه سن قانونی را تکمیل کرده است" میباشد که در حالت صحت عقل میتواند معاملات انجام را دهد. یعنی زنان نیز مشابه ، به مردان در صورت تکمیل سن هیجده سالگی و در حالت صحت عقل میتوانند، معاملات را انجام دهند. ذکر معاملات شامل تمام فعالیت ها اعم از تجارتي و مدنی میگردد. بطور مثال : میتوانند تجارت کرده و خرید و فروش کنند. مطابق این ماده هیچ مانع برای زنان در اجرای معاملات وجود ندارد. البته منظور از معاملات مشروع و قانونی اند.

ماده ی ۴۵ : شخصیکه حقوق شخصی او مورد تجاوز قرار میگیرد ، میتواند علاوه بر مطالبه ی منع تجاوز در صورت وقوع ضرر طالب جبران خساره گردد.

تبصره :

در اینجا نیز ذکر کلمه ی شخص بصورت عام استعمال شده است. در اینصورت زنان نیز حق دارند در صورت که مورد تجاوز قرار میگیرند، به منظور دفع ضرر و جبران خساره به ارگانهای عدلی و قضائی مراجعه کنند. این ماده به صراحت مانع تجاوز به حقوق اشخاص اعم از زن و مرد شده و حق مراجعه و دسترسی به ارگانهای عدلی و قضائی برای هر دو را در نظر گرفته است. ماده ی ۵۱ :

۱. اقامتگاه جایبست که شخص عادتاً در آن سکونت دارد، خواه این سکونت دایم باشد یا مؤقت.
۲. شخص میتواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.

تبصره :

در این ماده نیز با ذکر کلمه ی شخص حق داشتن اقامتگاه برای زن و مرد قبول شده است. یعنی زنان نیز میتوانند بصورت مستقل اقامتگاه داشته و در آن سکونت کند.

ذیلاً از حقوق زنان در مباحث مربوط به ازدواج و آثار آن مواد از قانونی مدنی تحریر شده و پیرامون آنها تبصره صورت میگیرد : ماده ی ۶۰ : ازدواج عقدی است که معاشرت زن و مرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده حقوق و واجبات طرفین را به وجود میآورد.

تبصره :

به موجب انعقاد عقد ازدواج برای طرفین "زن و مرد" حقوق و وجایب ایجاد میشود. یعنی به اساس عقد متذکره زنان نیز صاحب حق و امتیاز شده و جانب مقابل "مرد" مکلف به رعایت آنها میباشد. در عقد ازدواج فقط مردان ذیحق نیستند، بلکه مکلفیت آنها در برابر زنان نسبت به حقوق شان بیشتر است.

ماده ی ۶۴ : نامزدی عبارت از وعده به ازدواج است ، هریک از طرفین میتوانند از آن منصرف شود.

تبصره :

در این ماده حق انتخاب همسر و صلاحیت انصراف از نامزدی بصورت صریح به طرفین که عبارت از زن و مرد اند به رسمیت شناخته شده است. زنان حق دارند که همسر یا شریک زندگی را بصورت آزادانه ، با رضایت و بدون جبر و اکراه انتخاب کرده و در صورت لزوم دید از آن منصرف شوند. هیچ عامل زن را مجبور نمیکند که بدون رضایت با یک مرد نامزد شده و ازدواج کند. این ماده در برابر ازدواج اجباری قرار داشته و آنرا نفی میکند. در این زمینه به منظور جلوگیری از تکرار مباحث در بخش ذیربط که استفاده از قانون منع خشونت علیه زنان است، به تفصیل معلومات ارائه میگردد.

ماده ی ۶۹ : در عقد ازدواج بدل ، زن بدل زن دیگر قرار نگرفته و برای هریک از زوجه ها مهر مثل لازم میگردد.

تبصره :

منظور از ازدواج بدل اینست که یک زن و یک مرد از یک فامیل با یک زن و یک مرد از فامیل دیگر ازدواج کرده و وابستگان آنها از همدیگر مهر نمیگیرند. در افغانستان اکثر مردان فامیل بالاخص پدران مهر را حق زن ندانسته و امتیاز یا منفعت خویش تلقی میکنند. از همین سبب صلاحیت استعمال و تصرف آنها یک امر معمول تلقی کرده و زنان را از حق مهر که تضمین و سرمایه ی است برای حمایت از زنان، محروم میکنند. در این ماده حق مهر زنان مورد حمایت قرار گرفته است که حتی در صورت ازدواج بدل باید برای هر دو زن یا هر دو زوجة ها مهر در نظر گرفته شود. برعلاوه ی محرومیت زنان از حق مهر در ازدواج های بدل، در افغانستان بالاخص در ولایات و مناطق دور از شهرها در نتیجه ی عدم آگاهی مردم از احکام شرعی و دساتیر قانونی و همچنان موجودیت روحیه ی مرد سالاری، زنان از حق مهر محروم شده و مردان فامیل بالاخص پدر و یا برادران به نام مهر یا طویانه یکمقدار پول نقد، اجناس، اموال و مواشی را از داماد یا فامیل او اخذ کرده و تصاحب میکنند. درحالیکه مطابق احکام شرعی و دساتیر قانونی مهر حق مسلم و قطعی برای زنان و وسیله ی حمایت آنها محسوب میشود.

ماده ی ۷۷: برای صحت عقد نکاح و نفاذ آن شرایط آتی لازم میباشد:

۱. انجام ایجاب و قبول صحیح توسط عاقدین، اولیاء یا وکلای شان.
۲. حضور دو نفر شاهد با اهلیت.
۳. عدم موجودیت حرمت دائمی و یا مؤقت بین ناکح و منکوحه.

تبصره:

در فقره ی اول این ماده منظور از انجام ایجاب و قبول صحیح توسط عاقدین اینست که، عاقدین "زن و مرد" باید رضایت داشته و بدون تحمیل جبر و اکراه ایجاب و قبول نمایند. این شرط نیز به صراحت ازدواج های اجباری را غیر قانونی میداند. یعنی هرگاه عاقدین ایجاب و قبول صحیح نداشته باشند، ازدواج منعقد نشده و آثار قانونی نیز بر آن مرتب نمیگردد. مطابق این ماده هیچ شخص حق ندارد ازواج را به طرفین بالاخص زن تحمیل نماید. در رابطه به صلاحیت اولیاء نیز قوانین محدودیت های خاص وضع کرده و حتی برای زنان حقوق زیاد قائل شده است که میتوانند از پذیرفتن تصامیم که اولیاء اتخاذ کرده اند امتناع نمایند.

ماده ی ۱۱۷: با عقد نکاح صحیح و نافذ نفقه بر زوج لازم میگردد.....

تبصره:

نفقه مشتمل است بر طعام، لباس، مسکن و تداوی متناسب به توان زوج. این ماده برگرفته از شریعت اسلامی بوده و نفقه را یکی از حقوق و امتیازات زن دانسته است. یعنی مرد یا زوج مکلف به تأمین نفقه بوده و زن به هیچ عنوان در قبال تهیه و تأمین نفقه مکلفیت ندارد. این یکی از بهترین امتیازات است که در مطابقت به احکام شرعی و مواد قوانین برای زن در نظر گرفته شده است. در پرتوی این حق، زن به هیچ عنوان در قبال تهیه ی نفقه ی خودش مسؤلیت نداشته و مجبور به اجرای فعالیت های اقتصادی نمیباشد. بلکه بار مسؤلیت تمام فعالیت ها بعهده ی مرد است. لازم بتذکر است که در کشور ما اکثراً مکلفیت یا مجبوریت مرد در راستای تأمین نفقه را برخلاف مفهوم اصلی آن، عامل برای اعمال قدرت مرد نسبت به زن و یا وابستگی زن نسبت به مرد تعبیر مینمایند. یعنی به اساس رسوم و عادات مردم به این باور اند که چون مرد با قبول مشکلات نفقه تهیه میکند، پس نسبت به زن و حتی سرنوشت او امتیاز و صلاحیت دارد. این برداشت کاملاً بر عکس مفهوم اصلی حق نفقه است. داشتن حق به هیچ عنوان وابستگی به بار نیآورده و یا سبب محدودیت آزادی نمیگردد. زنان را نباید در نتیجه ی عدم ملک بودن به تأمین نفقه وابسته به مرد تصور کرد. بلکه مردان را باید مجبور و مکلف به تأمین نفقه دانست. حتی در صورت امتناع زوج از پرداخت نفقه محکمه او را مکلف به این امر مینماید. در این زمینه قانون مدنی افغانستان چنین تصریح نموده است:

ماده ی ۱۱۹: هرگاه زوج از ادای نفقه امتناع ورزد یا تقصیر وی در آن ثابت گردد، محکمه با صلاحیت زوج را به ادای نفقه مکلف میگرداند.

مکلفیت مرد در تأمین نفقه به اندازه ی مهم و جدی است که حتی در صورت محکوم شدن به حبس نیز از ذمه ی او ساقط نمیگردد. این موضوع نیز در قانون مدنی به طور ذیل تسجیل شده است:

ماده ی ۱۲۰: نفقه ی زوجه به اثر حبس زوج، گرچه توان ادای آنرا نداشته باشد، از ذمه ی وی ساقط نمیگردد.

نوت: حق نفقه ی زن و شرایط آن بصورت مفصل در قانون مدنی افغانستان تنظیم شده اند.

تفریق "جدای بین زن و مرد"

- در رابطه به ختم رابطه ی زوجیت بین زن و مرد یا زوج و زوجه مباحث ذیل حایز اهمیت و مطرح بحث اند:

۱. طلاق

۲. تفریق

۳. خلع

چون در این برنامه ی درسی بیشتر تأکید پیرامون حقوق زن در احکام شرعی و دساتیر قانونی صورت میگیرد، از مباحث فوق با استناد به قانون مدنی افغانستان تفریق و خلع را طرح نموده و د رابطه به آنها تبصره مینماییم.

خلع: خلع در لغت به معنی طلاق گرفتن زن از شوهر با بخشیدن مهر خود یا با دادن مال. و در اصطلاح خلع عبارت است انحلال ازدواج در بدل مال که زن به شوهر میپردازد. خلع و شرایط آن در مواد قانون مدنی بصورت مفصل تسجیل شده است. ماده ی ۱۵۶: خلع عبارت است از انحلال رابطه ی زوجیت در بدل مال که زوجه به زوج میدهد.

تبصره: خلع یکی از موارد انحلال رابطه ی زوجیت بوده و از جمله ی حقوق زن تلقی میگردد. بطور مثال زن تصمیم به جدایی از شوهر اتخاذ کرده و با پرداخت پول به شوهر یا انصراف از حق مهر از او جدا میشود. در این زمینه باید به مواد قانونی مدنی افغانستان مراجعه شود.

تفریق: تفریق در لغت به معنی جدا کردن، پراکنده کردن و جدایی است. و در اصطلاح حقوقی عبارت از جدایی بین زن و شوهر یا ختم رابطه ی زوجیت است. در قانون مدنی افغانستان با استناد به شریعت اسلامی تفریق در چهار حالت ذیل صورت میگیرد.

۱. تفریق به سبب عیب

۲. تفریق به سبب ضرر

۳. تفریق به سبب عدم انفاق

۴. تفریق به سبب غیابت

هر یک از مباحث فوق الذکر را با ذکر مواد قانونی تحریر کرده و تبصره مینماییم:

• تفریق به سبب عیب

ماده ی ۱۷۶: زوجه وقت میتواند مطالبه ی تفریق نماید که، زوج مبتلا به مرض باشد که اعاده ی صحت وی غیر ممکن یا مدت طولانی برای معالجه ی او لازم باشد. به نحوی که معاشرت با زوج بدون ضرر کلی متعذر باشد.

تبصره:

مرد یا زوج در قبال زن یا زوجه مکلفیت و مسؤولیت زیاد دارد. شرط ادای مکلفیت ها صحتمندی یا سلامتی جسمی و روحی مرد است. هرگاه مرد به مرض مبتلا باشد که معالجه ی آن غیر ممکن یا مدت طولانی را در بر بگیرد، در این صورت ضرر به زن متصور بوده و میتواند از مراجع ذیصلاح مانند محاکم تقاضای تفریق نماید. بطور مثال مرد مریض توان تأمین نفقه را نداشته و قادر به معاشرت جنسی نبوده و زن را متضرر میسازد. یکی از امراض عمده و مروج که سبب اختلاف بین زن و مرد میشود، بیماری عدم توانایی جنسی مرد بوده از یکطرف سبب متضرر شدن زن شده و از طرف دیگر مانع تولید نسل میگردد. در این حالت قانون مدنی افغانستان در پرتوی شریعت اسلامی برای زن حق داده است که، تقاضای تفریق نماید.

"جهت آگاهی بیشتر در این زمینه باید به مواد ۱۷۶ الی ۱۸۲ قانون مدنی مراجعه شود"

• تفریق به سبب ضرر

ماده ی ۱۸۳: هرگاه زوجه از معاشرت با زوج ضرری را ادعا کند که دوام معاشرت را در چنین حالت بین زوجین غیر ممکن گرداند، میتواند از محکمه مطالبه ی تفریق نماید.

تبصره:

ضرر مندرج این ماده برخاسته از اختلافات بین زوجین "زن و مرد" و اعمال خشونت از طرف مرد نسبت به زن بوده و شامل اضرار مادی و معنوی میگردد. هرگاه زن در نتیجه ی اختلاف، توسط شوهر لت و کوب یا توهین و تحقیر، گردد حق دارد که از محکمه تقاضای تفریق نماید. اختلاف میان زن و شوهر در تمام جوامع بشری بالاخص در کشور ما بطور گسترده وجود داشته و متأسفانه سبب اعمال خشونت مرد نسبت به زن میگردد. گراف لت و کوب، تهدید و تحقیر زنان از طرف مردان در حالت صعود بوده و میزان تقاضای تفریق توسط زنان در حال افزایش است. آنچه را در مطابقت به برنامه ی درسی با استفاده از این ماده قابل میدانیم، حق تقاضای تفریق توسط زنان در صورت مورد ضرر واقع شدن است. در این باره در بخش استفاده از قانون منع خشونت علیه زنان به

تفصیل تبصره صورت خواهد گرفت.

• **تفریق به سبب عدم انفاق**

ماده ی ۱۹۱ : هرگاه زوج از ادای نفقه امتناع ورزد، درحالیکه ظاهراً مالک دارای نبوده و عجز وی از ادای نفقه نیز ثابت شده نتواند، زوجه میتواند مطالبه ی تفریق نماید.

ماده ی ۱۹۲ : هرگاه زوج عجز خود را از ادای نفقه ثابت نماید، محکمه مدت مناسبی را که از سه ماه تجاوز نکند، به وی مهلت میدهد. در صورتیکه باز هم از ادای نفقه قادر نشود، محکمه به تفریق بین زوجین حکم مینماید.

تبصره :

در مباحث قبلی بصورت مفصل در باره ی حق نفقه ی زنان معلومات ارائه گردید. و در مطابقت به این دو مواد فوق الذکر تصریح شده است که عدم تأمین نفقه توسط مرد به زن حق میدهد که مطالبه ی تفریق نماید. یعنی اگر شوهر برایش نان ، لباس ، مسکن تهیه نکرده و مصارف معالجه اش را نپردازد ، حق دارد که از جدا شود. یعنی زن مجبور نیست که در صورت عدم تأمین حق نفقه اش به رابطه ی زوجیت ادامه بدهد. در این زمینه کاملاً صاحب اراده بوده و آزاد از هر نوع مجبوری است. مرد هیچ حق ندارد که کار نکرده و بدون رفع مسؤلیت خویش زن را مجبور به تداوم رابطه ی زوجیت نماید.

• **تفریق به سبب غیابت**

ماده ی ۱۹۴ : هرگاه زوج مدت سه سال یا زیاده از آن بدون عذر معقول غایب گردد، در صورتیکه زوجه از غیابت وی متضرر شود، میتواند از محکمه مطالبه ی تفریق نماید. گرچه زوج مالک دارای بوده و زوجه از آن نفقه خود را تأمین کرده بتواند.

تبصره :

اگر به موضوعات فوق الذکر توجه صورت گیرد، در این ماده نیز به صورت واضح به حق زن تأکید شده است. یعنی زن مجبور نیست، به منظور حفظ و تداوم رابطه ی زوجیت، از حقوق و حتی خواهشات خویش منصرف شده یا تمایلات و نیازمندی های خویش را قربان نماید. قانون گزار در صورت غیابت شوهر برای زن حق داده است که فقط سه سال منتظر بماند. اگر از شوهر هیچ نوع اطلاع و خبر پیدا نشد، میتواند به محکمه مراجعه و تقاضای تفریق نماید. در این قانون غیابت شوهر فقط از نقطه نظر مادی و یا مالی در نظر گرفته نشده است. یعنی اگر زوج مالک دارای و سرمایه بوده و زن بتواند از آن نیازمندی های خویش را رفع نماید، توانایی مالی او مانع حق تقاضای تفریق زن نمیگردد. لازم بتذکر است که تقاضای تفریق در مباحث فوق الذکر جبری نیست. یعنی برای زن اختیار داده شده است. بطور مثال میتواند با شوهر معیوب و فقیر خویش به زندگی ادامه داده و یا برای هر مدت که خواست منتظر شوهر غایب خویش بماند.

بصورت فشرده و مختصر پیرامون حقوق زن در قانون مدنی افغانستان تذکر بعمل آمد. شما میتوانید جهت آگاهی و معلومات بیشتر بصورت مفصل و با جزئیات این قانون را مطالعه نموده و به میزان آگاهی ویش بیفزاید.

قانون منع خشونت علیه زن

آنچه که مسلم است، در افغانستان حقوق و امتیازات شرعی و قانونی زنان در عرصه های مختلف نقض شده و حتی نسبت به آنها به پیمانهای وسیع خشونت صورت میگیرد. موجودیت عرف و عادات ناپسند و باورهای نا آگاهانه زنان را از سائر امتیازات محروم ساخته و حتی از صحنه ی حیات اجتماعی به حاشیه رانده است. با توجه به وضعیت بحرانی زنان، و به منظور تأمین حقوق و امتیازات آنها، دولت افغانستان در روشنائی احکام بیست و چهارم و پنجاه و چهارم قانون اساسی قانون منع خشونت علیه زن را تدوین و با تعریف انواع خشونت، برای اعمال کنندگان آنها مجازات را در نظر گرفته است. ذیلاً مباحث مندرج این قانون به ترتیب ذکر شده و پیرامون آنها تبصره صورت میگیرد.

ماده ی دوم : اهداف این عبارتند از :

- تأمین حقوق شرعی و قانونی و حفظ کرامت انسانی زن.
- حفظ سلامت خانواده و مبارزه علیه رسوم ، عرف و عادات مغایر احکام دین مقدس اسلام مسبب خشونت علیه زن.
- حمایت مجنی علیهای خشونت "زن متضرر" یا معروض به خشونت.
- جلوگیری از خشونت علیه زن.

- تأمین آگاهی و آموزش عامه در مورد خشونت علیه زن.
 - تعقیب عدلی مرتکب جرم خشونت علیه زن.
- در ماده ی سوم این قانون اصطلاحات متعدد تعریف شده اند. بعضی از آنها که بیشتر به این برنامه ی درس ارتباط دارند ذیلا تحریر میگردند :
- خشونت : ارتکاب اعمال مندرج ماده ی پنجم این قانون است. که موجب صدمه به شخصیت، جسم ، مال یا روان زن میگردد.
 - بد دادن : به شوهر دادن زن است در بدل دیت یا صلح به ارتباط قتل ، تجاوز جنسی یا سائر احوال به پیروی از رسوم ، عرف و عادات ناپسند.
 - تحقیر : ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ است که موجب اهانت "کوچک ساختن" شخصیت زن گردد.
 - تخویف : ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ است که موجب ایجاد رعب و ترس زن گردد.
 - انزوای اجباری : ممانعت از دید و باز دید زن با محارم شرعی میباشد.
- ماده ی چهارم : خشونت جرم بوده هیچ کسی حق ندارد در محل سکونت، اداره ی دولتی یا غیر دولتی، مؤسسات، محلات عامه، وسایط نقلیه یا سائر محلات مرتکب آن گردد. در صورت ارتکاب مطابق احکام این قانون مجازات میگردد.
- چون موضوعات فوق الذکر واضح و صریح بوده و ایجاب تبصره را نمینمایند، موارد متعدد از خشونت ذیلا در مطابقت به قانون تحریر میگردند :
- ماده ی پنجم : ارتکاب اعمال ذیل علیه زن خشونت شناخته میشود :**
- تجاوز جنسی
 - مجبور نمودن به فحشا
 - ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحوی که به شخصیت آن صدمه بزند
 - آتش زدن یا استعمال مواد کیمیایی، زهری و یا سائر مواد ضررناک
 - مجبور نمودن به خودسوزی ، خود کشی و یا استعمال مواد زهری یا سائر مواد ضررناک
 - مجروح یا معلول نمودن
 - لت و کوب
 - خرید و فروش به منظور یا بهانه ی ازدواج
 - بد دادن
 - نکاح اجباری
 - ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب زوج
 - نکاح قبل از اكمال سن قانونی
 - دشنام ، تحقیر و تخویف
 - آزار و اذیت
 - انزوای اجباری
 - اجبار زن به اختیار به مواد مخدر
 - منع تصر در ارث
 - منع تصرف اموال شخصی
 - ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی
 - کار اجباری
 - ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده ی ۸۶ قانون مدنی
 - نفی قرابت
- یکی از مشکلات عمده و اساسی زنان عدم دسترسی و عدم مراجعه به ارگانهای عدلی و قضائی است. زنان در موارد متعدد مورد خشونت قرار گرفته ولی بنا بر عوامل متعدد جهت احقاق حقوق خویش به ارگانهای ذیربط مراجعه نمینمایند. این عوامل عبارتند از :
- بیسوادی و عدم آگاهی از شریعت اسلامی و احکام قوانین در رابطه به حقوق زن.
 - عدم معرفت با ارگانهای عدلی و قضائی.

- ایجاد ممانعت و مزاحمت از طرف مردان.
 - بی تفاوتی و سهل انگاری ارگانهای عدلی و قضائی در برابر زنان و برخورد ناسالم نسبت به آنها.
 - عار و عیب دانستن مراجعه ی زن به ارگانهای عدلی و قضائی.
- با توجه به عوامل فوق الذکر و به منظور ایجاد سهولت برای مراجعه ی زنان به ادارت قانون منع خشونت علیه زن موارد را در نظر گرفته است که ذیلا ذکر میگردند :

ماده ی هفتم :

۱. مجنی علیهای خشونت ، خود یا اقارب وی میتوانند به ادارت پولیس و حقوق ، محاکم یا سائر مراجع ذیربط طور کتبی شکایت کنند.
 ۲. ادارت مندرج فقره ی (۱) این ماده مکلف اند ، شکایت واصله را ثبت و مطابق احکام قانون آنرا رسیدگی نموده و وزارت امور زنان را طور کتبی مطلع سازند.
 ۳. وزارت امور زنان مکلف است بعد از کسب اطلاع کتبی یا شکایت مستقیم مجنی علیهای خشونت یا اقرارش جهت تأمین ارتباط با مجنی علیهای خشونت تدابیر لازم را اتخاذ و عملی نماید.
 ۴. خارنوالی و محکمه مکلف اند، قضیه ی خشونت را در اولویت قرار داده و به اسرع وقت رسیدگی نمایند.
 ۵. مسؤولین مندرج فقره ی (۱) این ماده مکلف اند حین رسیدگی شکایت واصله ، طرز العمل سلوکر خاص را که بدین منظور از طرف کمیسیون منع خشونت وضع میشود، رعایت نمایند.
- در این قانون های امور زنان، ارشاد حج و اوقاف، معارف، تحصیلات عالی، اطلاعات و فرهنگ، عدلیه و صحت عامه مکلف شده اند که به منظور تأمین حقوق زنان و جلوگیری از خشونت تدابیر وقایوی و حمایتی را اتخاذ کنند. مکلفیت های وزارت های فوق الذکر در مواد متعدد این قانون تصریح شده اند که جهت آگاهی باید به قانون متذکره مراجعه صورت گیرد.

فصل ششم

کنوانسیون رفع کلیه تبعیض علیه زنان

-دول عضو کنوانسیون حاضر، با عنایت به اینکه منشور ملل متحد برپایبندی به حقوق اساسی بشر، کرامت و ارزش هر فرد انسانی و برابری حقوق زن و مرد تأکید دارد.

با عنایت به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل قابل قبول نبودن تبعیض را تأیید نموده، اعلام می دارد که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حقوق یکسان بوده و بدون هیچگونه تمایزی، از جمله تمایزات مبتنی بر جنسیت، حق دارند از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه بهره مند شوند،

با عنایت به اینکه دول عضو میثاقهای بین المللی حقوق بشر متعهد به تضمین حقوق برابر زنان و مردان در بهره مندی از کلیه حقوق اساسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی می باشند،

با در نظر گرفتن کنوانسیونهای بین المللی که تحت نظر سازمان ملل متحد و سازمانهای تخصصی به منظور پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان منعقد گردیده اند،

همچنین با عنایت به قطعنامه ها، اعلامیه ها و توصیه هایی که توسط ملل متحد و سازمانهای تخصصی برای پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان تصویب شده است،

در عین حال، با نگرانی از اینکه به رغم این اسناد متعدد، تبعیضات علیه زنان همچنان به طور گسترده ادامه دارد،

با یادآوری اینکه تبعیض علیه زنان ناقض اصول برابری حقوق و احترام به کرامت انسانی است و مانع شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و نیز گسترش سعادت جامعه و خانواده شده و شکوفایی کامل قابلیت ها و استعداد های زنان در خدمت به کشور و بشریت را دشوارتر می نماید،

با نگرانی از اینکه در شرایط فقر و تنگدستی زنان از حداقل امکان دسترسی به مواد غذایی، بهداشت، تعلیم و تربیت و فرصتهای شغلی و سایر نیازها برخوردارند،

با اعتقاد بر اینکه تأسیس نظام نوین اقتصاد بین‌الملل براساس مساوات و عدالت در تحقق پیشبرد برابری بین مردان و زنان نقش مهمی را ایفاء می‌نماید،

با تأکید بر اینکه ریشه‌کن کردن آپارتاید، اشکال مختلف نژادپرستی، تبعیض نژادی، استعمار، استعمارنو، تجاوز، اشغال و سلطه و دخالت خارجی در امور داخلی دولتها مستلزم تحقق کامل حقوق مردان و زنان می‌باشد،

با تأیید بر اینکه تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی، تشنج‌زدایی بین‌المللی، همکاری‌های متقابل دول صرف نظر از نظام‌های اجتماعی و اقتصادی آنان، خلع سلاح کامل و عمومی و بویژه خلع سلاح اتمی تحت نظارت و کنترل دقیق و مؤثر بین‌المللی، تأکید بر اصول عدالت، مساوات و منافع متقابل در روابط بین کشورها و احقاق حق مردم تحت سلطه استعمار و بیگانه و اشغال خارجی به دستیابی به حق تعیین سرنوشت و استقلال و همچنین احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی باعث توسعه و پیشرفت اجتماعی خواهد شد و در نتیجه به دستیابی به مساوات کامل بین مردان و زنان کمک خواهد کرد،

با اعتقاد بر اینکه توسعه تمام و کمال یک کشور، رفاه جهانی و برقراری صلح مستلزم شرکت یکپارچه زنان در تمام زمینه‌ها در شرایط مساوی با مردان است،

با یادآوری سهم عمده زنان در تحقق رفاه خانواده و پیشرفت جامعه، که تا کنون کاملاً شناسایی نشده است، اهمیت اجتماعی مادری و نقش والدین در خانواده و در تربیت کودکان، و با آگاهی از اینکه نقش زنان در تولید مثل نباید اساس تبعیض قرار گیرد بلکه تربیت کودکان مستلزم تقسیم مسئولیت بین زن و مرد و جامعه به طور کلی می‌باشد،

با اطلاع از اینکه تغییر در نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده برای دستیابی به مساوات کامل میان زنان و مردان ضروری است،

با عزم بر اجرای اصول مندرج در اعلامیه محو تبعیض علیه زنان و در این راستا اتخاذ اقدامات ضروری برای از میان برداشتن این گونه تبعیض‌ها در اشکال و صور آن، بر مقررات زیر توافق کرده‌اند.

کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

- کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۹ یعنی حدود ۳۰ سال پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر، با رویکرد ویژه به مسائل زنان، در سازمان ملل متحد به تصویب رسید و تاکنون این کنوانسیون مورد توافق بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است.

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۹ یعنی حدود ۳۰ سال پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر، با رویکرد ویژه به مسائل زنان، در سازمان ملل متحد به تصویب رسید و تاکنون این کنوانسیون مورد توافق بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است.

بررسی دقیق و موشکافانه این کنوانسیون، تناقضاتی را در محتوای آن در مقایسه با دیگر اسناد بین‌المللی، از جمله، اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد نشان می‌دهد. دوگانگی میان بعضی از مواد کنوانسیون و اعلامیه جهانی حقوق بشر ضمن اینکه اعتبار این سند بین‌المللی را زیر سوال می‌برد، تاثیر فراوانی نیز در ایجاد سردرگمی در جامعه جهانی و اتخاذ سیاستهای ناهماهنگ در موضوعات زنان دارد. پیش از آنکه به چند مورد از این تناقضات اشاره شود لازم است به یک نکته مبنایی در تدوین کنوانسیون توجه کنیم.

کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با آنکه از ابتدا تا انتها، رفع تبعیض و برقراری تساوی میان زنان و مردان را نجات بخش زنان از ظلم و ستم معرفی می‌کند، اما اولین قدم در رفع نگاه نابرابر به زنان را با بیرون آمدن از زیر چتر اعلامیه جهانی حقوق بشر و تدوین کنوانسیون برداشته شده است. در حالیکه برابری زن و مرد ذیل نگاه تساوی نگرانه، در قالب توصیه‌ها و قوانینی برای زنان و مردان در کنار هم، عقلانی تر به نظر می‌رسد. در حقیقت تدوین مجموعه‌ای ویژه زنان ناشی از نگرش نابرابر به آنان است، در حالیکه در ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر با صراحت اعلام شده که تمایزی از حیث جنس میان افراد بشر در برخورداری از حقوق وجود ندارد

بخش اول

ماده اول: از نظر این کنوانسیون، عبارت: «تبعیض علیه زنان»، به معنی قائل شدن هر گونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادیهای اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، برپایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تأهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً، هدفش از بین بردن این وضعیت است

ماده دوم: دولتهای عضو، تبعیض علیه زنان را به هر شکل محکوم می‌نمایند و موافقت می‌نمایند بدون درنگ، به طرق مقتضی، سیاست رفع تبعیض علیه زنان را تعقیب نمایند و بدین منظور، بر امور زیر تعهد می‌نمایند.

الف: گنجاندن اصل مساوات زن و مرد در قانون اساسی یا دیگر قوانین متناسب داخلی خود، اگر تا کنون چنین کاری انجام نشده و حصول اطمینان از تحقق عملی این اصل، از طریق وضع قانون (منظور قوانین عادی لازم‌الاجراست) و طرق مناسب دیگر.

ب: اتخاذ تدابیر قانونی و غیره از جمله وضع ضمانت‌اجراهای مناسب به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان.

ج: حمایت قانون از حقوق زنان براساس تساوی با مردان و حصول تضمین و اطمینان از حمایت مؤثر زنان علیه هر نوع تبعیض، از طریق دادگاههای صالح ملی و دیگر مؤسسات عمومی.

د: خودداری از انجام هر گونه اقدام و عمل تبعیض‌آمیز علیه زنان و تضمین اینکه مقامات و مؤسسات عمومی بر طبق این تعهد عمل نمایند.

ه: اتخاذ هر گونه اقدام مناسب برای رفع تبعیض علیه زنان توسط هر فرد، سازمان یا مؤسسه

و: اتخاذ تدابیر لازم، از جمله تدابیر قانونگذاری، برای تغییر یا لغو قوانین، مقررات، عادات و عملکردهایی که نسبت به زنان تبعیض‌آمیز هستند.

ز: نسخ کلیه مقررات کیفری داخلی که تبعیض علیه زنان را در بردارند

ماده سوم: دولتهای عضو در همه زمینه‌ها، مخصوصاً در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تمام اقدامات لازم از جمله قانونگذاری را اعمال خواهند کرد، تا از توسعه و پیشرفت کامل زنان اطمینان حاصل کنند و در نتیجه، برخورداری زنان را از حقوق بشر و آزادیهای اساسی بر پایه تساوی با مردان تضمین کنند.

ماده چهارم: پذیرش تدابیر ویژه موقتی که به منظور تسریع برابری موقت میان مردان و زنان توسط دولتهای عضو صورت می‌گیرد نباید به عنوان تبعیض به نفع زنان آنچنان که در این کنوانسیون تعریف شده است تلقی گردد ولی به هیچوجه نباید منتج به حفظ استانداردهای جداگانه یا نامساوی بشود، این اقدامات و تدابیر هنگامی که اهداف برابری فرصتها و برخورد مساوی زنان با مردان حاصل شد متوقف خواهد گردید.

۲- همچنین اقدامات ویژه‌ای که توسط دولتهای عضو صورت می‌گیرد از جمله تدابیری که در این کنوانسیون وجود دارد و هدف آن حمایت از ایفای نقش مادری زنان است نباید تبعیض‌آمیز تلقی گردد.

ماده پنجم: دولتهای عضو، اقدامات مقتضی زیر را به عمل خواهند آورد...

الف: تغییر الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور دستیابی به برانداختن تعصبات، عادات و دیگر روشهای عملی که بر طرز تفکر پست‌نگری یا برتری‌بینی یک جنس نسبت به جنس دیگر یا نقش کلیشه‌ای زنان و مردان مبتنی است.

ب: حصول اطمینان از اینکه تعلیم و تربیت خانواده، شامل درک صحیح از مادری به عنوان یک وظیفه اجتماعی و شناسایی مسئولیت مشترک زن و مرد در تربیت و رشد کودکان می‌شود.

این امر را هم باید درک کرد که منافع کودکان در همه موارد از اولویت برخوردار است.

ماده ششم: دولت‌های عضو باید به هر نوع اقدام مقتضی از جمله وضع قانون دست بزنند تا از هر گونه معامله بر روی زنان و بهره‌برداری از فحشای آنها جلوگیری نمایند.

بخش دوم

ماده هفتم: دولتهای عضو کنوانسیون موظفاند اقدامات مقتضی برای رفع تبعیض علیه زنان در زندگی سیاسی و عمومی کشور، اتخاذ نموده و مخصوصاً اطمینان دهند که در شرایط مساوی با مردان، حقوق زیر را برای زنان تأمین کنند.

الف: حق رأی دادن در همه انتخابات و همه‌پرسی‌های عمومی و صلاحیت انتخاب شدن در همه ارگانهاییکه با انتخابات عمومی برگزیده می‌شوند.

ب: حق شرکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آنها و به عهده گرفتن پست‌های دولتی و انجام وظایف عمومی در تمام سطوح دولتی.

ج: حق شرکت در سازمانها و انجمن‌های غیردولتی مربوط به زندگی عمومی و سیاسی کشور.

ماده هشتم: دولت‌های عضو باید اقدامات مناسب و مقتضی برای اطمینان و تضمین این امر فراهم آورند که زنان در شرایط مساوی با مردان و بدون هیچگونه تبعیض بتوانند نمایندگی دولت خود را در سطح بین‌المللی احراز کنند و در کارهای سازمانهای بین‌المللی مشارکت داشته باشند.

ماده نهم: دولت‌های عضو، به زنان حقوق مساوی با مردان در زمینه کسب، تغییر و یا حفظ تابعیت می‌دهند، مخصوصاً دولت‌ها باید اطمینان دهند و تضمین کنند، که نه ازدواج زن با یک مرد خارجی و نه تغییر تابعیت شوهر در طی دوران ازدواج، خودبخود، موجب تغییر تابعیت زن، بی‌تابعیت شدن او یا تحمیل تابعیت شوهر بر او نمی‌شوند.

۲- دولت‌های متعاقد باید در رابطه با تابعیت کودکان به زن، حق مساوی با مرد اعطاء کنند.

بخش سوم

ماده دهم: دولت‌های عضو تمام اقدامات لازم برای رفع هر گونه تبعیض علیه زنان و تضمین حقوق مساوی آنان با مردان در زمینه آموزش مخصوصاً در موارد زیر را اتخاذ می‌نمایند.

الف: شرایط مساوی برای هدایت شغلی و حرفه‌ای، دسترسی به تحصیل، اخذ مدرک از مؤسسات آموزشی در همه سطوح مختلف در مناطق روستایی و شهری، این تساوی باید شامل دوره‌های پیش‌دبستانی آموزش عمومی، فنی، حرفه‌ای و آموزش عالی فنی و نیز هر شیوه دیگر کارآموزی شغلی بشود.

ب: امکان دسترسی به برنامه درسی، آزمونها، کادر آموزشی، اماکن تحصیلی و تجهیزات آموزشی که در همه آنها از کیفیت و معیارهای مساوی با مردان برخوردار باشد.

ج: محو هر نوع مفهوم تقلیدی و کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در تمام سطوح و تمام اشکال مختلف آموزشی با تشویق آموزش مختلط پسر و دختر و دیگر انواع روشهای آموزشی که دستیابی به این هدف را ممکن سازد مخصوصاً با تجدیدنظر در متون کتب درسی و برنامه‌های مدارس و تعدیل و تطبیق روشهای آموزشی.

د: اعطای فرصت یکسان برای استفاده از بورسها و دیگر مزایای تحصیلی.

ه: فرصتهای یکسان برای دستیابی به برنامه‌های تداوم آموزش، از جمله برنامه‌های عملی سوادآموزی بزرگسالان و حرفه‌ای مخصوصاً برنامه‌هایی که هدف آنها کاهش هر چه سریعتر فاصله آموزشی موجود بین زنان و مردان است.

و: کاهش تعداد دختران دانش‌آموزی که ترک تحصیل می‌کنند و برنامه‌ریزی برای زنان و دخترانی که قبلاً ترک تحصیل کرده‌اند.

ز: دادن فرصت مناسب به زنان برای شرکت فعال در ورزش و تربیت بدنی.

ح: دسترسی به آموزشهای خاص تربیتی که سلامتی و تندرستی خانواده را تضمین می‌نماید و از جمله اطلاعات و مشورتهای مربوط به تنظیم خانواده.

ماده یازدهم:

۱- دولت‌های عضو باید اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال انجام دهند و اطمینان دهند که بر مبنای تساوی مردان و زنان، حقوق یکسان مخصوصاً در موارد زیر برای زنان رعایت می‌شود.

الف: حق کار(اشتغال) به عنوان یک حق لاینفک حقوق انسانی.

ب: حق امکانات شغلی یکسان، از جمله اجرای ضوابط یکسان در مورد انتخاب شغل.

ج: حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل، حق ارتقای مقام، برخورداری از امنیت شغلی و تمام امتیازات و شرایط خدمتی و حق استفاده از دوره‌های آموزشی حرفه‌ای و بازآموزی از جمله کارآموزی و شرکت در دوره‌های آموزشی و شرکت در دوره‌های آموزشی پیشرفته و آموزشی مرحله‌ای.

د: حق دریافت مزد مساوی، استفاده از مزایا و برخورداری از رفتار مساوی در مشاغل و کارهایی که ارزش یکسان دارند همچنین رفتار مساوی در ارزیابی کیفیت کار.

ه: حق برخورداری از تأمین اجتماعی مخصوصاً در موارد بازنشستگی، بیکاری، بیماری، دوران ناتوانی و پیری و سایر موارد از

کارافتادگی. هم چنین حق استفاده از مرخصی استحقاقی (با دریافت حقوق)

و: حق برخورداری از بهداشت و ایمنی شرایط کار از جمله برخورداری از ایمنی و سلامتی برای تولید مثل.

۲- به منظور جلوگیری از تبعیض علیه زنان به دلیل ازدواج، یا بارداری و تضمین حق مسلم آنان برای کار، دولتهای عضو اقدامات مناسب ذیل را معمول خواهند داشت.

الف: ممنوعیت اخراج به خاطر حاملگی یا مرخصی زایمان و اعمال تبعیض در اخراج به لحاظ وضعیت زناشویی با برقراری ضمانت اجرا برای تخلف از این امر.

ب: دادن مرخصی دوران زایمان با پرداخت حقوق با مزایای اجتماعی مناسب بدون از دست رفتن شغل، سمت یا مزایای اجتماعی.

ج: تشویق و حمایت لازم برای ارائه خدمات اجتماعی به نحوی که والدین را قادر سازد تا تعهدات خانوادگی را با مسئولیت‌های شغلی هماهنگ سازند و در زندگی عمومی شرکت جویند، مخصوصاً از طریق تشویق به تأسیس و توسعه تسهیلات مراقبت از کودکان.

د: حمایت ویژه از زنان در دوران بارداری در مشاغلی که ثابت شده برای آنها زیان‌آور است.

۳- قوانین حمایتی در رابطه با موضوعات مطروحه در این ماده باید متناوباً در پرتو پیشرفت‌های علمی و تکنیکی مورد بازنگری قرار گیرند و در صورت ضرورت، اصلاح و نسخ یا تمدید شوند.

ماده دوازدهم: دولتهای عضو باید اقدامات لازم را برای محو تبعیض علیه زنان در زمینه مراقبت‌های بهداشتی به عمل آورند و براساس تساوی بین زن و مرد دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله خدمات بهداشتی مربوط به تنظیم خانواده را تضمین نمایند.

۲- دولتهای عضو، علاوه بر مقررات بند یک ماده خدمات لازم را برای زنان در دوران بارداری، زایمان و دوران پس از زایمان تأمین نموده و در صورت لزوم خدمات رایگان در اختیار آنها قرار خواهند داد و همچنین در دوران بارداری و شیردادن، تغذیه کافی به آنها خواهند رساند.

ماده سیزدهم: دولتهای عضو باید اقدامات مقتضی برای محو تبعیض علیه زنان در دیگر زمینه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی به عمل آورند و بر مبنای تساوی زن و مرد حقوق یکسان را برای آنها مخصوصاً در موارد زیر تأمین نمایند.

الف: حق استفاده از مزایای خانوادگی.

ب: حق استفاده از وام‌های بانکی، رهن و دیگر اعتبارات بانکی.

ج: حق شرکت در فعالیتهای تفریحی، ورزشی و کلیه جنبه‌های زندگی فرهنگی.

ماده چهاردهم: دول عضو مشکلات خاص زنان روستایی را مدنظر قرار داده و به نقش مهمی که این زنان در جهت حیات اقتصادی خانواده‌های خود از جمله کار در بخش‌های غیرمالی اقتصادی به عهده دارند، توجه خاص مبذول خواهند داشت و کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا مفاد کنوانسیون نسبت به زنان در مناطق روستایی اجرا گردد.

۲- دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را جهت رفع تبعیض از زنان در مناطق روستایی به عمل خواهند آورد تا این زنان براساس تساوی مردان و زنان در برنامه‌های توسعه روستایی شرکت نموده و از آن بهره‌مند گردند و بخصوص از حقوق زیر برخوردار شوند.

الف: شرکت در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه در کلیه سطوح.

ب: دسترسی به تسهیلات بهداشتی کافی از جمله اطلاعات، مشاوره و خدمات تنظیم خانواده.

ج: استفاده مستقیم از برنامه‌های تأمین اجتماعی.

د: استفاده از انواع دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی از جمله سوادآموزی عملی و نیز بهره‌مندی از خدمات محلی و فوق‌العاده به منظور بالا بردن کارایی فنی آنان.

ه: تشکیل گروه‌ها و تعاونی‌های خودیاری به منظور بدست آوردن امکان دستیابی مساوی به فرصت‌های اقتصادی از طریق اشتغال یا خوداشتغالی.

و: شرکت در کلیه فعالیتهای محلی.

ز: دسترسی به وام‌ها و اعتبارات کشاورزی، تسهیلات بازاریابی، تکنولوژی مناسب و استفاده یکسان از زمین و برخورداری از رفتار مساوی در چارچوب اصلاحات ارضی و روستایی و نیز در برنامه‌های جایگزینی زمین.

ح: بهره‌مندی از شرایط زندگی مناسب، بویژه مسکن، بهداشت، آب و برق، ارتباطات و حمل و نقل.

بخش چهارم

ماده پانزدهم:

- ۱- دولت های عضو، تساوی زنان را با مردان در برابر قانون می پذیرند.
- ۲- دولتهای عضو، در امور مدنی، همان اهلیت قانونی را که مردان دارند به زنان داده و امکانات مساوی برای اجرای این اهلیت را در اختیار آنها قرار می دهند. مخصوصاً دولتهای عضو به زنان حقوق مساوی با مردان را در انعقاد قرارداد و اداره اموال می دهند و در تمام مراحل دادرسی در دادگاهها و محاکم با آنها رفتار یکسان خواهند داشت.
- ۳- دولتهای عضو قبول می کنند که هر گونه قرار داد یا اسناد خصوصی دیگر از هر نوع که به منظور محدود کردن صلاحیت قانونی زنان تنظیم شده باشد باطل و بلا اثر تلقی می شود.
- ۴- دولتهای عضو می پذیرند که در رابطه با قانون رفت و آمد اشخاص و انتخاب مسکن و محل اقامت، زن و مرد از حق مساوی برخوردار باشند.

ماده شانزدهم:

- ۱- دولتهای عضو باید اقدامات لازم را برای رفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی به عمل آورند و مخصوصاً برپایه تساوی حقوق مرد و زن امور زیر را تضمین کنند.
الف: حق یکسان برای انعقاد ازدواج
ب: حق یکسان برای انتخاب آزادانه همسر و انعقاد ازدواج براساس رضایت آزاد و کامل طرفین.
ج- حقوق و مسئولیت های یکسان در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن
د: حقوق و مسئولیت های یکسان به عنوان والدین، قطع نظر از وضعیت زناشویی آنها، در موضوعات مربوط به فرزندان، در تمام موارد، منافع کودکان در اولویت است.
ه: حقوق مساوی برای تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه در زمینه تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و- دسترسی به اطلاعات، آموزش، و وسایلی که آنها را برای اعمال این حقوق قادر سازند.
و: حقوق و مسئولیت یکسان در رابطه با ولایت، حضانت، قیومت کودکان و فرزندخواندگی یا هر گونه عناوین و مفاهیم مشابهی که در قوانین داخلی وجود دارد. در تمام موارد، منافع کودکان در اولویت است.
ز: حقوق شخصی یکسان به عنوان شوهر و زن از جمله حق انتخاب نام خانوادگی، حرفه و شغل.
ح: حقوق یکسان برای هر یک از زوجین در رابطه با مالکیت، اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهره برداری و در اختیار داشتن اموال خواه مجانی و یا با داشتن هزینه.
۲- نامزد کردن و تزویج کودکان، قانوناً بلا اثر خواهد بود و هر گونه اقدام لازم، از جمله وضع قانون جهت تعیین حداقل سن برای ازدواج و ثبت اجباری ازدواج در یک دفتر رسمی باید اتخاذ شود.

بخش پنجم

ماده هفدهم:

- ۱- به منظور بررسی پیشرفت حاصله در اجرای مفاد این کنوانسیون کمیته محو تبعیض علیه زنان (که من بعد از آن به عنوان کمیته یاد خواهد شد) شامل هجده نفر در زمان لازم الاجرا شدن و پس از تصویب یا پیوستن سی و پنجمین کشور عضو بیست و سه نفر از خبرگان دارای شهرت اخلاقی والا و صلاحیت در زمینه ای مربوط به کنوانسیون تشکیل می شود. این خبرگان توسط دول عضو از میان اتباع کشورهایشان انتخاب می شوند و در صلاحیت شخصی خود خدمت می کنند. در انتخاب این اشخاص به توزیع عادلانه جغرافیایی و به حضور اشکال مختلف تمدن و نظامهای عمده حقوقی توجه می شود.
- ۲- اعضای کمیته با رأی مخفی و از فهرست افرادی که توسط دول عضو نامزد شده اند انتخاب می شوند، هر دولت عضو می تواند یک نفر از اتباع خود را نامزد نماید.
- ۳- نخستین انتخابات شش ماه پس از لازم الاجرا شدن این کنوانسیون برگزار خواهد شد. حداقل سه ماه قبل از تاریخ هر انتخابات دبیرکل ملل متحد طی نامه ای از دول عضو می خواهد تا ظرف دو ماه نامزدهای خود را معرفی کنند. دبیرکل فهرست اسامی نامزدها را به ترتیب حروف الفبا و با ذکر کشور نامزد کننده هر یک، تهیه و برای دول عضو ارسال خواهد داشت.
- ۴- انتخاب اعضای کمیته در جلسه دول عضو که توسط دبیرکل در مقر ملل متحد برگزار خواهد شد، انجام می شود. در این جلسه،

که حد نصاب تشکیل آن حضور دو سوم دول عضو می‌باشد، اشخاص انتخاب شده برای عضویت در کمیته آن دسته از نامزدهایی خواهند بود که بیشترین تعداد آراء و همزمان اکثریت مطلق آراء نمایندگان دول عضو حاضر و رأی دهنده در جلسه را به دست آورند.

۵- اعضای کمیته برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند. لکن دوره عضویت ۹ نفر از اعضای منتخب در اولین انتخابات در پایان دو سال به اتمام می‌رسد. بلافاصله پس از اولین انتخابات اسامی این ۹ عضو به قید قرعه توسط رئیس کمیته انتخاب خواهد شد.

۶- انتخاب ۵ عضو دیگر کمیته مطابق با بندهای ۲، ۳ و ۴ این ماده و به دنبال سی و پنجمین تصویب یا الحاق صورت خواهد گرفت. دوره عضویت دو نفر از اعضای فوق در پایان دو سال خاتمه خواهد یافت و اسامی این دو نفر به قید قرعه توسط رئیس کمیته انتخاب خواهد شد.

۷- به منظور اشغال پست‌های خالی احتمالی، دولتی که فعالیت کارشناس‌اش به عنوان عضو کمیته متوقف شده است، کارشناس دیگری را از بین اتباع خود برای عضویت در کمیته مشروط به تأیید انتخاب خواهد کرد.

۸- اعضای کمیته با تأیید مجمع عمومی و بر طبق ضوابط و شرایطی که آن مجمع مقرر می‌دارد و با در نظر گرفتن اهمیت مسئولیت‌های کمیته از سازمان ملل متحد مقررری دریافت خواهند کرد.

۹- دبیرکل ملل متحد تسهیلات و کارمندان لازم را به منظور تحقق و انجام مؤثر وظایف کمیته در چارچوب این کنوانسیون تأمین خواهد نمود.

ماده هزدهم:

۱- دول عضو متعهد می‌شوند گزارشی برای بررسی کمیته در مورد اقدامات تقنینی، قضایی و اجرایی و سایر اقدامات متخذه در راستای اجرای مفاد این کنوانسیون و پیشرفتهای حاصله در این رابطه به دبیرکل ملل متحد ارائه کنند.

الف: یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون برای آن دولت.

ب: پس از آن حداقل هر چهار سال یکبار و علاوه بر آن هر زمانی که کمیته درخواست کند.

۲- این گزارشها می‌تواند مبین عوامل و مشکلاتی که بر میزان اجرای تعهدات تحت این کنوانسیون اثر می‌گذارد باشد.

ماده نوزدهم:

۱- کمیته آیین‌نامه اجرایی خود را تصویب خواهد نمود.

۲- کمیته مسئولان خود را برای یک دوره دو ساله انتخاب خواهد کرد.

ماده بیستم:

۱- کمیته به منظور بررسی گزارش‌هایی که مطابق با ماده ۱۸ این کنوانسیون ارائه شده هر ساله به مدتی که از دو هفته تجاوز نکند تشکیل جلسه می‌دهد.

۲- جلسات کمیته معمولاً در مقر سازمان ملل متحد یا در هر محل مناسب دیگری که به تصمیم کمیته تعیین می‌شود برگزار خواهد شد.

ماده بیست و یک:

۱- کمیته همه ساله از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی گزارشی در مورد فعالیت‌های خود به مجمع عمومی تسلیم می‌نماید و می‌تواند براساس گزارشها و اطلاعات واصله از دول عضو پیشنهادات و توصیه‌های کلی ارائه دهد. این پیشنهادات و توصیه‌های کلی همراه با نظرات احتمالی دول عضو در گزارش کمیته درج می‌گردد.

۲- دبیرکل ملل متحد گزارشهای کمیته را جهت اطلاع به کمیسیون مقام زن ارسال می‌نماید.

ماده بیست و دو: مؤسسات تخصصی مجاز خواهند بود که از طریق نمایندگانشان اجرای موادی از کنوانسیون حاضر را که در حوزه فعالیت‌های آنها جای می‌گیرند مورد بررسی قرار دهند.

کمیته ممکن است از مؤسسات تخصصی دعوت کند تا گزارشهایی درباره نحوه اجرای کنوانسیون در زمینه‌هایی که به حوزه فعالیت آنها مربوط می‌شود ارائه نمایند.

بخش هشتم

ماده بیست و سه: هیچ‌چیز در این کنوانسیون بر مقرراتی که برای دستیابی زنان و مردان به برابری مفیدتر و مؤثرتر وجود دارد تأثیر نخواهد گذاشت، این مقررات می‌تواند شامل موارد زیر باشد.

الف: قوانین یک دولت عضو،

ب: هر کنوانسیون، پیمان یا موافقت نامه بین‌المللی دیگری که برای آن دولت لازم‌الاجرا است.

ماده بیست و چهار: دول عضو متعهد می‌گردند کلیه اقدامات لازم در سطح ملی را که هدف از آن تحقق کامل حقوق به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون می‌باشد، به عمل آورند.

ماده بیست و پنج:

۱- این کنوانسیون برای امضای کلیه دول مفتوح می‌باشد.

۲- دبیرکل ملل متحد به عنوان امین این کنوانسیون تعیین می‌شود.

۳- تصویب این کنوانسیون منوط به طی مراحل تصویب قانونی است. اسناد تصویب نزد دبیرکل ملل متحد به امانت گذارده خواهد شد.

۴- این کنوانسیون جهت الحاق دول مفتوح می‌باشد. الحاق با سپردن سند الحاق به دبیرکل ملل متحد محقق می‌شود.

ماده بیست و شش:

۱- دول عضو می‌توانند در هر زمان طی نامه‌ای خطاب به دبیرکل ملل متحد درخواست تجدید نظر در این کنوانسیون را نمایند.

۲- مجمع عمومی ملل متحد در مورد اقدامات احتمالی بعدی در مورد چنین درخواستی تصمیم خواهد گرفت.

ماده بیست و هفت:

۱- این کنوانسیون سی روز پس از تاریخی که بیستمین سند تصویب یا الحاق آن نزد دبیرکل ملل متحد به امانت گذارده شد، لازم‌الاجرا می‌گردد.

۲- پس از به ودیعه سپردن بیستمین سند تصویب یا الحاق، برای هر دولتی که این کنوانسیون را تصویب می‌کند یا به آن ملحق می‌گردد، کنوانسیون مذکور از سی‌امین روز تاریخی که سند تصویب یا الحاق آن به دولت به امانت گذارده شده لازم‌الاجرا می‌گردد.

ماده بیست و هشت:

۱- دبیرکل ملل متحد متن تحفظ کشورها، در هنگام تصویب یا الحاق را دریافت نموده و آن را میان کلیه دول توزیع می‌نماید.

۲- تحفظاتی که با هدف و منظور این کنوانسیون سازگار نباشد مجاز نخواهد بود.

۳- تحفظات از طریق تسلیم یادداشتی به دبیرکل ملل متحد در هر زمان قابل پس گرفتن است. نامبرده همه دولت‌ها را از این موضوع مطلع خواهد کرد. لغو تحفظ از روزی که یادداشت دریافت شود معتبر است.

ماده بیست و نو:

۱- هر گونه اختلاف در تفسیر یا اجرای این کنوانسیون بین دو یا چند دولت عضو که از طریق مذاکره حل نگردد بنا به تقاضای یکی از طرفین به داوری ارجاع می‌گردد. چنانچه ظرف شش ماه از تاریخ درخواست داوری، طرفین در مورد نحوه و تشکیلات داوری به توافق نرسند، یکی از طرفین می‌تواند خواستار ارجاع موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری مطابق با اساسنامه دیوان گردد.

۲- هر دولت عضو می‌تواند به هنگام امضاء یا تصویب این کنوانسیون یا الحاق به آن اعلام کند که خود را موظف به اجرای بند یک ماده نمی‌داند. دول عضو دیگر در قبال دولتی که به بند یک این ماده اعلام تحفظ نموده است، ملزم به اجرای بند یک نمی‌باشند.

۳- هر دولت عضوی که بر طبق بند ۲ این ماده اعلام تحفظ نموده باشد می‌تواند در هر زمان از تحفظ خود از طریق اعلام رسمی به دبیرکل ملل متحد صرف نظر نماید.

ماده سیهم: این کنوانسیون که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیولی آن دارای اعتبار یکسان می‌باشند، نزد دبیرکل ملل متحد به امانت گذارده می‌شود.

فصل هفتم

خشونت های فامیلی در افغانستان

خشونت فامیلی در افغانستان مشکلات بزرگ اکثریت فامیلی ها را تشکیل میدهد طوریکه دیده میشود تاثیرات منفی خشونت های فامیلی بالای جامعه افغانی نیز سایه افکنده است که در خور نگرانی عمیق میباشد.

خشونت چیست؟

خشونت عبارت از عمل و عکس العمل زشت و غیر قابل قبول است که توسط یک شخص در مقابل شخص دیگر به منظور عقده

کشایی های شخصی و ثابت ساختن سلطه خود بالای طرف مقابل اجرا میشود. خشونت به یک سلسله اعمال و رفتار مغایر با کرامت انسانی، گفته میشود که آرامش روحی شخص را سلب نموده و او را دچار ترس، وحشت، اضطراب و پریشانی ساخته به جسم و روان او آسیب میرساند.

خشونت از انجام اعمال وحشیانه و ضد انسانی، آزادی، اختیار، شخصیت و حیثیت انسان را چه از حیث فیزیکی و چه از نظر روانی، جریحه دار میسازد. اگر این اعمال وحشیانه و ضد انسانی در محیط خانواده توسط اعضای فامیل بالای یکدیگر تحمیل گردد، به آن خشونت فامیلی گفته میشود.

خشونت های فامیلی خشونتی است که از ناحیه شوهر و یا خشونت کننده بالای زن و یا شخص خشونت شونده در محیط خانواده میشود.

متأسفانه که عده از مردان و زنان در جامعه ما نا خودآگاه مرتکب خشونت فامیلی میشوند، بدون آنکه از پیامد های منفی روحی، جسمی و اجتماعی آن باخبر باشند.

خشونت میتواند با الفاظ و کلمات تهدید کننده و یا اعمال و حرکات فیزیکی و احساساتی مانند لت و کوب توام با خشم از جانب افراد خشن صورت میگیرد. چگونگی حالات خشونت در اشخاص متفاوت بوده و ممکن است بروز خشونت در نزد بعضی افراد با شکستن ظروف، تهدید اطفال و یا سایر اعضای فامیل صورت گیرد اما در نزد بعضی اشخاص دیگر به شکل شدید و متفاوت این عمل صورت میگیرد، که خاطی به اعمال چون ضرب و جرح، قتل و طلاق مرتکب میگردد.

شخص خشونت کننده همیشه بخاطر اشباع غریزه خشن خود می کوشد دیگران را مورد ملامت و خود را با اعمال خشونت آمیز خود حق به جانب جلوه داده و نظر خود را بالای دیگران تحمیل نماید.

انواع خشونت های فامیلی:

- خشونت فیزیکی
- خشونت جنسی
- خشونت روانی
- خشونت معنوی
- خشونت فرهنگی
- خشونت اجتماعی
- خشونت اقتصادی

خشونت فیزیکی:

خشونت فیزیکی به آن خشونت اطلاق میگردد که به اثر آن ضرب و جرح بوجود آمده و در مواردی هم منجر به قتل متضرر می گردد. این نوع خشونت در اثر لت و کوب توسط دست، پا، سنگ و چوب، قمچین، زنجیر زولانه، به چیزی بستن و یا وادار کردن به کار اجباری و غیره موارد اذیت و آزار جسمی از طرف شخص خشونت کننده بالای شخص متضرر و خشونت شونده اجرا میگردد.

خشونت جنسی:

خشونت جنسی آن است که شخص خشن میخواهد از طریق زور و خشن و بدون میل جانب مقابل از متضرر استمتاع جنسی نموده و متضرر را به انواع مختلف اعمال جنسی توهین، تحقیر، اذیت، و آزار دهد.

خشونت روانی:

خشونت روانی عبارت است از به اضطراب در آوردن روان شخص متضرر با انواع مختلف توهین و تحقیر کردن آن مانند: چیغ زدن، تهدید کردن، فحش دادن، دشنام دادن با چهره خشن رفتار کردن، پست شمردن شخصیت جانب مقابل (متضرر را خورد شمردن) تهمت زدن، طعنه دادن، خورده گرفتن از کارها و غیره مواردیکه ره شخصیت متضرر آسیب برساند.

خشونت معنوی:

خشونت معنوی آن است که شخص خشن با استفاده از رفتار خشن خود متضرر را مجبور به تغییر جهت عقیده و افکار خود بسازد. در بسا موارد خشونت کننده می خواهد که متضرر از مذهب و دینش هم به جبر و اکراه برگردد. خشونت کننده مبضر را از اشتراک در مراسم دینی و مذهبی اش و یا اشتراک در محافل علمی باز میدارد.

خشونت فرهنگی:

خشونت فرهنگی آن است که خشونت کننده می‌خواهد متضرر را از اشتراک در مراسم دینی، مذهبی، تعلیمی، و تربیتی باز دارد. خشونت کننده هیچ گاهی حاضر نیست که شخص متضرر در مراسم عروسی اقارب و خویشاوندان اشتراک نماید. به انواع مختلف متضرر را مایوس و بیچاره می‌سازد که بدترین نوع خشونت است، زیرا قطع صلّه رحم باعث حرمان شخص از داخل شدن به جنت می‌گردد که اسلام برای چنین شخص بدترین مجازات را تعیین نموده است.

خشونت اجتماعی:

خشونت اجتماعی آن است که شخص خشونت کننده آزادی اجتماعی متضرر را به هر نوع که باشد صلب نماید مانند خانه نشین کردن زن، محروم ساختن از دیدار دوستان و خویشاوندان، منع کردن از کار، منع کردن از تحصیل، مجبور ساختن از به کارهای اجباری از قبیل ازدواج‌های قبل از وقت، ازدواج‌های اجباری به طور کل در انحصار در آوردن زندگی اجتماعی متضرر توسط شخص خشن به هر شکل که ممکن باشد.

خشونت اقتصادی:

خشونت اقتصادی آن است که شخص خشونت گر تمام مالکیت و درآمد شخص متضرر را در قبضه خود درآورده که شامل انواع مختلف خشونت میشود.

مثلاً: حق مهر عروسی را نپرداختن، معاش و درآمد متضرر را بزور تحت تصرف در آوردن، متضرر را از دست رسی به اموال محروم ساختن، برآورده نساختن نیاز متضرر در صورتیکه به پول نیاز داشته باشد، محدود ساختن البسه، طعام با مسکن و غیره موارد خشونت

قربانیان اصلی خشونت‌های فامیلی کی‌ها اند؟

قربانیان اصلی خشونت‌های فامیلی اکثراً زنان و اطفال می‌باشند و بعضاً هم نوجوانان و مردان کهن سال قربانی خشونت‌های فامیلی می‌گردند. دختران که به بد داده میشوند، کودکان که به ازدواج داده میشوند، جوانان و نوجوانانیکه از طرف فامیل‌های شان محصور و محدود شده و از خود قوه اراده و توان اظهار عقیده خود را ندارند به جبر واکراه به بد داده میشوند، همچنان پیره مردان و پیره زنان که از طرف اولاد‌های بی مروت شان بجای احترام توهین و تحقیر می‌گردند، و زندگی شباروزی تلخی را می‌گذرانند همه این افراد اشخاص هستند که به نحو از آنجا قربانی خشونت گردیده و متضرر واقع میشوند. به طور مثال خودسوزی زنان در مرکز و ولایات در اثر خشونت‌های فامیلی گواه این مدعای ما است. همچنان به ارث بردن زنان بیوه که بعد از فوت شوهر رانشان به جز اقارب شوهر کسی دیگری را به عنوان همسر انتخاب کرده نمیتوانند و مادام العمر در خانه اقارب شوهر فوت شده باقی میمانند که اکثراً آنها قربانی اصلی خشونت‌های فامیلی حساب می‌گردند.

خشونت‌های فامیلی در جامعه چه اثرات را بجا خواهد گذاشت؟

خشونت‌های فامیلی در یک کلام بر جامعه قربانی تقدیم میکند خشونت‌های فامیلی باعث از هم گسیخته شدن فامیل گردیده و بعضاً منجر به طلاق زن و یا تفریق بین زوجین می‌گردد. خشونت، فرزندان خورده‌ساز را که هر لحظه به لطف، عطوفت و مهربانی پدر و مادر ضرورت دارند بی سرپرست ساخته و آنها را به کام نابودی میرد. خشونت‌های فامیلی در جامعه اثرات منفی را بار آورده باعث کینه او عقده افراد گردیده و این افراد در روابط اجتماعی شان نیز با خشونت رفتار میکنند. خشونت فامیلی افراد زیادی را بار دوش جامعه ساخته آنان را به سوی استعمال مواد مخدر، ارتکاب سرقت و ده‌ها جرایم دیگر سوق میدهد که خود برای جامعه مشکل ساز است.

در حال حاضر تحقیقات نشان میدهد که در مرکز و ولایات کشور صدها تن مخصوصاً زنان خود را می‌سوزانند که علت اصلی این خود سوزی‌ها به نحو خشونت‌های فامیلی قلمداد می‌گردد. که وقوع این حوادث بالای و ریحیه افراد اجتماع اثرات منفی خود را بجا می‌گذارد.

عوامل خشونت‌های فامیلی کدام‌ها اند؟

عوامل خشونت‌های فامیلی نسبت به هر فامیل متفاوت و متعدد بوده میتواند، به این اساس گفته میتوانم که عمده ترین عامل که باعث خشونت‌های فامیلی می‌گردد قرار ذیل است.

مصاب بودن شخص به امراض روانی:

هرگاه شخص مصاب به امراض روانی باشد به بهانه های مختلف دست به خشونت میزند.

عدم اعتماد بین فامیل مخصوصاً زن و شوهر:

طوریکه هر لحظه شوهر حرکات زن را کنترل نموده سولات بیجا نماید که با کی نشستی و کجا بودی وغیره. بعضاً زن و شوهر ویا دیگر اعضای فامیل بالای یکدیگر خود بدگمان میباشند ودر تمام دوران زندگی یکدیگر خود را تعقیب مینمایند که این حرکات باعث بروز خشونت های فامیلی میگردد.

تعدد زوجات:

عدم توانایی تامین عدالت مادی ومعنوی بین همسران چندگانه خود باعث خشونت در فامیل میگردد.

ازدواج های اجباری:

هرگاه بین زن و شوهر توازن روحی وتوافق روانی وجود داشته باشد زندگی شان به جارو جنجال تبدیل شده و باعث خشونت فامیلی میگردد.

ازدواج های قبل از وقت:

گاهی اوقات پسر ودختر خورد سن را به عقد نکاح درمیآورند، دختر و پسر که به سن بلوغ میرسند یکی ویا هر دوی آنها عدم توافق خود رانشان میدهند که باعث خشونت میگردد. زیرا نظر به عرف نا پسند جامعه طرفین حاضر نمیشوند که ازدواج را منحل کنند بنا با دل ناخواسته با زندگی رقت بارایکه هر لحظه با خشونت همراه میباشد ادامه میدهند.

مداخله بیرونی در فامیل:

در بین فامیل گاهی اوقات مداخله اقارب زوجین، زندگی زن و شوهر را برهم زده وباعث جاروجنجال فامیلی شده که منجر به خشونت فامیلی میگردد.

بیکاری وفقر اقتصادی:

هرگاه فقر وبیکاری در خانواده سایه افگند، بعضاً باعث خشونت میگردد با گفتن زن شوهر را که چرا کار نمیکنی ، شوهر بدون تحمل به لت وکوب آغاز میکند.

عدم احترام به حق ملکیت زن :

محروم ساختن زن از ملکیتش خشونت را در فامیل بوجود میآورد. در افغانستان اکثراً زن ها از گرفتن میراث، حق مهریه وغیره حقوق مالی محروم هستند، که این محرومیت ها نیز یکی از عوامل خشونت شده میتواند.

تفاوت سنی بین زن وشوهر:

گاهی اوقات تفاوت سن زن وشوهر، باعث عدم درک یکدیگر میگردد زیرا تفاوت سن تفاوت روحیه، نظر و تجربه را نیز در پی دارد که هرگاه طرفین از این لحاظ باهم سازگاری نداشته باشند، این مسله باعث بروز خشونت فامیلی میگردد

استبداد پیشه گی اعضای فامیل:

عدم مشوره وخودکامگی اعضای فامیل ، مثلاً مردانیکه زن زا منحهیت یک ابراز فکر کرده و اکثراً برعلیه زنان دست به خشونت میزنند. زنان میخواهند که در همه عرصه های زندگی با شوهر سهیم باشند، ولی مردان نه تنها به این خاسته های زنان شان صحه نمیگذارند بلکه با خشونت به آنها جواب رد میدهند، که این عمل آنها باعث عکس العمل منفی زن شده و خشونت فامیلی آغاز میشود.

ازدیاد اولاد بدون در نظر داشت مدت وزمان مناسب بین آنها:

ازدیاد زاد و ولد نامتناسب هم یکی از علل خشونت میباشد. زیرا عدم توانایی رسیدگی به تعلیم وتربیه ، صحت و غیره امور مربوط به اطفال منجر به بروز خشونت فامیلی میگردد.

سطح پایین آگاهی عامه:

به هر اندازه که سطح آگاهی در یک جامعه پایین باشد به همان اندازه افراد در فامیل و جامعه آگاهانه و یا نا آگاهانه به خشونت متصل میشوند.

ساختار سالم از گانه‌های تطبیق کننده قانون:

اگر ارگانه‌های تطبیق کننده قانون رفتار درست نداشته باشند، نمیتوانند که اشخاص خشونت کننده را به پنجه قانون بکشاند. بناً افراد خشن بدون ترس و هراس از پیگرد قانونی دست به خشونت میزنند. هرگاه شخص خشن مطمئن باشد به پنجه قانون سپرده نمیشود بیشتر به خشونت تشویق میگردد.

بی خبری از قانون:

معمولاً اشخاص متضرر که از حقوق خود خبر ندارند در برابر خشونت صبر و تحمل میکنند و از جانب دیگر هم خشونت کننده از پیامدهای کار خود بیخبر است دست به خشونت میزنند.

جهالت: جهالت نیز یکی از عامل خشونت های فامیلی است. با وجودیکه قانون اساسی، قانون نافذ کشور، حقوق بشر، استندردهای بین المللی و شریعت اسلام انواع و اشکال خشونت را ممنوع قرار داده و جهت از بین بردن خشونت حقوق و وجایبی را برای زن و شوهر و اعضای فامیل تصریح نموده و آنها را به رعایت آن مکلف میداند.

اما با آنهم خشونت فامیلی در افغانستان وجود داشته و خشونت های فامیلی قربانیان زیادی را از خود بجا میگذارد. قسمیکه همه میدانیم علیه زنان انواع مختلف خشونت موجود بوده، لت و کوب زنان و اطفال توسط اشخاص خشونت گر ادامه داشته و آنان را از حقوق حقه شان محروم ساخته اند.

اگر تعمق کنیم ریشه و منبع بسیار از خشونت هارا در موارد لیست شده فوق بازیابی مینمایم.

بنابراین د شرایط فعلی افغانستان ایجاب مینماید که یک مبارزه جدی و سراسری علیه از بین بردن انواع خشونت و عوامل آن آغاز گردد با جامعه بسوی سعادت بیشتر سوق داده شود.

موادات شریعت در برابر خشونت علیه زنان

۱- برابری زن و مرد در کرامت انسانی:

یکی از مسایل که باعث خشونت علیه زنان میشود، تفکر بد بینانه علیه زنان است که آنها را در مسله کرامت انسانی پایین تر از مردان میشمارند و بناً هر عملی را علیه آنها روا میدارند. اما اسلام این نوع تفکر را رد نموده به نحویکه خداوند میفرماید: (به تحقیق ما کرامت داده ایم اولاد آدم را) بنی آدم شامل مرد و زن میشود.

همچنان در حدیث شریف آمده است زنان شقایق مردان هستند. هیچگونه تفاوتی بین زن در اجر و ثواب اعمال عبادی در اسلام وجود ندارد، در قرآن شریف چنین آمده کسیکه عمل صالح انجام میدهد چه مرد باشد و چه زن در حالیکه او مومن باشد ما برای او زندگی پاکیزه میدهیم و اجر اعمال آنها را به نیکو ترین طریق خواهیم داد.

در مسله خروج آدم و حوا از بهشت، اسلام هر دوی آنها را مقصر دانسته و هیچگاه مانند ادیان دیگر گناه خروج آدم از بهشت را به گردن حوا که اولین زن میباشد نمی اندازد که در این مورد آیات زیادی قرآن کریم وجود دارد.

۲- توصیه اسلام به رفتار نیکو با زنان:

اسلام همیشه مردان (شوهر ران) را به حسن معاشرت با زنان توصیه میکند و این توصیه را به لفظ امر ارشاد میکند و از تشدد و خشونت در برابر آنها منع میکند، چنانچه خداوند میفرماید:

(معاشرت کنید با زنان به خوبی و نیکی اگر چه آنها را بد ببینید، شاید چیزی را که شما بد می بینید خداوند در آن خیر زیادی بگذارد.

اگر دقیق به معنی ایت فوق توجه شود در میابیم که شوهر ران حتی در حالیکه زن خود را پسند هم نکند باز هم شرعاً مکلف هستند که بازنان رفتار نیکو داشته باشند.

احادیث زیادی وجود دارد که مسلمانان را مکلف میسازد که با زنان خود رفتار و خلق نیکو داشته باشند در جای پیغمبر اکرم (ص) میفرماید که بهترین شما کسی است که با اهل خود خوبتر باشد در جای دیگری میفرماید کامل ترین مومنان به ایمانداری کسی است که از نظر اخلاق خوبتر باشد و با اهل خود بسیار لطف و نرمی کند. همچنان در قانون جزای افغانستان احکام زیادی وجود دارد که حقوق قربانیان خشونت را تامین و از آن حمایت قانونی نموده است که ذیلاً یکی از مواد قانون مذکور را تذکر می‌دهیم :

ماده ۴۴۲ قانون جزا:

اگر دشنام مشتمل بر استناد واقع معینه نباشد بلکه به نحو از آنها اعتبار و یا حیثیت شخص را جریحه دار نماید، در صورتیکه دشنام به یکی از وسایل علنی تحقق یافته باشد مرتکب به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

فصل هشتم بدادان

یکی از ستم های که بر زن وارد میگردد قرار گرفتن زن به عنوان بدل الصلح در نزاع ها و کشمکش هایی است که پدر دختر یا برادرانش گرفتار شده است. قربانی اصلی این گونه نزاع ها دختر است که به عنوان خونبها در اختیار وارثین مقتول قرار می گیرد و خانواده مقتول همیشه با دید تحقیر آمیز و خصمانه به او می نگرند. زن موجود مهربان مورد بی مهری قرار گرفته، زندگی اش تیره و غمبار میگردد و ابر سیاه نگون بختی بر او سایه افکنده با رنج و ذلت و غم هم آغوش میگردد. در حالیکه خداوند متعال میفرماید: و لاتزو وازره و زر .. الی اخیر.

ترجمه: نمی بردارد هیچ شخصی گناه شخص دیگری را. این یکی از ظلم و ستم های بزرگی است نسبت به زن که مردم ما آن را نسبت به زن روا داشته اند در حالیکه خداوند متعال ظلم کردن بالای تمام زنده جان ها را حرام قرار داده انسان به مراتب بلند ترین موجودات در روی زمین است.

(بد) در لغت فارسی به معنی زشت، ناپسند، ضد نیکی میباشد. بد واژه و رسم و رواج ناپسندی است که در برخی مناطق کشور از گذشته ها مروج بوده و زمانی که یکی از افراد خانواده به دلایل گوناگون از جمله قتل جانب مقابل، ملامت و متهم پنداشته میشود، طرف مقابل دختر آن خانواده را بنام (بد) از آن خود می سازد.

زمانی که بد را به حیث یک عنعنه از نظر می گذرانیم می بینیم که عنعنات و رسوم دارای مشخصات مختلف اند و برخلاف عده ای از این عنعنات که جزئی از افتخارات یک جامعه محسوب میگردد، عده ای دیگر از این عنعنات به حیث نوعی از تجاوز به حقوق انسانی افراد جامعه شناخته شده اند.

اثرات منفی بد:

بد زشت ترین عنعنه ایست که به طور کلی همه افراد خانواده و تمام کسانی را که به این قضیه مرتبط اند به نوعی از انواع، متضرر میگرداند. بر علاوه تاثیر مستقیم این عنعنه بر زندگی زن و مرد بی گمان اثرات وسیعی را در اجتماع نیز به جا میگذارد. انتقام جویی یک از اثرات پایدار بد به شمار میرود که نظم جامعه را مختل میسازد یعنی با اینکه استدلال میگردد که بد راهی برای جلوگیری از انتقام جویی است اما به وضاحت می بینیم که نتیجه کاملاً معکوس است.

خلاصه اینکه بد دادن دختر به جرم دیگران هیچ ربطی به اسلام و دین نداشته علاوه از آن صلح کردن موضوع زن که بدل آن بد دادن دختر میباشد حکم است به تغییر ما انزل الله صادر گردیده و ارتکاب کفر است. پیامبر اسلام در حیات خود موضوعی را که در آن قضیه ارتکاب زن به صلح منجر گردیده بود به شدت نکوهش کرد.

- بد یکی از عنعنات مردم افغانستان بوده که در نقاط مختلف کشور داری اشکال گوناگون می‌باشند بد معمولاً توسط شورا، جرگه و نشست موی سفیدان محل یا دهستان تطبیق می‌گردد. بد زمانی بوقوع می‌پیوندد که یک مرد افغان مردی را از فامیل افغان دیگر به قتل رسانیده باشد یا کدام جرم بزرگ را در حق کسی نموده باشد. بدین منظور غرض جلوگیری از قتل‌های دیگر دختران فامیل خود را به عقدنکاح فامیل مقتول در میاورند. این عنعنه پس از جلسه و فیصله موی سفیدان محل در معرض اجرا قرار می‌گیرد طوری که در

آغاز موی سفیدان فامیل قاتل با یک یا چند رأس گوسفند و یک مقدار پول به خانه مقتول می‌روند. و از آنها پوزش خواسته تقاضا جرگه را می‌نمایند. بد پس از شفاعت و پوزش زیادی از موی سفیدان مورد تطبیق قرار می‌گیرد. در دهستانها آنها را که جرگه نمی‌نمایند به معنی ادامه خون ریزی است. این دشمنی‌ها بعضاً به جنگهای قومی چندین ساله تبدیل گردیده‌اند. مانند قوم زدران جاجی و منگل که دشمنی این دو قوم تا هنوز ادامه دارد. در شهرها بد بخاطر تقلیل معیاد جرم و جلوگیری از قتل دیگر در معرض اجرا قرار می‌گیرند زیرا درین مناطق حاکمیت دولت مستحکم تر می‌باشد. هده زیادی بد را یکی از میراث کهن، عدم نارسائی جامعه و یک پدیده ناروا و خلاف کرامت انسانی می‌پندارند. بعضی بد را افتخارات سنن می‌پندارند دختر که به بد داده می‌شود الی اخیر عمر در زیر فشار ظلم تعنه اذیت ازار و مشکلات گوناگون غیر قابل تحمل قرار میداشته باشند. بعضاً قربانی این پدیده ننگین دختران خورد سال می‌باشند که از آغوش مادرش جبراً جدا می‌شوند. بعضی از خوش شانسان اینگونه دختران یا بزودی می‌میرند یا از خانه فرار کرده به دیار نامعلوم می‌روند

بد دادن دختران یکی از عنعنات ناپسند افغان ها است :

بد دادن دختران در افغانستان یکی از عنعنات ناپسند و انواع خشونت در برابر دختران و زنان در این کشور به حساب می‌آید. سکینه ۵ سال داشت که به گفته خودش پانزده سال قبل در مقابل جرم برادرش به یک مرد ۶۵ ساله که تفاوت سنی آنها ۶۰ سال است به بد داده شد.

خانم سکینه که فعلاً ۲۰ سال دارد می‌گوید، برادر اش خانم پسر کاکایش را از منزل اش فرار داده بود و بالاخره وی قربانی این عمل نادرست برادرش گردیده و به بد داده شد. سکینه به خاطر فرار از خانه مدت شش سال را در زندان سپری نموده و حالا در یکی از خانه های امن در کابل به سر می‌برد.

او در صحبت با رادیو آزادی در مورد چگونگی بد دادنش بیشتر قصه کرد:

«مشکل همین بود که من مادر نداشتم، مادر اندر و برادر اندر داشتم زمانی که ۵ سال داشتم برادر اندرم خانم پسر کاکایم را فرار داد در بدل همان جرم برادرم، پدرم مرا به مرد ۶۵ ساله به بد داد او حالا ۸۰ ساله است.»

مساله بد دادن در افغانستان از سالها به اینسو در این کشور مروج است. به اساس معلومات ارایه شده از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، میزان بد دادن دختران در این کشور افزایش یافته است. پروین رحیمی مسوول بخش حمایت و انکشاف کمیسیون مستقل حقوق بشر گفت، بد دادن دختران نه تنها در ولایات دور دست بلکه در ولسوالی های کابل نیز از دیاد پیدا کرده است.

خانم رحیمی در ادامه گفت:

«هر اندازه که نا امنی باشد هر قدر که فاصله دولت از مردم بیشتر شود و دسترسی مردم به ارگانهای عدلی و قضای کمتر شود ما شاید افزایش قضایای بد دادن خواهیم بود، متأسفانه قضایای بد دادن در سرتاسر افغانستان است حتی ما گفته می‌توانیم در ولسوالی های کابل قضایای بد دادن وجود دارد و قضیه بد دادن را کسی فیصله می‌نماید که متأسفانه در چوکی های بلند دولتی هستند در حالی که هم قانون جزای افغانستان و هم قانون منع خشونت علیه زنان در این رابطه موقف بسیار جدی گرفته است.»

به گفته وی، دختران اکثراً به خاطر قضایای چون قتل، تجاوز جنسی و حتی فرار از منزل که از سوی اقارب شان صورت می‌گیرد به بد داده می‌شوند. به گفته خانم سکینه، زمانی که ۱۰ سال داشت شب عروسی اش از خانه فرار نموده و به خانه مامای خود پناه برد اما مامای سکینه وی را به عقد نکاح پسر خود در آورد.

اینکه مامای وی چرا سکینه را به پسر خود نکاح نمود، سکینه گفت:

«زمانی که دانستم از همانجا فرار کردم ساعت نو شب از خانه بیرون شدم و ساعت هفت صبح خانه مامایم رسیدم، مامایم سه روز مرا نگاه کرد و بعد از آن گفت که تو را اگر پدرت پیدا کند یا می‌کشد یا به همان مرد ۶۵ ساله می‌دهد به همین دلیل مرا به پسر

ماما خود نکاح کرد. بعداً از آنجا فرار نمودیم.»

خانواده شوهر و پدر سکینه بعد از سه و نیم سال به خاطر فرار سکینه به نهاد های عدلی و قضای مراجعه کرده و تلاش کردند تا سکینه به جرم فرار از منزل زندانی شود. سکینه ۲۰ ساله پس از مجازات به حبس در زندان صاحب فرزند می شود.

این خانم بیشتر در این مورد گفت:

«سه و نیم سال با پسر مامایم در فرار بودم بعد از سه و نیم سال پدرم ما را تعقیب کرد. حالا یک پسر ۹ ماهه دارم و در زندان تولد شده، وقتی که مرا پیدا کردند، زندانی نمودند دو ماه بعد از زندانی شدن من شوهرم را هم پیدا نموده زندانی کردند شوهرم به ۱۰ سال حبس محکوم شده و من به دو سال زندان محکوم شدم.»

سکینه اکنون از زندان رها شده و در یکی از خانه های امن در کابل با پسر خود زندگی می نماید. این تنها سکینه نیست که به بد داده شده است بلکه هزاران زنی دیگر نیز موجود اند که قربانی اعمال ناشایست مردان شده و به بد داده شده اند. اما کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می گوید، آمار دقیق از قضایای بد دادن دختران را در اختیار ندارد.

اینکه قربانیان قضایایی بد برای رسیده گی به مشکلات شان چرا به نهاد های عدلی و قضایی مراجعه کرده نمی توانند، خانم رحیمی پاسخ می دهد:

«یک دختر که به بد داده می شود او کی است او کسی است که به اجبار نکاح می شود در مقابل یک عمل جرمی به بد داده می شود با قیودات بسیار جدی مواجه می شوند حتی اجازه رفتن به خانه پدر خود را نمی داشته باشند. وقتی که افراد ریش سفید و افرادی که توقع حل یک مشکل از آنها برده می شود در یک جرگه فیصله می نمایند دختر را به بد می دهند بعد از آن او دختر به کی اعتماد کند کی همراهی او کمک می کند که دست او را بگیرد و نزد حکومت ببرد.»

زنان در افغانستان همواره مورد خشونت های مختلف قرار می گیرند. آنان در سه دهه اخیر از هر نوع حقوق سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی بی بهره مانده اند. با آنکه در ۱۰ سال گذشته وزارت امور زنان افغانستان، کمسیون مستقل حقوق بشر و نهاد های مدافع حقوق زن تلاش های را در زمینه بهبود وضعیت زنان در این کشور به خرچ داده اند، زنان در افغانستان هنوز هم با مشکلات گوناگون مواجه اند.

منبع و مأخذ:

- ۱- قران منابع و مأخذ
 - ۲- طباطبائی محمد حسین المیزان فی تفسیر القرآن
 - ۳- مکارم شیرازی، ناصر تفسیر نمونه جلد چهارم چاپ
 - ۴- لابخاری، محمد بن اسماعیل صیح البخاری ناشر دارالکتب العلمیه . بیروت چاپ پنجم
 - ۵- نویدی، امام ابی زکریا یحیی، ریاض الصالحین چاپ چهارم تاریخ طبع ۱۳۷۲
 - ۶- الذحلی الدكتور وهبه فقه خاونداه از جهان معاصر ترجمه عبد العزیز سلمی
 - ۷- داکتر ذاکر نائیک زن مسلمان بد بخت نیست نیک بخت است ترجمه محسن مجاهر انتشارات میهن ۱۳۸۷
 - ۸- مطهری مرتضی ، نظام حقوقی زن در اسلام چاپ چهل و نهم ۱۳۸۷ چاپ فجر
 - ۹- جمعی از دانشمندان ، حقوق ومسئولیت زن نظام اسلام مجمع تقریب مذاهب چاپ اول ۱۳۸۵
 - ۱۰- سید اعظمی، نقضی حقوق زن در افغانستان ناشر تهران حلول اندیشه چاپ اول ۱۳۹۱
- قانون اساسی افغانستان.....قانون اساسی سال ۳۸۲
کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان.....کنوانسیون کلیه تبعیض علیه زن جلد اول سال ۱۳۵۸
خشونت های فامیلی.....قانون منع خشونت علیه زنان سال ۱۳۸۸
و قانون معدنی جلد اول احوال شخصیه